

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

## پژوهش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال یازدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۴۰۲

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

### هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

|                                                                                                        |                                                                                                                |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله<br>عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم | حجت الاسلام والمسلمین ربانی، محمدتقی<br>عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم                          |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین<br>دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم  | حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق<br>استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم |
| حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود<br>استاد حوزه علمیه قم                                      | حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی<br>دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم                        |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد<br>استاد سطوح عالی حوزه علمیه                                   | حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی<br>استاد حوزه علمیه قم                                                |
| حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر<br>عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم |                                                                                                                |

#### مترجم چکیده های انگلیسی:

گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

حروف نگار:

ناصر احمدپور

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

#### مدیر مسئول:

سیدمسعود پورسیدآقای

سردبیر:

نصرت الله آیتی

مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:

مجتبی خانی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کد پستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavi@gmail.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



---

دشمنانِ تفکرو اعتقاد به مهدویت - که این اندیشه را به زیان خود می‌دانند - همواره تلاش کرده‌اند تا آن را از اذهان مردم بزدایند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویت را تحریف کنند؛ لذا امروز در نقطهٔ مقابل این تلاش دشمنان، باید در جهت اعتقاد، عمل، تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت حرکت کنیم.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

---

### فهرست عناوین

- 
- ۷..... بررسی مقام نبوت پیامبران حاضر در زمان ظهور  
رقیه حبیب پورگودرزی، محمد مهدی شاهمرادی فریدونی، حامد دژآباد
- ۲۹..... نقد جایگاه خواب در گرایش به مدعیان معاصر مهدویت  
محمد علی پرهیزگار
- ۵۳..... تحلیل آینده پژوهانه از سرنوشت رژیم صهیونیستی اسرائیل بر پایه آموزه‌های قرآن کریم و عهدین  
مهدی عبداللہی پور، زینب جعفری مرندی
- ۸۱..... تحلیل الزامات حکومتِ بستر سازِ ظهور ولی عصر (عج) در جامعه منتظر  
محمد جواد توکلی خانیکی، عاطفه قدوسی
- ۱۰۵..... آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام علی (ع) و نهج البلاغه  
علی اخترشهر
- ۱۲۹..... مهدویت در تعلیم و تربیت با رویکرد فلسفه تربیتی انتظار در بستر مدارس  
محمد حسین صادقی درویشی، آمنه افشار، رضا احمدی

فصل نامه «پژوهش های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی کردهای تخصصی استقبال می کند.

### راهنمای تدوین مقالات

#### الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل وپرنت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا براساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

### ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می‌آید:  
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.  
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشرکننده.

### ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان گردیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله درویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی‌شوند و نویسنده محترم می‌تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می‌شود.



## Examining the position of prophethood of the prophets present at the time of the advent

**Rqayya Habibpour Gudarzi**<sup>1</sup>  
**Dr. Mohammad Mehdi Shahmoradi Fereydoni**<sup>2</sup>  
**Dr. Hamed Dejabad**<sup>3</sup>

### Abstract

Anyone who attains the position of prophethood is able to inform about God's decrees and orders. According to Islamic scholars, the issue of Khatam and Khatam of the Prophet of Islam is one of the essentials of Islam. Since finality is one of the main topics of Shia and Sunni thinking, the problem of some is that how is the Prophet of Islam the last prophet of God and the end of prophecy, while Jesus (AS) is alive now and the time of his reappearance will return to earth? Why, despite the presence of Jesus (AS), Hazrat Mahdi (AS) is leading the uprising of the end of time? In the same way, in the case of Hazrat Khizr - because he is a prophet of God - as well as Hazrat Elias and Hazrat Idris, such forms can be proposed that according to the Shia belief, they will return at the time of the appearance of Hazrat Mahdi (AS), do they still remain in their position of prophethood or not? In this article, using the descriptive-analytical method, the related verses and narrations have been investigated and the results show that the Prophet of Islam is the Khatam al-Nabieen and Khatam al-Mursalin, and we do not have any other prophet or prophet. If someone was a prophet at the same time or after the Prophet, it is not compatible with being the last of the Prophets, because with the finality of the Prophet (AS), the legal revelation was interrupted. Prophet Jesus (AS), Khizr, Elias and Idris, peace be upon them all, their descent and presence at the time of the appearance of Prophet Mahdi (AS) does not contradict the seal of Prophets because they are Muslims and subject to the conditions of Islam and the Imam Zaman(AS) will be.

**Keywords:** Khatam al-Nabieen, Khatam al-Mursalin, Khatam, prophethood

- 
1. Master student of Qur'anic and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (habibpourgoodarzi@yahoo.com)
  2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Responsible Author)(shahmoradi@umz.ac.ir)
  3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi School, University of Tehran, Qom, Iran(h.dejabad@ut.ac.ir)

## بررسی مقام نبوت پیامبران حاضر در زمان ظهور

رقيه حبيب پور گودرزی<sup>۱</sup>

محمد مهدی شاهمرادی فریدونی<sup>۲</sup>

حامد دژآباد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

### چکیده

هرکس به مقام نبوت نائل شود قادر است از احکام خداوند و اوامر و نواهی او خبر دهد. مسئله خاتمیت و خاتم بودن پیامبر اسلام ﷺ از نظر دانشمندان اسلامی از مسلمات و ضروریات دین اسلام به شمار می آید. از آنجایی که خاتمیت از مباحث اصلی تفکر شیعه و اهل سنت می باشد اشکال برخی این است که چگونه پیامبر اسلام ﷺ آخرین پیامبر الهی و ختم کننده نبوت است، در حالی که حضرت عیسی ﷺ الان زنده هست و زمان ظهور دوباره به روی زمین باز می گردد؟ چرا با وجود حضرت عیسی ﷺ، حضرت مهدی ﷺ رهبری قیام آخر الزمان را بر عهده دارد؟ همین طور در مورد حضرت خضر - بنابر این که ایشان پیامبر الهی باشند - و نیز حضرت الیاس و حضرت ادریس چنین اشکالی قابل طرح است که طبق اعتقاد شیعه در زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ رجعت خواهند کرد، آیا هم چنان بر مقام نبوت خود باقی اند یا خیر؟ در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آیات و روایات مربوطه پرداخته شده و نتایج بیانگر آن است که پیامبر اسلام ﷺ خاتم النبیین و خاتم المرسلین می باشند و پیامبر و نبی تشریعی و تبلیغی دیگر نداریم. اگر همزمان و یا بعد از پیامبر ﷺ کسی نبی می بود با خاتم النبیین بودن سازگار نیست، زیرا با خاتمیت پیامبر ﷺ وحی تشریعی منقطع شد. حضرت عیسی ﷺ، خضر، الیاس و ادریس ﷺ نزول و حضورشان در زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ منافاتی با خاتم النبیین بودن حضرت رسول ﷺ ندارد زیرا

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
(habibpourgoodarzi@yahoo.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)  
(mm.shahmoradi@umz.ac.ir).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (h.dejabad@ut.ac.ir).

آنها به عنوان یک مسلمان و تابع شرایط اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح خواهند بود.

واژگان کلیدی

خاتم النبیین، خاتم المرسلین، خاتمیت، نبوت.

## مقدمه

نیازمندی‌های بشر به پیام الهی، عامل وجود نبوت است و در گذشته مطابق با اقتضائات زمان و دوره این پیام‌ها تجدید می‌گردیده‌است. ظهور پی‌درپی پیامبران، تجدید مداوم شریعت‌ها و نسخه‌های مداوم کتاب‌های آسمانی همه بدان سبب بود که نیازمندی‌های بشر، طی دوره‌های مختلف، تغییر می‌یافته و بشر در هر دوره‌ای نیازمند پیام‌آوری جدید و پیامی نو بوده است (اقتدایی، ۱۳۹۹ش: ۱۴).

هرکس به مقام نبوت نائل شود قادر است از احکام خداوند و اوامر و نواهی او خبر دهد. نبی، فردی است که خبر از فرمان‌های خدای متعال می‌دهد و احکام حلال و حرام او را به مردم ابلاغ می‌کند (وهاب‌زاده مقدم، ۱۳۹۰ش: ۱۳). نبی یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی کسی که از جانب خدا پیامی داشته باشد. رسول یعنی فرستاده خدا، کسی که برای مأموریتی خدا او را فرستاده است، اعم از این‌که آن مأموریت از این نوع باشد که آن رسول از جانب خدا چیزی برای مردم آورده باشد، یا رسالت و مأموریت او از نوع دیگر باشد. فقط در صورت اول است که آن رسول، پیامبر و نبی است (شیرداغی، ۱۳۸۶ش: ۶۱). به همین دلیل کلمه رسول در قرآن، هم در مورد پیامبران به کار رفته است و هم در مورد غیر پیامبران. برای مثال درباره جبرئیل چون فرستاده‌ای از جانب خدا بود و مأموریتی داشت هم به کار برده شده است:

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ﴾ (شوری: ۵۱)؛

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می‌کند.

و همین‌گونه ملائکه مأمور قبض ارواح نیز، رسل نامیده شده‌اند:

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾ (انعام: ۶۱)؛

تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما جان او را می‌گیرند.

این‌طور نیست که برخی از پیامبران نبی باشند و برخی رسول. هر پیامبری نبی هست.

منتهی انبیاء از این جهت که از جانب خدا فرستاده شده بودند به ایشان رسول هم گفته شده است همان طور که به غیر آنها هم رسول گفته شده است پس این طور که بعضی از پیامبران نبی و برخی رسول هستند و خاتم انبیاء، خاتم انبیاء بود نه خاتم رسولان، سخن نادرستی می باشد. همه انبیاء رسول نیز می باشند. پس کلمه خاتم النبیین، به معنی خاتم الرسل نیز می باشد بدین معنی که خاتم رسولان نیست که برای دعوت بشر آمده اند. قرآن هم از این بابت هیچ فرقی میان رسول و نبی نگذاشته است. یعنی نبی و رسول هم به پیامبر صاحب شریعت گفته می شود و هم به پیامبر غیر صاحب شریعت، و هر دو کلمه، به هر دو نسبت داده می شود (مطهری، ۱۳۹۶ ش «الف»: ۴۲-۴۴). یک رسول حتماً نبی هم هست ولی يك نبی ممکن است رسول نباشد، یعنی به کسی وحی شود ولی او مأمور ابلاغ نباشد، بنابراین با ختم نبوت، خود به خود ختم رسالت هم پدید می آید زیرا رسولی که نبی نباشد کارش بیهوده خواهد بود، یعنی فرستاده خدا هست ولی خبری از آسمان ندارد. هنگامی که خداوند خلعت خاتمیت را بر قامت پیامبر گرامی اسلام راست فرمود، دیگر آمدن رسولانی که خبر از جانب خداوند بیاورند معنا نخواهد داشت، به عبارت دیگر با پایان یافتن مقام نبوت، مقام رسالت نیز پایان یافت به این معنا که دیگر از آسمان خبری نمی آید و کسی به نبوت مبعوث نمی شود تا معنای رسول خدا هم تحقق یابد. با پایان پذیرفتن نبوت، رسالت هم خود به خود پایان می یابد (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۱۱).

مسئله خاتمیت و خاتم بودن پیامبر عظیم الشان اسلام از نظر دانشمندان اسلامی و علما از مسلمات و ضروریات دین مقدس اسلام به شمار می آید، و هر فرد نا آشنا پس از مواجهه با جوامع اسلامی این حقیقت را به خوبی لمس و درک می کند و فردی که در یک محیط اسلامی زندگی می کند هرگز ممکن نیست که موضوع خاتمیت به گوش او نخورد و از آن مطلع نگردد و این خود نشانه ضروری بودن مسئله خاتمیت است (مکارم شیرازی، بی تا: ۱۶). مسئله خاتمیت یک اصل پذیرفته شده و برای مسلمانان امری مرتکز می باشد و هیچ کس تردیدی در آن ندارد. انکار مسئله خاتمیت به منزله انکار نبوت پیامبر اکرم ﷺ به شمار می رود (رضوی، ۱۳۷۰ ش:

۹

۱۱۱). اندیشه خاتمیت در قرائت مشهور و مستند، یعنی بعد از دین مقدس اسلام، هیچ شریعت و دین آسمانی از جانب خدای متعال و پس از رسول اکرم ﷺ هیچ نبی و رسولی، چه تشریعی و چه تبلیغی و پس از قرآن کریم، کتاب آسمانی دیگری نخواهد آمد. بنابراین، پیامبر اسلام آخرین فرستاده الهی و دین مبین اسلام آخرین دین الهی و قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی

هست (شیر داغی، ۱۳۸۶ ش: ۱۹). مفهوم این قرائت مستند چنین می‌شود که دیگر شخصیتی که دریافت‌کننده وحی و شریعت تشریحی باشد نمی‌آید و به هیچ کسی به عنوان نبی و رسول، وحی و شریعت فرستاده نمی‌شود و هیچ کسی به عنوان فرستاده الهی، نبی و رسول، برای تبلیغ دین قبلی نمی‌آید (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۱۲۶). با این تفاسیر و از آن جایی که خاتمیت از مباحث اصلی تفکر شیعه و اهل سنت است اشکال بعضی از افراد این است که چگونه پیامبر گرامی اسلام آخرین پیامبر الهی و ختم‌کننده نبوت است، در حالی که حضرت عیسی علیه السلام الان زنده هست، و در زمان ظهور دوباره به روی زمین باز می‌گردد؟ چرا با وجود حضرت عیسی علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف رهبری قیام آخرالزمان را بر عهده دارد؟ همین طور در مورد حضرت خضر - بنابراین که ایشان پیامبر الهی باشند - و نیز حضرت الیاس و حضرت ادريس چنین ایرادی قابل طرح است که طبق اعتقاد شیعه در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف رجعت خواهند کرد، آیا هم‌چنان بر مقام نبوت خود باقی‌اند یا خیر؟ در این مقاله به این موضوع با استفاده از آیات و روایات پرداخته شده است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش مورد استفاده در تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

### پیشینه پژوهش

یکی از مباحث همیشگی در بین اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی بحث خاتمیت بوده است. در ارتباط با خاتمیت کتاب‌ها و پژوهش‌هایی ارائه شده است: مفسران اسلامی در ذیل آیه ۴۰ سوره احزاب و متکلمان در ضمن آراء کلامی به این مبحث پرداخته‌اند. کتاب *خاتمیت* نوشته محمدحسن قدردان قراملکی (۱۳۸۲) که به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده است و همچنین کتاب *خاتمیت و پرسش‌های نواز محمد اسحاق عارفی شیرداغی* (۱۳۸۶) که از مباحث مقدماتی شروع و با مطرح نمودن امامت بعد از خاتمیت و همچنین اجتهاد بعد از خاتمیت بحث می‌کند. گسترده‌ترین بحث را در این زمینه جعفر سبحانی (۱۳۸۷) با نام «خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل» در میان عالمان متأخر رقم زده است. ایشان بیشتر با دلایل نقلی، به خاتمیت پرداخته است و سپس تنها به چند نمونه از شبهه‌ها و اشکالات مطرح شده درباره موضوع را به نقد کشیده است. می‌توان اثر استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۹۶) کتاب *ختم نبوت* را نام برد، ایشان در این کتاب در خصوص اینکه راز و رمز ختم نبوت چه بوده و چه عواملی در آن دخل و تصرف داشته است پرداخته‌اند. در ادامه به چند مقاله و پایان‌نامه که در

این زمینه ارائه شده نیز اشاره می‌شود:

جوارشکیان و پیش‌بین (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با نام «خاتمیت از منظر متفکران معاصر» دیدگاه‌های متفکرانی مانند استاد مطهری و علامه اقبال و تبیین دکتر سروش و دکتر شریعتی را مورد بررسی قرار دادند. در این مقاله اشاره مختصری به جایگاه باور به امامت در هر نظریه و سازگاری یا عدم سازگاری آن با آراء صاحب‌نظران یاد شده در خصوص خاتمیت پرداخته شد. بر این نکته تاکید شد که ملاک و مبنای خاتمیت هرچه که باشد به معنای بی‌نیازی کامل از پیشوای آسمانی و رهبر نیست. به عبارت دیگر، خاتمیت در واقعیت امر به معنای ختم پیامبری و وحی جدید می‌باشد نه به معنای ختم هر نوع رهبری و زعامت آسمانی. فهمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با نام «تبیین خاتمیت از دیدگاه متفکران مسلمان» دیدگاه متفکران مسلمان همچون شهید مطهری، اقبال لاهوری و دکتر سروش در تبیین خاتمیت را، بررسی کرد. از بررسی دیدگاه‌ها در تبیین خاتمیت روشن شد که متفکران مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. شهید مطهری با منتفی دانستن علل تجدید نبوت‌ها، خاتمیت را تبیین می‌کند و به نظر می‌رسد صحیح‌ترین دیدگاه در این مورد باشد که براساس آن راز خاتمیت در تکامل و جاودانگی اسلام است. اقبال لاهوری معتقد است که در دوره جدید به دلیل به کمال رسیدن عقل استقرایی بشر نیازی به دستورات بیرونی وحی نیست. دکتر سروش با ارائه سه تفسیر متفاوت از خاتمیت گاهی راز خاتمیت را تجربه تفسیر نشده پیامبر ﷺ می‌داند به همین دلیل وحی را زنده و انسان‌ها را هر لحظه از آن بهره‌مند می‌داند. گاهی خاتمیت را به معنای استغنا از وحی و گاه به معنای برداشتن عنصر ماموریت و ولایت از تجارب دینی و گسترش تجارب پیامبرانه عنوان می‌کند که همه این تفاسیر اشکال دارد و متناقض است.

گلی‌زاده (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «خاتمیت در دین اسلام و مسیحیت» بیان می‌دارد که طبق عقاید اسلامی پیامبر اکرم ﷺ پایان‌دهنده سلسله انبیاست و بعد از ایشان نبی، رسول، کتاب و شریعت دیگری نخواهد آمد. و در فلسفه مسیحیت، جریان نبوت تشریعی با ظهور عیسی ﷺ پایان گرفته و کامل شده و از نظر مسیحیان شریعت ایشان آخرین و کامل‌ترین تعالیم و شریعت می‌باشد. در پایان نیز بعد از بیان وجه اشتراک و افتراق خاتمیت می‌نویسد اگرچه در مسیحیت اندیشه ختم نبوت وجود دارد اما بدین معنا نیست که ایشان حقیقتاً پیامبر خاتم باشند چرا که به گواهی تاریخ مسیحیان و یهودیانی در زمان پیامبر اسلام

به نبوت و خاتمیت ایشان آگاه شدند و اسلام آوردند. این مطلب بیانگر آن است که بشارت به نبوت و خاتمیت پیامبر، در عهدین بوده ولی تحریف شده است. بنابراین یک پیامبر خاتم وجود دارد و آن پیامبر اسلام می‌باشد. اسد شهبازی (۱۳۹۵) پایان‌نامه خود را تحت عنوان «بررسی خاتمیت در اسلام و یهود» به صورت تطبیقی انجام داده و بیان داشته که هر دو دین اولاً با ادیان قبلی حقانیت خود را مستند می‌سازند و بشارت برای ظهور خود را در آنها می‌جویند و ثانیاً به خاتمیت دین خود اعتقاد دارند و ادیان بعدی را نمی‌پذیرند اما پس از تطبیق خاتمیت در این دو دین این نتیجه به دست آمد که خاتمیت مطرح شده در اسلام با خاتمیت یهود، اشتراکات و افتراقاتی داشته و مواردی همچون، اعتقاد هر دو دین به کمال دین و ابدیت آن، خاتمیت و کمال مخاطبان این ادیان، از لوازم خاتمیت گفته شده است. خاتمیت به معنای عدم انقطاع فیض معنوی، از اشتراکات در هر دو دین بیان شده و با توجه به مفهوم وسیع نبوت در آئین یهود و رویکرد متفاوت آنها به خاتمیت به این معنا که یهود خاتمیت را به شریعت نسبت می‌دهد نه به شخص نبی، می‌توان گفت که خاتمیت یهود با خاتمیت اسلام تفاوت دارد. علاوه بر خاتمیت و تحریف کتب یهودیان، عدم وجود امامت می‌تواند از موارد وجوه اختلاف خاتمیت در این ادیان باشد. محسن اقتدایی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی و فلسفه خاتمیت پیامبر ﷺ و نقد شبهات آن» فلسفه خاتمیت را با ادله عقلی و نقلی و از نظر دانشمندان و علماء اسلامی مورد بررسی و همچنین شبهات وارده بر آن را مورد بحث و تحلیل قرار داده است. نتایج به دست آمده نشان داده که فلسفه خاتمیت از عناصری به هم پیوسته تشکیل یافته که ختم نبوت با وجود با هم بودن همه آن عناصر، شکل یافته است برخی از آن عناصر عبارتند از بلوغ و رشد فکری انسان، تحریف ناپذیری قرآن، اجتهاد، امامت و کمال دین. همچنین بارها از سوی پیامبر اسلام مطرح شده اصل امامت و تعیین امام، طبیعتاً بیان‌کننده ختم نبوت است.

در هیچ کدام از پژوهش‌های انجام شده به بررسی مقام نبوت انبیاء حاضر در زمان ظهور پرداخته نشده است.

### مفهوم‌شناسی خاتمیت

به آخر رسیدن معنای اصلی «ختم» است، در زبان عربی «ختمت العمل» می‌گویند: یعنی کار را به آخر رساندم و همچنین «ختم القارئ السورة» می‌گویند: یعنی قاری قرآن، سوره را به پایان

رسانید و آن را تا آخر خواند (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ۲۴۵). و (ختم) به معنای مهر کردن از همین باب است، زیرا آخرین مرحله حفظ بعضی از اشیاء این گونه است که در ظرف و شیشه آن را مهر و موم کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۱۶۴). (خاتم) به فتح و کسرتاء هم از همین باب است زیرا مرسوم است که به وسیله «خاتم» یعنی «مهر» یا «انگشتی» نامه ها و نوشته ها را ختم می کنند و مهر کردن نامه حاکی از آن است که نامه به پایان رسیده است و پیامبر ما را خاتم الانبیاء می گویند چون آخرین پیامبر الهی است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ۲۴۵؛ ابن راغب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۲۷۵) و «خَتَامُهُ مَسْكٌ» (مطففین: ۲۶) که در قرآن مجید آمده است یعنی آخرین چیزی که از آشامیدن آن شراب درک می کنند بوی مشک است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ۲۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۱۶۴؛ ابن راغب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۲۷۵) خاتم دقیق تر از خاتم است. خاتم یعنی مهر سابقاً اسامی را بر انگشت می نوشتند که هم به دست می گذاشتند هم در موقع مهر اسناد، از این مهر استفاده می کردند و خاتم می شد. خاتم یعنی «ما یختم به الشیء» وقتی سندی تمام می شد بعد مهر می کردند پیامبر اسلام ﷺ مهر اسناد نبوت است (جوادی آملی، ۱۳۹۲ «الف») دیگر بعد از او نبی ای نیست چون بعد از مهر کردن دیگر جایی برای نوشتن نیست (خَاتَمُ النَّبِیِّیْنَ) است. خاتم - به کسرتاء - به معنای آخر و پایان است، یعنی پیامبری را به آخر رساند و تمام کرد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۲، ۱۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ۳۲۵) خاتمیت از کسی که پایان دهنده کاری است می آید (رفسنجانی، بی تا: ج ۱۲، ۲۵۸) خاتمیت باور و اعتقادی است برگرفته از قرآن و روایات که جامع این معناست که نبی خاتم - محمد بن عبد الله ﷺ - خاتم النبیین و المرسلین است که پس از ایشان دیگر هیچ نبی و رسولی چه تشریعی یا تبلیغی نمی آید (لطیفی، ۱۳۹۴ش: ۳۹-۳۸) بنابراین معنای ختم نبوت این است که موضوع نبوت به مرتبه نهایی رسیده و به وسیله پیامبر گرامی ﷺ باب نبوت و پیامبری مهر شده و به روی هیچ کس تا دامنۀ قیامت باز نخواهد شد (سبحانی، ۱۳۸۷ش: ۳۲).

## انبیاء حی در قرآن و روایات

۱۳

### ۱. حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت و آخرین پیامبر قبل از حضرت محمد ﷺ می باشد که از بشارت دهندگان به ظهور آن حضرت بود:

﴿أَذَقَاتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران: ۴۵)؛

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای (وجود با عظمتی) از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است، در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود، و از مقربان (الهی) است.

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام: ۸۵)؛

و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر کدام از صالحان بودند.

مسیحیان بر این باورند که عیسی علیه السلام توسط یهود به صلیب کشیده شد (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش: ج ۲، ۵۷۱-۵۶۸) اما به فرموده قرآن کریم، زمانی که یهودیان علیه آن حضرت شورش کردند و قصد کشتنش را کردند خداوند او را نجات داد و به سوی خود بالا برد:

﴿أَذَقَّ اللَّهُ يَعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىٰ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَخُكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (آل عمران، ۵۵)؛

به یاد آورید هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم.

به استناد آیه ۱۵۷ سوره نساء، حضرت مسیح علیه السلام از توطئه‌ای که یهود با همکاری بعضی از مسیحیان خیانت‌کار برای او کشیده بودند نجات یافت و هرگز کشته نشد و خداوند او را به آسمان برد. اما طبق انجیل‌های موجود مسیحیان می‌گویند مسیح کشته شد و دفن شد و بعداً از میان مردگان برخاست و به مدت کوتاهی در زمین بود و سپس به آسمان صعود کرد (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ۲۰۸-۲۰۶؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ج ۳، ۲۲۳-۲۱۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۱۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش: ج ۲، ۵۷۱-۵۶۸).

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۱۵۹)؛

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که به او قبل از مرگش ایمان می‌آورد و روز قیامت

گواه بر آنها خواهد بود.

با توجه به این آیه برخی از مفسران قائلند که تمام اهل کتاب قبل از مرگ مسیح علیه السلام، به او ایمان می آورند. چون طبق روایات شیعه و اهل سنت، عیسی علیه السلام در زمان ظهور از آسمان فرود آمده و پشت سر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نماز می خواند و مدتی زندگی کرده، سپس از دنیا می رود (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۵۸؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۸، ۵۰؛ صدوق، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۳۳۰، ح ۱۶؛ قزوینی، بی تا: ج ۴۰۷؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۶ق: ۲۹۲).

## ۲. حضرت خضر علیه السلام

در قرآن کریم صراحتاً نامی از حضرت خضر برده نشده بلکه به عنوان عبد صالح از او نام برده شد:

﴿عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف: ۶۵)؛  
در آن جا بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را مشمول رحمت خود ساخته و از سوی خود علم فراوانی به او تعلیم داده بودیم.

بیان کننده مقام عبودیت و علم و دانش خاص ایشان است و به عنوان معلم حضرت موسی علیه السلام از او ذکر شده است. در بعضی از تفاسیر این مرد عالم به نام «خضر» معرفی شده که دارای مقام نبوت و از پیامبران مرسل بود که خداوند او را به سوی قومش مبعوث کرد و به عقیده بعضی هنوز زنده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۳، ۳۴۱؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ۸۶؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ج ۶، ۲۵۰؛ امین، بی تا: ج ۸، ۶۰). امام رضا علیه السلام می فرماید:  
حضرت خضر زنده می باشد. وی پیش ما می آید و سلام می کند. هر جا نام او گفته شود، حاضر می گردد. هر سال در مراسم حج حاضر می گردد و مناسک را کامل انجام می دهد. خدای تعالی او را مونس تنهایی امام زمان، در هنگام غیبتش قرار می دهد و به واسطه او ایشان را از تنهایی درمی آورد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۱۶، ۴۰۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۲۳۴).

## ۳. حضرت ادریس علیه السلام

۱۵

قرآن کریم در دو جا از ادریس علیه السلام نام برده و از او به نیکی یاد کرده است:

﴿وِإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ \* وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انبیاء: ۸۵)

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را یاد کن که همه از صابران بودند. و آنها را در رحمت خود

داخل گردانیدیم به درستی که آنها از صالحان بودند.

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا \* وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم: ۵۶)؛

و در این کتاب، ادريس را یاد کن که پیامبری بسیار راستگو بود و او را به مکانی بلند فرا بردیم.

در این‌که منظور، عظمت مقام معنوی ادريس یا بلندی مکان حسی او است در میان مفسران بحث است، بعضی آن را اشاره به مقامات معنوی و درجات روحانی این پیامبر بزرگ می‌دانند و بعضی معتقدند که خداوند ادريس را همچون مسیح به آسمان برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۳، ۹۹؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ج ۸، ۴۵۸-۴۵۷). برخی از مفسران معتقدند خداوند او را به آسمان برده و همان‌جا قبض روح نمود، که اگر این چنین باشد هدف در آیه نشان دادن قدرت الهی است و همین خود مزیت قابل توجهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۴، ۶۴؛ امین، بی‌تا: ج ۸، ۱۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ۲۷۰ و ۲۷۸). ادريس علیه السلام ۳۶۵ سال عمر کرد و بعد به آسمان رفت و اکنون زنده است و در زمان ظهور حضرت مهدی فرجه الله تعالی حاضر خواهد شد (طیب، ۱۳۶۹ش: ج ۸، ۴۵۷).

#### ۴. حضرت الیاس علیه السلام

حضرت الیاس علیه السلام از پیامبران بنی اسرائیل است که در قرآن کریم دو بار از او یاد شد:

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام، ۸۵)؛

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایسته‌گان بودند.

﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (صافات: ۱۲۳)؛

و به راستی الیاس از فرستادگان (ما) بود.

برخی از مفسران در آیه‌های فوق، الیاس را همان ادريس دانسته‌اند و ویژگی‌ها و داستان‌هایی که برای ادريس بیان شده است را در ذیل این آیات برای الیاس آورده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۸، ۷۱۳). زیرا آن حضرت را ظهور و غیبت بوده است و دوباره مبعوث شده است، یک بار پیش از غیبت که ادريس نبی بود، قوله تعالی: ﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا \* وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم: ۵۶) و زمان غیبتش ۳۶۵ سال بوده است و پس از آن به اسم الیاس رسول ظهور فرموده است (حسن زاده آملی، بی‌تا: ۶۴۲). گرچه طبق بعضی از اقوال، الیاس علیه السلام همان ادريس است، ولی از ظاهر آیات قرآن استفاده می‌شود

که او به طور مستقل، یکی از پیامبران است (قاسمی و سلیمانی، ۱۳۹۵ش: ۵۷). در زمان حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت عیسی علیه السلام و ادریس علیه السلام نیز با حضرت خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام در مسجد کوفه اجتماع می نمایند (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ۲۳۸).

### مقام نبوت انبیاء پس از خاتم الانبیاء

نبی در واقع پلی بین جهان انسان ها و عالم غیب می باشد. اسلام اندیشه ختم نبوت را طوری طراحی و ترسیم نموده است که نه تنها ابهام و تردیدی باقی نمی گذارد، بلکه آن را به شکل یک فلسفه بزرگ درمی آورد (مطهری، ۱۳۹۶ش «ب»: ۹-۸). پیامبران تشریعی، صاحب شریعت می باشند و پیامبران تبلیغی کارشان تعلیمات پیامبر صاحب شریعت، به مردم بوده است. اسلام که ختم نبوت را اعلام کرده است نه تنها به نبوت تشریعی خاتمه داده است بلکه به نبوت تبلیغی نیز پایان داده است (مطهری، ۱۳۹۶ش «ب»: ۲۹) حضرت رسول صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر است که نبوت به او پایان یافته است، بنابراین شریعت او تا روز قیامت برقرار و پابرجاست (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۳۲۱). برخی افراد به واسطه نزول حضرت عیسی علیه السلام و خضر، الیاس، ادریس علیه السلام در زمان ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بر این قضیه اشکال وارد کرده اند «فریقین درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام در عصر ظهور اتفاق نظر دارند» (نजारادگان و شاهرادی، ۱۳۹۰ش: ۱۸). به اعتقاد شیعه در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عیسی علیه السلام نیز در کشتن دجال و اعتلای دین اسلام و ساختن جامعه آخرالزمانی، نقش ایفا می کند (تیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ۷۲۳؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۳۱۹). رسول عبارت از کسی است که حامل رسالتی از خداوند به سوی مردم باشد و نبی کسی است که حامل خبری از غیب باشد و هدف از غیب، دین و حقایق آن است و لازمه این حرف این است که وقتی نبوتی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نباشد، رسالتی هم نخواهد بود، چون رسالت، خبر دادن از غیب است، وقتی قرار باشد آگاه ساختن از غیب قطع شود و دیگر نبوتی و نبی ای نباشد، ناگزیر رسالتی هم وجود نخواهد داشت. پس وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتم النبیین باشد، خاتم الرسل هم خواهد بود. خاتم انبیاء بودن، به معنای خاتم المرسلین بودن هم می باشد (مکارم، ۱۳۷۱ش: ج ۱۷، ۳۳۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۳۲۵). نزول حضرت عیسی علیه السلام تضادی با (لا نبی بعدی) ندارد زیرا هدف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این است که شریعتش نسخ کننده تمام شریعت ها است و پس از بعثتش، کسی مبعوث نخواهد شد تا مردم را به دین خود دعوت نماید و خضر علیه السلام هر چند بعد از او زنده مانده

است ولی شریعت او نسخ شده است (امین، بی تا: ج ۸، ۶۰). در اعصار مختلف برخی افراد برای خدشه دار کردن اصل خاتمیت، این سخن را طرح می‌کنند که قرآن پیامبر اسلام ﷺ را خاتم انبیاء برشمرد، نه خاتم رسولان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۷، ۳۳۸؛ سبحانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۶-۴۷). این برداشتی اشتباه است زیرا مرحله رسالت مرحله‌ای فراتر از مرحله نبوت است و اگر کسی خاتم انبیاء باشد خاتم رسولان نیز هست. قرآن اگر پیامبر را خاتم المرسلین می‌نامد، امکان داشت خاتم انبیاء نباشد، اما وقتی بیان می‌دارد او خاتم انبیاء است، قطعاً خاتم رسولان نیز خواهد بود، و به اصطلاح نسبت نبی و رسول نسبت عموم و خصوص مطلق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۷، ۳۳۸؛ سبحانی، ۱۳۷۸ ش: ۴۶-۴۷).

### تبیین خاتم‌الانبیاء در آیات قرآن

واژه خاتمیت در قرآن به کار نرفته، اما تعبیر خاتم‌النبیین در آیه (۴۰) سوره احزاب به عنوان صفت پیامبر اکرم ﷺ به کار رفته است. خداوند حکیم به خاتمیت رسالت و پایان نبوت با حضرت محمد ﷺ این چنین اشاره می‌کند:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب: ۴۰)

محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نبوده و نیست، ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است، و خداوند به همه چیز آگاه است.

این آیه تنها به اصل اندیشه ختم نبوت اشاره می‌کند و چیزی بر آن نمی‌افزاید (مطهری، ۱۳۹۶ ش: «ب»: ۱۱) «در این آیه هم کلمه «رسول» و هم کلمه «نبی» آمده است. «رسول» صاحب کتاب و «نبی» خبردهنده است، یا آن‌که «رسول» پیام‌آور و «نبی» انجام‌دهنده رسالت است» (قرائتی، ۱۳۸۸ ش: ج ۸، ۳۷۵). بعضی از انبیاء فقط نبی بودند و رسول نبودند یعنی فقط برای خودشان مأمور بودند ولی امکان ندارد کسی رسول باشد اما نبی نباشد، خبررسانی، فرع بر دریافت خبر است. پیامبر اسلام خاتم‌النبیین است و امکان ندارد کسی ادعا کند که برای من هم وحی تشریعی نازل می‌شود هرچند تنها برای خودش باشد اگر قرآن می‌فرمود خاتم مرسلین است امکان داشت کسی مدعی شود که ما رسول نیستیم اما بر ما وحی نازل می‌شود و ما برای خودمان نبی هستیم و لازم نیست زیر شریعت پیامبر اسلام برویم به همین دلیل بین خاتم مرسلین و خاتم نبیین تفاوت وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ «ب») علاوه بر آیه ۴۰ سوره

احزاب، در قرآن کریم تعابیر دیگری نیز وجود دارد که برآخِرین پیامبر بودن رسول اکرم ﷺ دلالت می‌کند:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَمِهدَاهُمْ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (انعام: ۹۰)؛

آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده پس به هدایت آنان اقتدا کن (و) بگو در برابر این (رسالت و تبلیغ) پاداشی از شما نمی‌طلبم. این رسالت چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست و آگاه ساختن و بیدار کردن وظیفه من است و در برابر انجام وظیفه مزد معنی ندارد.

یکی از دلالت‌های آیه این است که پیامبر اسلام ﷺ برای همه جهانیان مبعوث و نبوت به او ختم شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۴، ۵۱۴؛ اشکوری؛ ۱۳۷۳ش: ج ۱، ۷۹۱).

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبا: ۲۸)؛  
ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداش‌های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

این آیه به خاتمیت حضرت رسول ﷺ و رسالتی که برای تمام مردم، عمومیت و به همه آنها احاطه دارد، اشاره می‌کند زیرا در صورت عمومیت است که مانع می‌شود از این که حتی يك نفر از آن خارج شود (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۵۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۶، ۷۳).

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران: ۸۳ و ۸۵)؛

آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیم‌اند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند و هر کس جز اسلام آئینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت، از زیان‌کاران است.

در این آیه، قرآن اسلام را به معنی وسیعی تفسیر کرده و می‌فرماید:

همه چیزهایی که در آسمان و زمین هست و همه موجوداتی که در آنها وجود دارند مسلمان می‌باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ۶۴۳).

منظور از تسلیم در این آیه تسلیم تکوینی در مقابل اوامر خدا است، زیرا همه آنچه

در آسمان‌ها و زمین است تسلیم اراده تکوینی خداوند هستند و دلیل آن جمله (طوعاً و کرها) می‌باشد و منظور آن است که یا از خواسته خدا در مورد خویش رضایت دارند یا از آن کراهت دارند (مانند مرگ و میر و فقر و بیماری و امثال آن)، بنابراین اهل کتاب همان‌طور که تکویناً تسلیم خدا هستند تشریعاً هم تسلیم دین توحید که همان اسلام است شوند، همه موجودات به سوی خدا برمی‌گردند. پس این دلیلی دیگر برای پیروی آنان از دین واحد خدا، یعنی اسلام می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ۳۳۶-۳۳۵؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۱۲۶). این آیات اشاره دارد که هرکس غیر از اسلام را انتخاب کند از او پذیرفته نیست، که لازمه آن دوام اسلام و خاتمیت نبوت حضرت محمد ﷺ است. آیات متعدد دیگری نیز در قرآن وجود دارد که بر خاتمیت حضرت رسول ﷺ اشاره دارد (مائده: ۳؛ انعام: ۱۹؛ فصلت: ۴۱-۴۲؛ صف: ۸-۹).

صریح قرآن این است که پیامبر اسلام ﷺ خاتم انبیاست و حضرت عیسی ﷺ و خضر، الیاس ﷺ اگر امروز زنده هستند، یقیناً پیامبر نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸«ب») نزول حضرت عیسی ﷺ در عصر ظهور قادیان خاتمیت آن حضرت نیست زیرا بعثت حضرت عیسی ﷺ قبل از آن حضرت بوده و هدف از «خاتم النبیین» آن است که هیچ پیامبری بعد از او مبعوث نشود و حضرت عیسی ﷺ در زمان نزول، به شریعت اسلام عمل خواهند کرد نه به شریعت خود و به عنوان پیامبر باز نمی‌گردند، بلکه به عنوان یک مسلمان به زمین می‌آیند (رک: ابن جزری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۱۵۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۸، ۴۸۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۴۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ۳۰۱؛ کاشانی، بی‌تا: ج ۷، ۲۹۹؛ تمیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ۷۲۳؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۴۶۳؛ خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۴۲۹؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م: ج ۷، ۱۰۶؛ پانی پتی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۳۵۱؛ انصاری، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۲۳۷).

اگر روی کره زمین کسی نبی باشد با خاتم النبیین بودن سازگار نیست، اگر هم حضرت عیسی، خضر، الیاس ﷺ باشند اولیای الهی هستند و روی زمین کسی مستقل از ولایت حضرت ولی عصر ﷺ نیست و باید تحت ولایت ایشان باشند و مستقل از نبوت نیز نیستند بنابراین خضر، الیاس یا اصلاً نبی نبودند یا طبق بعضی از روایات که نبی بودند نبوت‌شان مختومه شد. حضرت عیسی ﷺ نیز به عنوان تابع تنزل می‌کند نه به عنوان متبوع یا همسان، حضرت رسول ﷺ صاحب ختمی نبوت و حضرت مهدی ﷺ ختمی ولایت و امامت است و اگر در دنیا کسی سمتی دارد برابر تعبیرات قرآن باید زیرمجموعه اینها باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸«ب») بنابراین دیگر برای اقتدای حضرت عیسی ﷺ در نماز به حضرت مهدی ﷺ در

زمان ظهور، به اثبات برتری مقام امامت نسبت به مقام نبوت نیست زیرا حضرت عیسی علیه السلام دیگر نبی نیستند.

### تبیین خاتم الانبیاء در روایات

نبوت جریان‌ی به هم پیوسته است و دین به عنوان پیام الهی یک حقیقت بیشتر نیست. در گذشته نبوت‌های تشریعی و تبلیغی تجدید می‌شدند و پیامبرانی می‌آمدند که پس از ظهور خاتم الانبیاء همه آنها متوقف شد (سلیمانی، ۱۳۸۵ ش: ۱۱۶). پیامبر اکرم علیه السلام در بیاناتی، صریحاً و آشکارا خاتمیت خویش را اعلام می‌دارد و خود را خاتم النبیین معرفی می‌نماید و عاقبت ادعاکنندگان کاذب را آتش دوزخ بیان می‌دارند:

أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيُّ ﷺ الْوَفَاةُ نَزَلَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لَكَ فِي الرُّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا فَقَالَ لَا قَدْ بَلَغَتْ رِسَالَتِي رَبِّي فَأَعَادَهَا عَلَيْهِ فَقَالَ لَا بَلَى الرَّفِيقُ الْأَعْلَى ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالْمُسْلِمُونَ حَوْلَهُ مُجْتَمِعُونَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِي - فَمَنْ ادَّعَى بَعْدَ ذَلِكَ فَدَعَاؤُهُ وَبِدْعَتُهُ فِي النَّارِ فَاقْتُلُوهُ وَمَنِ اتَّبَعَهُ فَإِنَّهُ فِي النَّارِ (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ۵۳)؛

این حدیث از امام محمد باقر علیه السلام است که فرموده: هنگامی که مرگ به سراغ پیامبر علیه السلام آمد جناب جبرئیل علیه السلام نازل شد و به آن عزیز عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ دوست داری به دنیا بازگردی و باز هم زندگی کنی؟ پیامبر علیه السلام فرمود نه نمی‌خواهم چون رسالت پروردگارم را انجام رسانده‌ام، جبرئیل دوباره همان را گفت که پیشتر گفته بود. پیامبر علیه السلام باز فرمود: نه، می‌خواهم به نزد خداوند که برترین رفیق آدمی است بروم. پس از آن پیامبر علیه السلام به مردمی که در اطراف بسترش جمع شده بودند فرمود: هان ای مردم آگاه باشید که نه هیچ پیامبری و نه هیچ سنتی پس از من نخواهد بود. هر کس پس از این ادعایی کند، هم ادعایی که کرده و هم بدعتی که آورده در آتش خواهد بود و چنین کسی را در جا بکشید و هر کس هم که از چنین کسی پیروی کند، بی‌تردید جایگاهش آتش دوزخ است.

غراب از حضرت رسول اکرم علیه السلام در کتاب خود *الفقه عند الشيخ الاکبر*، روایت می‌کند که رسالت و نبوت هر دو بعد از ایشان قطع خواهد شد:

إِنَّ الرِّسَالَةَ وَالنَّبُوَّةَ قَدْ انْقَطَعَتْ فَلَا رَسُولَ بَعْدِي وَلَا نَبِيٍّ (غراب، بی تا: ۳۲)؛  
رسالت و نبوت منقطع شده است؛ نه رسولی بعد از من خواهد آمد و نه نبی.

حدیث منزلت که از احادیث متواتر و مشهور می‌باشد خطاب پیامبر علیه السلام به حضرت علی علیه السلام

است. در این حدیث، پیامبر ﷺ، به غیر از مقام نبوت، همه فضیلت‌ها و منصب‌ها و ویژگی‌های هارون را برای حضرت علی علیه السلام ثابت کرده است:

أَنْتَ مِثِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (خطیب بغدادی، بی تا: ج ۱۰، ۴۵)؛  
تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، به جز این که بعد از من، پیامبری مبعوث نخواهد شد.

درباره خاتمیت از پیامبر اکرم ﷺ احادیث دیگری نیز نقل شده است مانند حدیثی که پیامبر ﷺ خود را خاتم الانبیاء یا خاتم هزار پیامبر یا بیشتر معرفی می‌کند: «انی خاتم ألف نبی أو أكثر» (ابن کثیر، بی تا: ج ۲، ۱۸۲) یا رسول اکرم ﷺ در جایی دیگر می‌فرماید که من برای هدایت همه مردم، از هر نژادی که باشند، مبعوث شده‌ام و به واسطه من سلسله انبیاء به پایان رسیده است:

أُرْسِلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَبِي خَتَمُ النَّبِيِّينَ (ابن سعد، بی تا: ج ۱، ۱۹۲)؛  
من برای همه مردم فرستاده شده‌ام و نبوت به وسیله من ختم شده است.

در اثبات و تأیید خاتمیت رسول گرامی اسلام ﷺ از امامان نیز روایاتی نقل شده است، از جمله حضرت علی علیه السلام در مواضع مختلفی از نهج البلاغه به این مهم اشاره کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۷۲ می‌فرماید:

أَمِينٌ وَخِيَّةٌ وَخَاتَمُ رُسُلِهِ وَبَشِيرٌ وَنَذِيرٌ نَقَمَتِهِ؛  
پیامبر اکرم امین وحی خدا و خاتم پیامبران و مژده‌دهنده رحمت و بیم‌کننده عذاب او بود.

بدین معنی که احکام خداوند متعال را تمام و کمال و بدون هیچ نقصی به مردم ابلاغ نمود و بشارت‌دهنده رحمت خداوند و اندازکننده عذاب و ختم‌کننده پیامبران بود (ابن میثم، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۴۰). حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۰ نیز به تمام شدن حجت خدا بر مردم به وسیله پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌نماید:

حَتَّى تَمُتَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ حُجَّتُهُ وَبَلَغَ الْمَقْطَعُ عُذْرَهُ وَنُذِرُهُ؛  
تا این که به وسیله پیغمبر ما محمد ﷺ حجتش را تمام کرده و جای عذری باقی نماند و تهدیدش درباره مجرمان به نهایت رسید.

پیامبر اسلام ﷺ حجت خدا را بر خلق تمام و بهانه عدم ابلاغ فرامین الهی به مردم را از میان

برد و نهایت بیم و انداز را به انجام رساند. مقصود از «المقطع» نهایت هر چیزی است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۸۰). همچنین در جایی دیگر می‌فرماید:

فَقَفَى بِهِ الرُّسُلَ وَخَتَمَ بِهِ الْوَحْيَ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)؛  
او را بعد از همه پیغمبران آورده وحی را به آن حضرت ختم نمود.

«فَقَفَى بِهِ الرُّسُلَ» مانند این سخن خداوند است که می‌فرماید: «وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ» و «ختم به الوحی» مانند این سخن خداوند «وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» است. با استفاده از شرع، ختم نبوت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل برداشت و جایی برای حکم عقلی وجود ندارد (ابن میثم، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵۵). همچنین امام علی علیه السلام در خطبه ۷۱ به موضوع خاتمیت اشاره می‌نماید و می‌فرماید:

الْخَاتَمُ لِمَا سَبَقَ؛  
پیامبری که خاتم پیامبران پیشین بود.

در صورتی که «ما» در این جا به معنای «ذوی العقول» باشد اشاره به پیامبران پیشین است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «خاتم النبیین» بود و اگر به معنای «ذوی العقول» نباشد، اشاره به پایان گرفتن شرایع پیشین، به دست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۱۸۳). با توجه به مفهوم خاتمیت و نکاتی که در تفاسیر آیات مرتبط با خاتمیت گفته شد، روایات فوق و روایات متعدد دیگری که در منابع شیعی و اهل سنت موجود می‌باشد بر پایان یافتن نبوت به واسطه پیامبر اسلام و نبودن نبی بعد از ایشان، دلالت دارد.

### نتیجه‌گیری

۱. با توجه به آیات و روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خاتم النبیین و خاتم المرسلین می‌باشند و باب نبوت برای همیشه بعد از ایشان به روی همه بسته شده است. پیامبر و نبی تشریعی و تبلیغی دیگر نداریم.

۲. اگر همزمان و یا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی نبی می‌بود با خاتم النبیین بودن سازگار نیست، زیرا با خاتمیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وحی منقطع شد و کسی نمی‌تواند مستقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وحی تشریعی دریافت کند و تابع شرایط اسلام نباشد.

۳. حضرت عیسی، خضر، الیاس و ادريس علیهم السلام اگر امروز زنده باشند دیگر نبی نیستند و

نزول و حضورشان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منافاتی با خاتم النبیین بودن حضرت رسول صلی الله علیه و آله ندارد زیرا آنها به عنوان یک مسلمان و تابع شرایط اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضر الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن راغب اصفهانی، محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
۴. ابن سعد، محمد (بی تا)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، محقق: عمرو بن غرامه عمروی، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن فارس، أحمد (۱۳۹۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن کثیر، اسماعیل (بی تا)، *البدایه و النهایه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۹. ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: شرکت دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۱۰. ابن میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۱. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م)، *تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۳. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
۱۴. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
۱۵. اقتدایی، محسن (۱۳۹۸ش)، *مبانی و فلسفه خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نقد شبهات آن*، مراغه: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی).

۱۶. امین، نصرت بیگم (بی تا)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی جا: بی نا.
۱۷. انصاری، زکریا بن محمد (۱۴۲۴ق)، *فتح الرحمن شرح ما یلتبس من القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
۱۸. پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ق)، *التفسیر المظهری*، کویته: مکتبه رشديه.
۱۹. تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق)، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
۲۰. جمعی از نویسندگان (بی تا)، *خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ (کتاب دیجیتالی)*، بی جا: سایت بهایی پژوهی.
۲۱. جوارشکیان، عباس؛ پیش بین، اعظم السادات (۱۳۸۹ش)، «خاتمیت از منظر متفکران معاصر»، *جستارهایی در فلسفه و کلام (مطالعات اسلامی)*، دوره ۴۲، شماره ۸۴.
۲۲. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الواضح*، بیروت: دار الجیل.
۲۳. حسن زاده آملی، حسن (بی تا)، *ممد الهمم در شرح فصوص الحکم*، بی جا: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. خطیب بغدادی، ابی بکر (بی تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. رضوی، ابوالحسن (بی تا)، *خاتمیت از دیدگاه قرآن و حدیث*، بی جا: دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه (دانشکده الهیات و معارف اسلامی).
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷ش)، *خاتمیت از نظر قرآن، حدیث و عقل*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۰. سلیمانی، محمدعلی (۱۳۸۵ش)، *پایان پیامبری: بررسی تطبیقی دیدگاه علامه اقبال لاهوری و استاد مطهری*، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۳۱. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.

۳۲. سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ق)، *عیون التفاسیر*، بیروت: دار صادر.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر الماثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۴. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: نشر میقات.
۳۵. شیر داغی، محمد اسحاق (۱۳۸۶ش)، *خاتمیت و پرسش‌های نو*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۴۰. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۴۱. غراب، محمود محمود (بی‌تا)، *الفقه عند الشیخ الاکبر محیی الدین ابن عربی*، دمشق: بی‌نا.
۴۲. فهیمی، شریفه (۱۴۰۰ش)، «تبیین خاتمیت از دیدگاه متفکران مسلمان»، *مجله کلام حکمت*، شماره ۷.
۴۳. فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۸ش)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران: انتشارات فقیه.
۴۴. قاسمی، مهدی؛ سلیمانی، حسین (۱۳۹۵ش)، «رسالت‌شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی»، *پژوهش‌های ادیانی*، سال چهارم، شماره ۷.
۴۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۶. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
۴۷. قزوینی، محمد بن یزید (بی‌تا)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر (المنسوب الی) التیمی*، تصحیح: سید طیب موسوی، قم: بی‌نا.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵۰. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۵۱. لطیفی، رحیم (۱۳۹۴ ش)، *خاتمیت، امامت و مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۵۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۳. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ ق)، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶ الف)، *خاتمیت*، تهران: انتشارات صدرا.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶ ش «ب»)، *ختم نبوت*، تهران: انتشارات صدرا.
۵۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، *امالی مفید*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
۵۷. مقدسی شافعی، یوسف (۱۴۱۶ ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، *چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلامی گواهی می دهد؟*، بی جا: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۰. نجارزادگان، فتح الله؛ شاهمرادی، محمد مهدی (۱۳۹۰ ش)، «تحلیل مقام امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه فریقین»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال پنجم، شماره ۱۷.
۶۱. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۲. وهاب زاده مقدم، سیمین السادات (۱۳۹۰ ش)، *رابطه امامت و خاتمیت در آموزه های شیعی*، بی جا: دانشگاه الزهراء (دانشکده الهیات).

## Criticism of the position of sleep in the approach to the contemporary claimants of Mahdaviat

Dr. Muhammad Ali Parhizgar<sup>1</sup>

### Abstract

The contemporary claimants of Mahdaviat introduce sleep as a way to communicate with the imams of purification and to gain knowledge from them, And they invite their audience to believe in dreams, and sometimes by presenting commands, they lead them to dream, in order to gain the immunity and influence of words in the audience in addition to attracting the believers.

Based on the descriptive-analytical method and the use of library resources, this article explains the position of sleep among contemporary active claimants and makes it clear that sleepism is not an innovation or characteristic of a particular sect and many groups have used it to achieve their goals. Then, it reveals the role of sleep in the tendency towards them and in the end, in addition to explaining the goal of the dreamers to promote the belief in dreams, with a critical view, he challenges their citations and examines the validity of the dream in the tendency to them along with stating the contradictions.

**Keywords:** Dream orientation, dream belief, claimants of Mahdaviat, Babiat, Yamani, Sheikhiyeh

---

1. PhD in Islamic Theology, University of Qom, Iran([map@bahaiat.com](mailto:map@bahaiat.com))

## نقد جایگاه خواب در گرایش به مدعیان معاصر مهدویت

محمدعلی پرهیزگار<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۵

### چکیده

مدعیان معاصر مهدویت، خواب را راه ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام و کسب علم از ایشان معرفی کرده و از ادله اثبات ادعاهای غیرقابل اثبات خود می‌شمارند و مخاطبان خود را به خواب‌باوری می‌خوانند و گاهی با ارائه فرامینی آنان را به ورطه رویاپروزی می‌کشاند تا علاوه بر جذب موعودباوران، مصونیت و نفوذ کلام در مخاطب را به چنگ آورند. این نوشتار بر پایه روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، جایگاه خواب در میان متمم‌هیدیان فعال معاصر را بیان می‌کند و روشن می‌سازد که خواب‌گرایی از ابداعات یا ویژگی‌های فرقه خاصی نیست و گروه‌های بسیاری در دست‌یابی به اهداف خود آن را به کار بسته‌اند؛ سپس از نقش خواب در گرایش به آنان پرده برمی‌دارد و در پایان علاوه بر تبیین هدف خواب‌گرایان از ترویج خواب‌باوری، با نگاهی انتقادی، استنادات آنان را به چالش کشیده و حجیت خواب در گرایش به ایشان را همراه با بیان تناقضات بررسی می‌کند.

### واژگان کلیدی

خواب‌گرایی، رؤیاباوری، مدعیان مهدویت، بابیت، یمانی، شیخیه.

### مقدمه

مدعیان معاصر مهدویت در پی اثبات حقانیت خود از خواب سخن رانده و پیروان‌شان را به رؤیاباوری می‌خوانند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۹). برخی مدعی‌اند که علم الهی را در خواب از ائمه اطهار علیهم السلام گرفته‌اند (کربن، ۱۳۴۶: ۲۵) و بعضی ادعا می‌کنند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیده و از سوی آن حضرت مأمور به قیام و اصلاح جامعه و ... شده‌اند و در اثبات خود به خواب کسانی استناد می‌کنند که مدعی هستند پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را در حال

۱. دانش‌آموخته دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم، ایران (map@bahaiat.com).

تأیید آنان در خواب دیده‌اند.

روشن است که بررسی درستی چنین ادعاهایی بر پایه خواب‌باوری، قابل سنجش نیست، از این رو قبول آنها نیز غیرممکن است، زیرا پذیرش حقانیت مدعیان با استناد به خواب و رؤیا، با اثبات حقانیت همه کسانی برابر است که بطلان‌شان بدیهی و غیرقابل انکار است و حتی خود مدعیان نیز باطل بودن خواب‌گرایان دیگر را تأیید می‌کنند (ابوحسن، ۱۴۳۴ق: ج ۲، ۶۶).

برخی محققان حوزه مهدویت، آثاری در نقد جریان احمد اسماعیل نوشته‌اند و در میان مباحث خود به نقد خواب‌گرایی این جریان نیز اشاره کرده‌اند؛ از جمله «خواب پریشان» (شهبازیان، ۱۳۹۴) و «ادعاهای قرآنی برخی مدعیان دروغین در بهره‌گیری از رویا برای تشخیص حجت الهی» (آیتی و شهبازیان، ۱۳۹۳) و «نقد و بررسی بهره‌گیری از استخاره، معجزه، خواب در ادله مدعی یمانی بصری» (شهبازیان و یوسفیان، ۱۳۹۱)؛ لیکن این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و نگاه مسئله‌محور، موضوع خواب‌گرایی و ترویج آن میان مخاطبان سه فرقه فعال حوزه مهدویت معاصر، یعنی شیخیه، بابیت و احمد اسماعیل (یمانی) بررسی کرده و به مخاطب می‌نماید که این شیوه نخ‌نما که توسط برخی مدعیان بزرگ شده و ابداعی به نظر می‌رسد، دستاویزی کهنه است که سایرین نیز از آن بهره برده‌اند، از این رو نخست، جایگاه خواب در میان متمم‌هیدیان فعال معاصر بیان می‌شود؛ سپس نقش خواب در گرایش به مدعیان مهدویت بررسی می‌گردد و با تحلیل و نقد مستند خواب‌گرایی، بیان تناقضات و تبیین هدف‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت از ترویج خواب‌گرایی میان موعود باوران، کلام به پایان می‌رود:

### جایگاه خواب در میان متمم‌هیدیان

غالب متمم‌هیدیان با بهره‌گیری از خواب، در پی طرح یا اثبات ادعای خود بوده‌اند که به نمونه‌هایی از کاربرست خواب توسط مدعیان فعال مهدویت در دوره معاصر اشاره می‌شود:

#### ۱. شیخیه

خواب‌گرایی پس از قرن‌ها با ظهور شیخیه به عنوان يك جریان مدعی نیابت و بابیت جان تازه‌ای گرفت. احمد احسائی (سرکرده شیخیه، م ۱۲۴۱ق) خواب را پل ارتباطی میان خود و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌دانست و مدعی بود که علوم را بدون شاگردی، در خواب یا حالت یقظه، از ائمه اطهار علیهم‌السلام فراگرفته است؛ سپس از امام هادی علیه‌السلام به نمایندگی از امام مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف

اجازه نقل حدیث و اجتهاد دریافت کرده است (کربن، ۱۳۴۶ش: ۲۵).

احسایی در غالب آثار خود از خواب سخن رانده است، از جمله در زندگی نامه خود می نویسد: وقتی میان من و شیخ محمدبن شیخ عصفور بحث واقع شد و اصرار در انکار من می نمود؛ چون شب شد، خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم و شکایت از حال مردم نمودم. فرمود: ترک کن ایشان را و به حال خویش مشغول باش. اوراقی چند مرا عطا کرد و فرمود: این اجازه های دوازده گانه ی ماست... که هر یک از دوازده امام به تو عطا کرده اند. گرفتم و گشودم و نظر کردم (احسایی، ۱۴۳۰ق: ۱۴-۱۵).

همچنین گزارش می کند:

شبی در خواب دیدم به مسجدی در آمدم. سه مرد و شخص دیگری یافتیم. آن شخص از بزرگ آنها پرسید: یا سیدی چقدر زندگی خواهم نمود؟ گفتمش: مگر این کیست؟ گفت: حسن بن علی است... عرض کردم: «یا سیدی، مرا چیزی بیاموز که چون قرائت کنم، شما را زیارت نمایم». فرمود: این ابیات را مداومت نما، هرگاه بخواهی ببینی...؛ وی در ادامه مدعی می شود که هر چه بر این اشعار مداومت کردم، اثری ندیدم تا به خاطر آمد که مراد، تخلّق به مضامین اشعار است، نه قرائت و تکرار... ابواب دیدن خواب برایم مفتوح شد؛ آن گونه که در غالب شب ها، هر یک از آن بزرگواران را که می خواستم زیارت و عرض حاجت می کردم و جواب می فرمودند (احسایی، ۱۴۳۰ق: ج ۸، ۴۶۸-۴۶۹).

## ۲. باییت

علی محمد شیرازی (معروف به باب، سرکرده باییت، م ۱۲۶۶ق) در راه اثبات خود، از رؤیاسرایی بهره می گرفت؛ وی در گزارشی می نویسد:

یکسال قبل از ظهور امر، در رؤیا چنین مشاهده کردم که سر مطهر امام حسین علیه السلام از درختی آویخته است. قطره های خون از آن می چکد. نزدیک آن درخت رفتم. نهایت بهجت و سرور را داشتم که به چنین موهبتی فائز شدم. دو دست خود را پیش بردم و در زیر حلقوم بریده مقدس امام حسین علیه السلام که خون از آن می چکید، نگاه داشتم. مقداری خون در دست من جمع شد. آنها را آشامیدم. وقتی بیدار شدم خود را در عالم دیگر دیدم. روح الاهی از تجلی خویش جسمم را می گذاخت و سراپای من را انوار فیض خداوند فرو گرفته بود. سروری الاهی در خود می دیدم. اسرار وحی خداوندی با نهایت عظمت و جلال در مقابل چشم من مکشوف و پدیدار بود (اشراق خاوری، ۱۳۴ب: ۲۱۴-۲۱۶).

## ۳. احمد اسماعیل بصری

احمد اسماعیل بصری (موسوم به احمد الحسن، سرکرده جریان یمانی) خواب را به عنوان

یکی از شهادت‌های پروردگار بر خود دانسته و آن را حجت قطعی و کوتاه‌ترین راه ممکن برای اثبات خود معرفی می‌کرد (بصری، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۷). او نخستین آشنایی خود با حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به یک خواب نسبت می‌داد:

ماجرای دیدار این است که من شبی از شب‌ها در خواب بودم که رؤیایی در آن خواب دیدم؛ گویی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کنار درب نزدیک به ضریح سید محمد برادر امام حسن عسکری علیه السلام ایستاده بود و به من امر می‌کرد که به دیدارش بروم. بعد از آن از خواب بیدار شدم و ساعت دو شب بود (بصری، بی‌تا: ۱۵).

او کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب را استفاده از خود غیب می‌دانست و درباره آداب آن سفارش می‌کرد که پس از سه روز روزه‌داری، به حضرت زهرا علیها السلام متوسل شوید و از خدا بخواهید که حق را در عالم رؤیا و مکاشفه یا به وسیله یکی از نشانه‌های غیبی به شما نشان دهد (بصری، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۷). وی در جای دیگری خواندن دعایی برای مدت چهل شب را سفارش می‌کند (انصار الامام المهدی، بی‌تا: ۶۷) و آن را مقدمه کشف حقیقت از راه رؤیا می‌داند (واحد تحقیقاتی انشارات انصار الامام المهدی، بی‌تا: ۲۴).

در ادله دعوت جریان یمانی درباره خواب آمده است:

یکی دیگر از راه‌های شناخت حجت‌های الهی در هر زمان، وحی به وسیله رؤیاهای صادقانه به مؤمنان همان زمان بوده است و در خصوص یمانی نیز آیات و روایات متعددی، یکی از روش‌های شناخت حجت خدا در آخرالزمان را رؤیای صادقانه ذکر نموده‌اند و تا کنون بیش از هزاران رؤیای صادقانه برای حقانیت یمانی توسط مؤمنین دیده شده است (انصار الامام المهدی، بی‌تا: ۵۲).

در ادامه نوشته‌اند:

رؤیا راهی است که خدا با آن، با همه بندگان و انبیاء و رسل سخن می‌گوید؛ چه از اولیای خدا باشند و چه از دشمنان، چه مؤمن و چه کافر. خدا به فرعون، کافر مصر وحی کرد، از طریق رؤیایی که یوسف علیه السلام با استفاده از آن، اقتصاد دولت را بنا نهاد (همان: ۵۷).

نویسنده ادله جامع دعوت جریان یمانی، با تأویل آیه «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳) در پی اثبات ادعای خود است و نشان دادن آیات در انفس را همان دیدن رؤیا می‌داند (فصلت: ۵۸) که در قسمت سوم نقد آن بیان خواهد شد.

احمد اسماعیل مدعی است:

چون شیطان نمی‌تواند در قالب رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام تمثیل پیدا کند، اگر کسی آنان را در خواب ببیند، می‌بایست سخن‌شان را همچون حدیث قطعی بپذیرد.

وی با استناد به آیه «تَخُنْ نَقْصُ عَلَیْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَیْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ» (یوسف: ۳) می‌نویسد:

خدا در سوره یوسف، دقیقاً از رویا سخن می‌گوید... در همین سوره رؤیای انبیاء و رؤیای مردم عامه به خصوص رؤیای فرعون کافر را ذکر می‌کند و تمام آن رؤیاها بر زمین تحقق یافت و در قالب واقعیت پدیدار گشت و همچنین علتش این است که منبع و مصدر آن تنها از جانب خداوند متعال است ما انصار امام مهدی به مردم می‌گوئیم، مؤمنان بسیاری هستند که هر کدام در عالم رؤیا، رسول الله ﷺ یا ائمه اطهار علیهم‌السلام را دیدند... ما از طریق آن، مصداق در باب عقیده به خلافت الاهی بر زمین را تشخیص می‌دهیم و بیان می‌داریم که مصداق این عقیده در عالم رؤیا می‌باشد؛ همان‌گونه که در قرآن موجود است و یعقوب نبی علیهما السلام به واسطه رؤیا، تشخیص داد که خلیفه الاهی بعد از او، فرزندش یوسف می‌باشد.

### نقش خواب در گرایش به مدعیان مهدویت

در این قسمت نقش رؤیاباوری در گرایش به مدعیان معاصر مهدویت با معرفی برخی از مصادیق تبیین خواهد شد:

#### ۱. شیخیه

ملا عبدالکریم قزوینی (معروف به میرزا احمد کاتب) درباره ایمان آوردن به جریان شیخیه و بابیت می‌نویسد:

خودم را شخصی یافتم گرفتار انواع متاعب و هموم پریشانی من آن به آن زیاد می‌شد تا صبح اسیر این خیالات بودم؛ آن شب را غذا نخوردم و به خواب نرفتم. گاهی مناجات می‌کردم و می‌گفتم الاهی تو بینا و آگاهی که من جز رضا تو مقصودی ندارم و همواره طالب اراده تو هستم. هر وقت می‌بینم دین مقدس تو را مردمان به مذاهب مختلفه منشعب ساخته‌اند، سراسیمه می‌شوم. ای خدا مرا مساعدت فرما از این سرگردانی نجات ده و از این سیل شکوک رهائی بخش به سرچشمه هدایت دلالت کن و به مقصود واقعی برسان، گریه سوزناکی به من عارض شد، خیلی گریه کردم، زیرا دیدم که تاکنون هر چه زحمت کشیده‌ام بی‌نتیجه بوده و عمرم هدر رفته است، در این بین‌ها خوابم برد. در خواب دیدم شخص بزرگواری از اجله سادات روی منبر قرار رفته و جمیعت زیادی که دارای وجوه نورانی بودند، پای منبر او نشسته‌اند و آن سید جلیل به تفسیر این آیه مشغول است که در قرآن نازل شده «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۴۹) نورانیت

رخسار آن سیدجلیل مرا مبهوت ساخت. برخاستم و رفتم که خود را به پای او بیفکنم، که از خواب بیدار شدم. سرور و نشاط عجیبی قلب مرا احاطه کرده بود که وصف آن نتوانم در قزوین شخصی بود موسوم به حاج الله وردی پدر آقا محمدجواد فرهادی. این شخص در جمیع قزوین به صلاح و نورانیت قلب معرفت حقایق مشهود بود، نزد او رفتم و خوابم را برایش نقل کردم، چون خواب مرا شنید، خندید و گفت آن سیدجلیلی که در خواب دیدی، چنین و چنان نبود و یکایک اوصاف و شمایل او را بیان کرد، من تعجب کردم و گفتم چرا، فرمود آن شخص جلیل جناب حاجی سیدکاظم رشتی است که در کربلا سکونت دارد. پیروان بسیار دارد که در ظل تعالیم او مذهب و از دریای علمش مستفیدند(اشراق خاوری، ۱۳۰، ج ۲، ۹۰۰-۹۰۱).

## ۲. بابیت

خواب‌گرایی در بابیت به شدت رواج داشت، از این رو بسیاری از مدعیان مهدویت علی محمد شیرازی،<sup>۱</sup> مدعی هستند که کاظم رشتی پیش از مرگ بر پایه خواب یک چوپان وعده ظهور مهدی موعود<sup>ع</sup> را داده است:

کاظم رشتی(دومین سرکرده شیخیه، م ۱۲۵۹ق) هر سال ماه ذی القعدة از کربلا به کاظمین می‌رفت و برای روز عرفة به کربلا بازمی‌گشت؛ برای این اساس اوایل ماه ذی القعدة سال ۱۲۵۹ قمری به کاظمین رفت. هنگام ظهر به مسجد برآه (میان بغداد و کاظمین) رسید. وقت اذان زیر درخت خرما می‌رو به روی مسجد ایستاده بود که مرد عربی به سویش رفت و گفت: سه روز پیش حضرت رسول الله ﷺ را در خواب دیدم که به من فرمود: ای چوپان، گفتار مرا درست گوش بده و در خاطر نگهدار. همین جا بمان؛ روز سوّم یکی از اولاد من به نام سیدکاظم، به همراه پیروانش خواهد آمد و اوّل ظهر زیر درخت خرما، نزدیک این مسجد خواهد ایستاد. سلام مرا به او برسان و بگو مژده باد که ساعت مرگ تو نزدیک است؛ پس از زیارت کاظمین فوراً به کربلا برگرد، زیرا پس از سه روز از ورود به کربلا، یعنی در روز عرفة وفات خواهی کرد و طولی نمی‌کشد که پس از وفات تو موعود الهی ظاهر می‌شود و جهان را به نور جمال خویش منور می‌سازد. همراهان از این گفتار غمگین شدند؛ سید به آنان فرمود: شما مرا برای خاطر موعود بزرگوار دوست می‌دارید، با این همه آیا راضی نمی‌شوید که من بروم تا او بیاید. این عبارت خیلی معروف است من از ده نفر بیشتر که در آن روز حاضر بودند، شنیدم که گفتند: سید رشتی در آن روز این بیان را فرمود. با این همه

۱. باید توجه داشت که ادعای مهدویت از سوی علی محمد شیرازی در هیچ يك از آثارش طرح یا ثبت نشده است؛ از سویی آثار بهائیت، از جمله تاریخ نبیل نیز ادعای مهدویت را در وقایع سال ۱۲۶۴ و پس از ورود به تبریز گزارش کرده و به او نسبت می‌دهد و پیش از آن تنها می‌نویسد او خود را فرستاده شخص غایب می‌دانست(پرهیزگار، ۱۳۹۵ش: ۱۲۴).

همان اشخاص که به چشم خود دیده و به گوش خود شنیدند، بعد از ظهور حضرت باب به انکار و عناد قیام کردند(اشراق خاوری، ۱۳۴ ب: ۳۳-۳۵).

نبیل زرنندی (مورخ بهائی) در تاریخ بابیت، شیوه آشنایی و گرایش هجده تن از یاران و خواص علی محمد شیرازی (موسوم به حروف حی) را این گونه با خواب و الهام گره می زند:

ملاً علی با قلبی مملوّ از ایمان به حضور مبارک مشرف شد و بقیه هر کدام نیز به طریقی محبوب عالمیان را شناختند. یکی در عالم رؤیا به حضور مبارک رسید؛ دیگری در وسط نماز به حقیقت پی برد؛ سوّمی به الهام الهی حضرت محبوب را شناخت و همه به حضور مبارک مشرف شدند و ملاً حسین هم با آنان همراه بودند. بدین طریق ۱۷ نفر از حروف حی مجتمع شدند و اسامی کلّ در لوح محفوظ خداوند ثبت گردید و به تدریج هیجده نفر کامل گردید و برای نشر نفحات الله مأمور گردیدند(اشراق خاوری، ۱۳۴ ب: ۵۶).

عباس افندی (معروف به عبدالبهاء، دومین سرکرده بهائیت) درباره چگونگی ایمان آوردن فاطمه زرین تاج (از سران بابیت، معروف به قرّة العین) به علی محمد شیرازی می نویسد:

نخستین تماس و اتصال طاهره با امر بدیع، به عبارت دیگر ایمان اولیه طاهره، بر اثر استمرار در ادعیه و مشاهده رؤیا حاصل گردیده است (افندی، ۱۳۴۳ ش: ۲۹۵).

وی همچنین درباره پیامد بشارت ظهور موعود و سفارش به جستجوی آن حضرت از سوی کاظم رشتی می نویسد:

از اجلّه تلامذه ایشان رفتند و در مسجد کوفه معتکف گشتند و به ریاضت مشغول شدند و بعضی در کربلا مترصد بودند؛ از جمله جناب طاهره روز به صیام و ریاضات و شب به تهجد و مناجات مشغول بود تا آن که شبی در وقت سحر، سر به بالین نهاده، از این جهان بی خبر شد و رؤیای صادقه دید. در رؤیا ملاحظه نمود که سید جوانی عمامه سبز بر سر و عبای سیاه در بر دارد. پای مبارکش از زمین مرتفع است؛ در اوج هوا ایستاده و نماز می گذارد؛ در قنوت آیاتی تلاوت می نماید. جناب طاهره یک آیه از آن آیات را حفظ می نماید و در کتابچه خویش می نگارد، چون حضرت اعلی ظهور فرمودند و نخستین کتاب احسن القصص منتشر شد، روزی در جزوه احسن القصص جناب طاهره ملاحظه می نمود، آن آیه محفوظه را آن جا یافت. فوراً به شکرانه پرداخت و به سجود افتاد و یقین نمود که این ظهور حقّ است (همان: ۲۹۴-۲۹۶).

در یک فرسخی شیراز جوانی به نام عبدالوّهّاب به ملاّعلی بسطامی رسید و در حالتی که اشک از چشمش سرازیر بود، خواب خود را برای او تعریف کرد و از وی خواهش کرد که در خدمتش باشد. وی به ملاّعلی گفت:

دیشب در عالم رؤیا مشاهده نمودم که جارچی در بازار شیراز جار می‌زند و مردم را مژده می‌دهد که حضرت امیر علیه السلام تشریف آورده‌اند؛ برخیزید؛ بروید، جستجو کنید و تماشا کنید که آن حضرت برات آزادی از آتش جهنم را به مردم می‌دهد. بشتابید هرکس که برات آزادی را از آن حضرت بگیرد، گناهانش آمرزیده است و هرکس محروم شود، از بهشت برین محروم خواهد بود. به محض این‌که صدای این جارچی به گوشم رسید، برخاستم و به راه افتادم تا به جائی رسیدم که دیدم شما ایستاده‌اید و مردم دور شما اجتماع کرده، هر یک از نفوس از دست شما ورقه‌ای می‌گرفت. از خواب بیدار شدم؛ به سوی دکان خود آمدم، ناگهان شما را دیدم که همراه شخصی که عمامه بر سر داشت، از مقابل من گذشتید (اشراق خاوری، ۱۳۴: ۷۰-۷۱).

همچنین گزارش شده است که خادم مقبره شیخ طبرسی نیز شب پیش از رسیدن باب‌الباب و اصحاب به آن نقطه، در عالم رؤیا حضرت سیدالشهداء علیه السلام را با هفتاد و دو نفر از اصحاب با وفای آن حضرت و جمع دیگری از پیروان دید که به قلعه شیخ تشریف آورده و در آن جا منزل کردند و به جنگ و جهاد مشغول شدند. روز بعد ملاحسین بشرویه‌ای را دید که به مقبره شیخ وارد شد. متوجه شد که این همان حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که در رؤیا به همین شکل و شمایل دیده است (همان: ۳۰۹). این در حالی است آنان به قتل و غارت کم‌سابقه مردم پرداختند.

همچنین عبدالکریم قزوینی در بیان چگونگی رهیافتن به حقانیت ادعای علی محمد شیرازی، به خواب خود استناد می‌کند:

شب عید را به نماز و دعا گزارندم، بغتتاً خوابم برد؛ در خواب دیدم مرغ سفیدی مثل برف دور سر من پرواز می‌کند؛ پهلوی درختی ایستاده بودم، مرغ روی شانه آن درخت نشست و با نغمه مؤثری که از وصف آن عاجزم گفتم: ای عبدالکریم، آیا در جستجوی مظهر موعود هستی، منتظر باش که در سینه ستین ظاهر می‌شود (همان: ۱۵۲).

محمد حسینی (نویسنده بهائی) نیز در وصف گرایش حروف حی (۱۸ تن از یاران اولیه علی محمد شیرازی) به نقش خواب در گرایش آنان پرداخته و می‌نویسد:

يك شب حضرت باب به وی (ملاحسین بشرویه) فرمودند: فردا سیزده نفر از شیخیه و همراهان قبلی شما به شیراز خواهند رسید. در حق آنان دعا نما تا حقیقت را شخصاً ببابند. صبح روز بعد پس از مراجعت از بیت مبارك باب، ملاحسین دریقات که ملاعلی بسطامی (از شاگردان کاظم رشتی) و دوازده تن از همراهان او به مسجد ایلخانی وارد گشته‌اند... از آن لحظه به بعد همگی در حجرات خود به راز و نیاز و دعا و نماز پرداختند... بسطامی شب

سوم اعتکاف در رؤیا به حضور باب شرفیاب گشت... همراهان جناب بسطامی نیز هر يك به طریقی فائز به ایمان گشتند. غالب آنان در عالم خواب و رؤیا... تاکنون هفده نفر ایمان آورده‌اند... ملا محمدعلی بارفروشی (از شاگردان کاظم رشتی) از راه رسید... (شیرازی) فرمودند: تعجب مکن ما در عالم روح با وی مذاکره کرده و منتظر او بودیم... در میان هجده تن مؤمنین اولیه به حضرت باب، بانوی فاضله و شاعره جوانی بود که جناب سیدرشتی به وی لقب قرة العین داده بود. وی نیز در کربلا بر اثر زیارت حضرت باب در رؤیا، ایمان یافت... هرگز به زیارت حضرت باب در عالم جسمانی فائز نگشت. وی هفدهمین مؤمن به حضرت باب محسوب است (محمدحسینی، ۱۹۹۵م: ۱۸۸-۱۸۹).

وی همچنین درباره نقش خواب در ایمان ملاصادق خراسانی (از شاگردان کاظم رشتی است که شهادت بر بابیت علی محمد شیرازی را بر اذان نماز جمعه شیراز افزود) می نویسد: جناب ملاصادق... برای کشف نام موعود مقدس، به دعا و مناجات برخاست تا آن که يك روز در رؤیا، سیمای سید جوان شیرازی را که قبلاً در کربلا زیارت کرده بود، مشاهده نمود... فائز به ایمان گشت (همان: ۲۰۵-۲۰۶).

### ۳. احمد اسماعیل

جریان نوپدید معاصر، موسوم به یمانی نیز همچون هم‌پیاگانش، به خواب‌باوری می‌خواند؛ از این رو پس از گفتگو با پیروان و حتی مبلغان این گروهک، داستان خوابی را می‌شنویم که آنان پیش از گرایش به این جریان و پس از رعایت دستورات فرقه‌ای (که بیان شد) دیده‌اند و آن را دلیل حقانیت گرایش خود به این مسلک می‌دانند که به جهت اختصار و از سویی معاصر بودن اشخاص و مستبصر شدن برخی از آنان، تفصیلش بیان نمی‌شود.

### نقد حجیت خواب در گرایش به مدعیان

حجیت خواب در گرایش به مدعیان مهدویت، از جهات گوناگونی قابل بررسی و نقد است:

#### ۱. هدف از ترویج خواب‌باوری

مدعیان دروغین با ترویج خواب‌باوری، سه هدف را دنبال می‌کنند؛ نخست در پی فراهم‌سازی زمینه‌های نفوذ کلام خود در مخاطبان موعودباور هستند؛ سپس القای مصونیت، به گونه‌ای که مخاطب گمان می‌کند که مدعی از خطا مصون است و باید بی‌چون و چرا دستوراتش را بپذیرد، از این رو به هدف سوم نائل می‌شوند؛ یعنی سلب قدرت نقد از خود، همچون احمد احسائی که با ادعای ارتباط با ائمه اطهار علیهم‌السلام از راه خواب، آموزه‌های خود را به

معصومان علیهم‌السلام نسبت می‌داد و چنین می‌نمود که باید کلامش همچون کلام معصوم بی‌کم و کاست پذیرفته شود؛ در حالی که خود معصومان علیهم‌السلام نیز در برابر مخاطب چنین نبودند و حق پرسش را برای او باقی می‌گذاشتند و او را تابع کور و کر نمی‌خواستند، از این رو به تفکر و تعقل سفارش می‌کردند و با دلیل عقلی و نقلی مخاطب را قانع می‌کردند؛ ولی مدعیان منحرف، چون بر حق نیستند و امکان اثبات ادعاهای خود را ندارند، از این رو با شیوه درست نمی‌توانند به اهداف باطل خود برسند؛ بنابراین به مغالطه رو کرده و با راه‌های باطل سعی دارند بر انحراف خود لباس حقانیت بپوشانند.

## ۲. لزوم بررسی احوال مدعیان

رؤیا در روایات، سه‌گونه دارد؛ یا بشارتی است که خدا به مؤمن می‌دهد یا آنچه شیطان القا می‌کند یا خواب‌های آشفته است:

بشارت من الله للمؤمن وتحذیر من الشیطان واضغات احلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۱۸۱).

خواب چون امکان راستی‌آزمایی ندارد، مجال لازم را برای سوءاستفاده فرصت‌طلبان فراهم می‌آورد، از این رو در مواجهه با مدعیان می‌بایست احوال آنان و سایر قرائن بررسی شود؛ برای نمونه گفتار و کردار شیخ احمد احسایی و رابطه او با علمای معاصرش، شرایط را برای بررسی ادعاهای مبتنی بر خواب او هموار می‌کند؛ از جمله تکفیر وی توسط علمای و بزرگان شیعه (نورمحمدی: ۱۳۹۳ش: ۲۳ و ۷۰) جریان بهشت‌فروشی او (تنکابنی، ۱۳۸۶ش: ۸۶) تملق و خلاف واقع‌گویی (احسایی، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۲۴۴) وی نسبت به دربار قاجار (نجفی، ۱۳۸۳ش: ۳۱) ادعای کیمیاگری و اظهار باورهای باطل توسط او.

## ۳. عدم حجیت خواب در اثبات اصول و فروع دین

پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کتاب خدا و عترت علیهم‌السلام را دو راه دست‌یابی به هدایت معرفی می‌فرماید:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي (قی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۴۵).

بنابراین در اعتبارسنجی رؤیا، می‌بایست آن را بر کتاب خدا و سنت معصوم علیهم‌السلام عرضه کرد که میزان حق و باطل هستند.

امام صادق علیه‌السلام در رد اثبات اصول و فروع دین با خواب، به صورت مطلق می‌فرماید:

فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۸۲).

روشن است که تقیید این اطلاق به دلیل نیازمند است که وجود ندارد.

اثبات احکام شرعی نیازمند علم است و صرف احتمال و ظن نمی‌توان چیزی را به شرع مقدس نسبت داد، از این رو برای اثبات حجیت برخی از ظنون و خارج شدنشان از ذیل حکم اولیه، دلایلی ارائه شده است که به ظن‌هایی همچون خبر واحد تعلق گرفته و به آنها ظنون معتبره می‌گویند (سبحانی، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ۱۲۴). رؤیا و خواب از جمله ظنونی هستند که دلیل و قرینه‌ای بر خروجش از ذیل اصل اولیه وجود ندارد و در نهایت حکم عدم حجیتش باقی می‌ماند (طباطبایی یزدی، بی‌تا: ۱۵۹؛ آملی، ۱۳۹۵ش: ج ۲، ۵). یعنی حجیت رؤیا به اثبات و احراز نیازمند است؛ ولی از سوی عقل و نقل در اثبات آن دلیل صریحی وجود ندارد، از این رو اعتبارش احراز نمی‌شود.

#### ۴. جایگاه خواب در سیره علما

فقها با استناد به منابع دینی، راه‌هایی را برای دستیابی به احکام شرعی و معارف دینی معرفی کرده‌اند، از جمله براساس آیه: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲) تقلید را جایز می‌دانند، چون اجتهاد برای همگان امکان‌پذیر نیست و بر پایه این آیه گروهی باید به تفقه در دین (فهم اصول و فروع دین) بپردازند؛ سپس دیگران را با احکام و عقاید دین آشنا کنند، از این رو خواب و رؤیا هیچ حجیت شرعی‌ای ندارد و هیچ يك از فقها آن را کاشف حکم فقهی نمی‌دانند:

ولا يخفى على الأرباب النهى عدم كون الرؤيا طريقاً في غير الأنبياء في الأحكام بأسرها (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۱۹۰).

شیخ مفید رحمته الله نیز می‌نویسد:

فإننا لسنا نثبت الأحكام الدينية من جهة المنامات (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۳۰).

سران اخباری‌ها نیز در این عرصه، خواب را حتی در استنباط احکام، حجت شرعی

نمی‌دانند:

فلأن الأدلة الدالة على وجوب متابعتهم وأخذ الأحكام عنهم إنما تحمل على ما هو المعروف المتكرر دائماً... ولأريب أن الشائع الذائع المتكرر إنما هو أخذ الأحكام منهم حال اليقظة (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۲۸۳).

آنچه به عنوان ادله بر وجوب اطاعت و اخذ احکام از ائمه علیهم‌السلام دلالت می‌کنند، روش‌های متعارف و مورد اطمینان در زمان‌های متفاوت را بیان می‌کند که در این میان نه تنها سخنی از حجیت خواب غیرمعصوم نیست، بلکه شواهد بسیاری بر عدم حجیت آن دلالت دارند؛ بنابراین هنگامی که خواب در اخذ احکام شرعی (فقه اصغر) جایگاهی ندارد، به طریق اولی در اثبات اصول عقاید (فقه اکبر) (سبحانی، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ۳۱۶) به ویژه کشف حجت الاهی و امام معصوم علیه‌السلام نقشی نخواهد داشت (حلی، ۱۴۲۹ق: ۳۱۳؛ حلی، ۱۴۰۱ق: ۹۸). آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

شاید سرّش آن باشد که در آن صورت حدّ و مرزی برای رؤیا و مکاشفات عرفانی وجود نمی‌داشت و هرکس هرچه می‌خواست در عالم رؤیا می‌دید یا در عالم مکاشفه مشاهده می‌کرد؛ از امور ساده‌ای مثل این‌که فلانی باید فلان مبلغ را به فلان کس بدهد؛ فلانی باید فلانی را به عقد خود درآورد یا به عقد فلانی درآید یا ... امور مهمی مانند ادعای نیابت و سفارت از حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌فرجه‌الاولی و ... در نتیجه بسیاری از امور، واجب و بسیاری دیگر حرام می‌شدند و الزامات و التزامات فراوانی پدید می‌آمدند و راهی برای نفی و اثبات آنها نبود و خلاصه، سنگی رویی سنگی بند نمی‌شد. در حالی که معیار الزامات و التزامات فقهی در عصر غیبت آن است که دیگران راه عالمانه‌ای برای اثبات یا نفی آن داشته باشند و این راه جز استناد و اتکاء به ادله اربعه (کتاب، سنت، عقد و اجماع) در استنباط فقهی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف: ج ۶، ۱۴۱).

زیرا براساس حدیث امام صادق علیه‌السلام حلال شریعت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا روز قیامت حلال و حرامش تا روز قیامت حرام است:

حَالَلْ مُحَمَّدٌ حَالَلٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ لَا يَحْيَىٰ غَيْرُهُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۸).

یادسپاری؛ از برخی بزرگان شیعه نیز خواب‌هایی گزارش و در بعضی از کتاب‌ها منتشر شده است؛ ولی باید توجه داشت که خواب‌هایی که از علمای شیعه نقل شده است، در راستای بهره‌برداری و عوام‌فریبی و دنیاطلبی و رسیدن به مقاصد دنیوی آنان نبوده است و در غالب موارد برای خواص گزارش شده و در دوران حیات‌شان از اعلام عمومی خودداری شده است.

##### ۵. دشواری تعبیر رؤیا

تأویل و فهم حقیقت رؤیا، علم دشواری است که به متخصص نیاز دارد (مجلسی، ۱۳۸۸ق: ج ۵، ۳۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۲۳۴ و ۲۳۸). آن‌گونه که گاهی فقها و عارفان بزرگی

همچون امام خمینی رحمته الله علیه نیز در تعبیر خواب خود اشتباه کرده‌اند (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۹۱ش: ۲۵). از این رو علامه مجلسی رحمته الله علیه درباره تأویل خواب می‌نویسد:

تعبیر رؤیا را انبیا و اوصیا یا کسانی می‌دانند که الهام الاهی را دریافت می‌کنند و تعبیر رؤیا دریای عمیقی است، بلکه به تجربه یافته‌ایم که رؤیای هر کس، تعبیر خاص خود را دارد که همان خواب برای دیگری به صورت متفاوتی تعبیر می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۸ق: ۵ج، ۳۹).

بر این اساس همان‌گونه که بسیاری از علما فرموده‌اند، بر فرض صادق بودن خواب، سختی تعبیر آن سبب عدم حجیت رؤیا می‌شود، چون آنچه در خواب دیده می‌شود، اگر از اقسام خواب‌های آشفته نباشد، به دلیل عدم درک صحیح تعبیر خواب و پیام‌های داده شده، نمی‌تواند حجت باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۲۳۸؛ بحرانی، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۲۸۳).

یادسپاری؛ محمد بن قاسم نوفلی درباره علت بی‌تعبیر بودن برخی از خواب‌ها می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه است که گاهی مؤمن خوابی می‌بیند و همان‌طور واقع می‌شود و زمانی خوابی می‌بیند و اثری ندارد؟ حضرت فرمود: چون مؤمن بخوابد، از روحش حرکتی تا آسمان بکشد و هر چه را روح مؤمن در آسمان ببیند، حق است و هر چه را در زمین ببیند، اضرغاث و احلام است (ابن بابویه، ۱۳۷۶ق: ۱۴۵).

مجلسی هم در روایتی دیگری از امام صادق علیه السلام در پاسخ مفصل به همین نکته اشاره می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۱۸۳).

## ۶. تأثیر شیطان در خواب انسان‌ها

روایات اسلامی دوگونه از اثرگذاری شیطان بر خواب را گزارش کرده‌اند:

### الف) اثرگذاری بر خواب عموم

خواب در بعضی روایات یکی از اجزاء نبوت دانسته شده است:

إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءٍ أَمِّنَ النَّبُوءَةِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۵۸۵).

برخی روایات آن را گونه‌ای از وحی دانسته‌اند:

رُؤْيَا الْأَنْبِيَاءِ وَحْيٌ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۸).

لیکن روشن است که این سخن درباره انبیاء و مرسلین است، نه انسان‌های عادی، زیرا خواب و رؤیای انسان‌های عادی از تصرف شیطان مصون و محفوظ نیست: «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» (انبیاء: ۵) و او می‌تواند در خواب انسان‌ها تصرف کند؛ آن‌گونه که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

می‌فرماید:

لَا تُحَدِّثْ بِلَعِبِ الشَّيْطَانِ بِكَ ثُمَّ قَالَ إِذَا لَعِبَ الشَّيْطَانُ بِأَحَدِكُمْ فِي مَنَامِهِ فَلَا يَحْدِثَنَّ بِهِ أَحَدًا أَكْرَجَكِي، ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ۶۲).

مدعیان خواب‌گرا نیز منکر این حقیقت نیستند (انصاری، ۱۴۳۲ ق: ۲۰ و ۹۰).  
از سویی روایات معصومان علیهم‌السلام ظاهر شدن شیطان به ظاهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اوصیای آن حضرت را رد کرده‌اند؛ از جمله امام صادق علیه‌السلام به پیروان ابوالخطاب (از مدعیان دروغین عصر امام صادق علیه‌السلام و سرکرده جریان خطاییه) می‌فرماید:

إِنَّ شَيْطَانًا يَقَالُ لَهُ الْمُنْذِبُ يَأْتِي فِي كُلِّ صُورَةٍ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يَأْتِي فِي صُورَةِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيٍّ نَبِيٍّ، وَلَا أَحْسَبُهُ إِلَّا وَقَدْ تَرَاءَى لِصَاحِبِكُمْ فَأَخْذُرُوهُ (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹۳).  
همچنین از پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گزارش شده است که فرمود:

مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَلَا يَقْظَةٍ وَلَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (هلالی، ۱۴۰۵ ق: ۸۲۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۲، ۵۷).  
همچنین از امام حسن عسکری علیه‌السلام گزارش شده است که فرمود:

وَاعْلَمْ أَنَّ كَلَامَنَا فِي النَّوْمِ مِثْلُ كَلَامِنَا فِي الْيَقَظَةِ (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۵۷۴).  
روشن است که مراد از این نفی، دیدن چهره حقیقی آن حضرات است و این موضوع در عصر آن حضرات معصوم معنا می‌یابد، زیرا در این دوران، کسی ایشان را ندیده است که در خواب بتواند چهره آن بزرگواران را با کسی تطبیق دهد که در خواب دیده است، از این رو ممکن است شیطان با القای خود، توهم مشاهده پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ائمه اطهار علیهم‌السلام را در خواب بیننده ایجاد کند؛ همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام به پیروان ابوالخطاب فرمود که شیطان بر رهبر شما مجسم شده است:

وَقَدْ تَرَاءَى لِصَاحِبِكُمْ فَأَخْذُرُوهُ (همان: ۲۹۳).  
در این صورت شیطان در قالب پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ائمه اطهار علیهم‌السلام ظاهر نشده است؛ بلکه توهم رؤیت این معصومان را برای خواب‌بیننده پدید آورده است: «وَلَا يَزَالُ إِنْسَانٌ يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ أَرَاهُ إِيَّاهُ» (همان: ۳۰۴)، چون شیاطین می‌توانند القائات خود را به انسان‌ها وارد کرده و آنان را به شبهه گرفتار کنند؛ همان‌گونه که قرآن کریم اصل این موضوع را تأیید کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ﴾ (انعام: ۱۲۱ و ۱۱۲).

و هدف از آن را آزمایش بیمار دلان بیان می‌کند:

﴿لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ﴾ (حج: ۵۳).

آیت الله جوادی آملی با اشاره به این حقیقت می‌نویسد:

مشکل این است که اغلب ما امامان معصوم علیهم‌السلام را ندیده‌ایم و اگر صورتی نورانی در خواب ببینیم که صاحب آن ادعا کند که من امام هستم، چگونه او را بشناسیم؟ از کجا معلوم شیطانی که ادعای ربوبیت کرده، ادعای نبوت و امامت نکند؟ پس اگر کسی در بیداری یکی از ذوات مقدس معصوم را ببیند و سپس در خواب صورتی نورانی مشاهده کند و او را بشناسد، این خواب صحیح است؛ اما اگر صورتی ناشناس ادعای امامت کرد، تشخیص آن مشکل است، چون پیشتر امام را ندیده است و شیطان می‌تواند با دروغ او را بفریبد؛ البته او نمی‌تواند به شکل امام و معصوم درآید؛ ولی همان‌گونه که ادعای ربوبیت کرد، ادعای امامت هم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۳۹).

بر همین اساس خادم مقبره شیخ طبرسی شخصی را به گمان آن که سیدالشهداء علیه‌السلام است در عالم رؤیا دید و سپس ملاحسین بشرویه‌ای را در عالم بیداری مشاهده کرد و او را مصداق شکل و شمایل سیدالشهدایی دانست که در عالم خواب دیده بود، از این رو پیرو او شد و در رکاب او همچون بسیاری دیگر از شورشیان قلعه طبرسی کشته شد (اشراق خاوری، ۱۳۴ ب: ۳۰۹).

#### ب، اثرگذاری بر خواب خواص

گزارش‌هایی از اثرگذاری شیطان بر خواب خواص نقل شده است؛ از جمله مرحوم کلینی رحمه‌الله در گزارشی از امام صادق علیه‌السلام آورده است که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِخْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَ الْمَنَامِ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۵۳۶).

برخی مفسران نیز ذیل آیه ﴿إِنَّمَا التَّجْوِي مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارٍّ هُمْ شَيْئًا إِلَّا يَإْذِنِ اللَّهُ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (مجادله: ۱۰) روایتی را از امام صادق علیه‌السلام گزارش کرده‌اند که از ظاهر شدن شیطان در قالب چهره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حسنین علیه‌السلام خبر می‌دهد و مرگ این حضرات را بر اثر مسمومیت به حضرت فاطمه علیه‌السلام نشان می‌دهد. پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از اطلاع از این رؤیا و جستجوی معنای آن از جبرئیل، متوجه می‌شود که شیطانی به نام ده‌ار برای آزار حضرت زهرا علیه‌السلام این رؤیا را ایجاد کرده است (قمی،

۱۳۶۷ش: ج ۲، ۳۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۳۱۹).

گرچه برخی از محققان در این روایت و منبع آن تردید کرده‌اند (ترابی شهرضایی، ۱۳۸۷ش: ۳۱۲) و برخی کلیت این روایت را پذیرفته‌اند (قمی، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ۳۵۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۱۴۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۳۱۹) ولی حقیقت آن است که این موضوع با عصمت حضرت زهرا علیها السلام سازگار نیست.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که احمد اسماعیل بصری - که در اثبات حقانیت خود به خواب استناد می‌کند - این روایت را در حالی پذیرفته است (انصاری، ۱۴۳۲ق: ۸۲) که به تصرف شیطان در خواب کسی همچون حضرت زهرا علیها السلام تصریح دارد که هم معصوم است و هم چهره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را به خوبی می‌شناسد؛ بنابراین خواب‌سازی و القای شیطان برای ما که نه معصوم هستیم و نه چهره آن حضرات را دیده‌ایم، به طریق اولی ممکن است؛ بنابراین استناد به خواب در حجیت ادعاهای مدعیان مهدویت نمی‌تواند حجت باشد.

یادسپاری؛ برخی از مدعیان، الهام و وحی را تنها مصدر و منبع خواب معرفی کرده‌اند؛ اگر چنین است، خاستگاه خواب‌های شیطانی و سایر خواب‌ها چیست که در روایات آمده است؟

#### ۷. تشابه قالب مشاهدات مدعیان در عین تکذیب رقبا

مدعیان خواب‌گرا، الهام و وحی را منبع و مصدر خواب معرفی کرده‌اند. جهیمان عتبی از شیوخ سلفی و وهابی مقیم عربستان و معرف «محمد بن عبدالله قحطانی» به عنوان مهدی موعود در اثبات ادعاهایش می‌گوید:

دو سال است که برادران، او را به عنوان مهدی می‌شناسند... به شما بشارت می‌دهم که بارها خواب‌ها درباره خروج مهدی دیده شده و کسانی خواب دیده‌اند که این مهدی را ندیده بودند. وقتی دیدند، تأیید کردند که همان است که در خواب دیده‌اند. او حدیثی هم از پیامبر در تأیید خواب خواند که فرمود: «لَمْ يَبْقِ مِنَ الْوَحْيِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ... الرَّؤْيَا الصَّالِحَةُ» (جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۲۵۲).

در حالی که براساس روایات خواب، گونه‌هایی دارد و ممکن نیست که خاستگاه همه آنها به ویژه خواب‌های شیطانی وحی و الهام الهی باشد.

یادسپاری؛ هریک از مدعیان مهدویت، ادعاهای غیر خود را تکذیب می‌کنند؛ برای نمونه احمد اسماعیل، سران شیخیه، بابیت و بهائیت را از مدعیان دروغین می‌خواند؛ در حالی است

که سران این جریان‌ها نیز از خواب برای اثبات حقانیت خود بهره گرفته‌اند.

با بررسی آثار و تاریخ مدعیان و جریان‌های انحرافی روشن می‌گردد که شیوه و سیره بسیاری از سران و پیروان فرق انحرافی در خواب‌گرایی و ترویج آن، یکسان است؛ برای نمونه می‌توان گزارشی را خواند که از گرایش فاطمه زرین تاج به بابیت نقل شده است و آن را با شیوه‌ای مقایسه کرد که جریان احمد اسماعیل امروزه به پیروان خود برای خواب دیدن توصیه می‌کند و این‌گونه، دریافت که هر دو از يك راه و روش بهره می‌گیرند؛ درباره حروف حی گروهك بابیت گزارش شده است که آنان روزها را به روزه و ریاضت و شب‌ها را به تهجد و مناجات می‌گذرانند؛ همان نسخه‌ای که پیروان احمد اسماعیل برای دیدن رؤیا و شناخت حجت الاهی از طریق از آن، برای پیروان‌شان می‌پیچند.

#### ۸. نفی خواب مخالفان

خواب و رؤیا زمانی نزد مدعیان دروغین صحیح است و حجیت دارد که در راستای اهداف و ادعای آنان باشد و تأییدشان کند؛ لیکن اگر با استناد به خواب و رؤیا سخنی برخلاف ادعای آنان مطرح شود، به تکذیب آن خواب و رؤیا می‌پردازند (المغربی، ۱۴۳۴ق: ۱۸)؛ برای نمونه پیروان احمد اسماعیل در این باره می‌نویسند:

لكن البعض وصلت به الجرأة .من اجل رد دعوة الحق .الى أن يكذب ويختلق رؤى، غرضه منها إبعاد الناس عن الإيمان بدعوة الحق والتشويش عليهم، شاهدت ذلك بنفسى مراراً.» و در ادامه از احمد اسماعیل گزارش می‌کند که رؤیای مخالفان خود را چنین می‌نماید: «فهم بكل سهولة يقومون بتأليف رؤى مكذوبة ضد خليفة الله في زمانهم في محاولة بائسة للطعن بشهادة الله أمام المؤمنين (ابوحسن، ۱۴۳۴ق: ج ۲، ۶۶).

#### ۹. توقیفی بودن تعداد ائمه اطهار علیهم‌السلام

باید توجه داشت که بر اساس باورهای اسلامی، تعداد ائمه اطهار علیهم‌السلام توقیفی است و این تعداد برخلاف کسانی که امامت و مهدویت را نوعی می‌دانند، قابل کاهش یا افزایش نیست؛ بر این اساس بهره‌گیری مدعیان از خواب در اثبات امامت و مهدویت خود، با مسلمات باورهای اسلامی به ویژه تشیع سازگاری ندارد.

#### ۱۰. حجیت خواب انبیاء علیهم‌السلام

برخی مدعیان با استناد به عمل کرد بعضی پیامبران بر پایه خواب هستند تا آن را به حجیت

خواب عموم تعمیم دهند؛ این درحالی است که باید توجه داشت از يك سو حجیت خواب در این موارد، ویژه پیامبری است که نبوت او ثابت شده است؛ نه مدعی‌ای که اصل ادعایش محل بحث است. از سوی دیگر در خصوص آیه «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ» (یوسف: ۳) روایاتی وجود دارد که از علم حضرت یعقوب علیه السلام به نبوت حضرت یوسف علیه السلام پیش از خواب او گواهی می‌دهد، از این رو آن حضرت بر پایه علم، پیراهن خاص حضرت ابراهیم علیه السلام را به یوسف علیه السلام می‌پوشاند که ویژه اوصیا علیهم السلام است، نه صرفاً بر پایه خواب حضرت یوسف علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۱۴۳). یادسپاری؛ محتوای خواب حضرت یوسف علیه السلام پیشگویی وقایع خارجی است و برجایگاه نبوت دلالت ندارد.

#### ۱۱. دوگانگی خواب مدعیان با وقایع خارجی

خواب‌هایی که مدعیان برای بهره‌گیری‌های خود بازمی‌گویند، با رخدادهای عالم بیداری متفاوت است؛ از جمله جریانی که احمد احسایی در قالب تعریف خواب مطرح می‌کند و از کسب اجازه در خواب خبر می‌دهد، از جهات گوناگون محل اشکال است:

الف) تاریخ گزارش می‌کند که احسایی ادبیات عرب را نزد شیخ محمدبن شیخ محسن در روستای قزین فرا گرفته است و در دوران جوانی درس علمایی همچون آقا محمد بهبهانی و سیدمهدی بحرالعلوم را در عراق درك کرده است و از بزرگانی همچون سیدمهدی بحرالعلوم، میرزا محمدمهدی بهبهانی، سیدعلی طباطبائی صاحب ریاض، شیخ احمد بحرانی دمیستانی، شیخ موسی فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ حسین و شیخ احمد آل عصفور اجازه نقل حدیث گرفته است (نورمحمدی، ۱۳۹۳ ش: ۱۳).

ب) علم معصوم خطا نمی‌پذیرد، چون به دانش الهی باز می‌گردد، از این رو در علوم الهامی ایشان نیز اشتباه راه ندارد؛ ولی نظریه‌ها و آموزه‌هایی که احسایی ملهم از معصوم می‌داند، بر پایه قرآن و سنت نقد شده و بطلانش ثابت شده است. نگرش او به معاد جسمانی از جمله این ایده‌هاست که با قرآن حکیم، سنت معصومان علیهم السلام و آراء متکلمان در تضاد بود و به تکفیر وی توسط دانشمندان بزرگی همچون شهید ثالث (آیت‌الله محمدتقی برغانی) انجامید (همان: ۲۳ و ۷۰).

## ۱۲. استناد نادرست به آیات و روایات

مدعیان دروغین مهدویت در اثبات خواب گرایی خود، با شیوه‌های باطن گرایی، تأویل و تفسیر به رأی، تحریف، تحذیف و تقطیع به آیات و روایات دست می‌آورند که به نمونه‌ای از تأویل در آیات و تحریف در روایات اشاره می‌شود:

### الف) تأویل در آیات

تأویل آیه ۵۳ سوره مبارکه فصلت، براساس نص روایات، باطل است، زیرا در تبیین مصداق آیات در انفس آمده است که مراد، مسخ شدن برخی افراد پیش از ظهور است؛ از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» قَالَ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاضُ الْأَطْرَافِ عَلَيْهِمْ وَفِي أَنْفُسِهِمْ بِالنَّسْخِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَنَّهُ الْقَائِمُ (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۷).

### ب) تحریف در روایات

احمد اسماعیل در اثبات خواب گرایی، به تحریف گزارش بزنتی از امام رضا علیه السلام دست می‌آلاید و چنین می‌نماید که او از امام رضا علیه السلام درباره رؤیا سؤال می‌کند و حضرت در پاسخ این پرسش می‌فرماید:

اگر آنچه را که می‌خواهید به شما بدهیم، برای تان شر خواهد بود و گردن صاحب این امر گرفته می‌شود (بصری، ۱۴۲۸ق: ۴۲).

در حالی که در روایت از «رؤیا» پرسش نمی‌شود؛ بلکه بزنتی از «رؤیت» سؤال می‌کند (حمیری قمی، ۱۴۱۳ق: ۳۸۰) و روشن نیست که مراد از رؤیت، دیدن چه چیزی است و هیچ دلیل بر دیدن خواب وجود ندارد، چون این روایت با تفصیل بیشتر بدون هیچ اشاره‌ای به خواب و رؤیا نیز گزارش شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۲۴).

## ۱۳. اثرگذاری حوادث بر خواب

خواب از تصورات ذهنی و حوادث زندگی روزانه انسان اثر می‌پذیرد، از این رو مدعیان با علم به این حقیقت، سناریوی خود را چنان تنظیم می‌کنند که با بهره‌گیری از خواب، آنچه را می‌خواهند به مخاطب خود القا کنند؛ بنابراین دستور به روزه و تهجد (شب‌زنده‌داری برای نماز و دعا) برای دیدن رؤیا می‌دهند و این‌گونه ذهن او را آماده و درگیر دیدن رؤیا می‌کنند.

روشن است، کسی که به نیت دیدن چنین رؤیایی، روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها را به نماز و دعا می‌گذراند و همه فکر و ذهن خود را درگیر این موضوع کرده است؛ در نهایت پس از چند روز انتظار، چنین خوابی را خواهد دید؛ همان‌گونه که انسان‌ها، بسیاری از حوادث روزانه یا مشغله‌های ذهنی زندگی خود را شب در خواب می‌بینند.

یادسپاری؛ در گزارش خواب‌هایی که پیروان فرق انحرافی دیده‌اند به روشنی این حقیقت را می‌توان دریافت که رؤیای آنان، از مشاهدات بصری و تصاویر ذهنی‌شان برخاسته است، زیرا در تصویرسازی خواب خود، از مسجدی همچون مسجد کوفه در فیلم امام علی (ع) و از چهره نورانی و غیرواضح امامی که دیده‌اند، همچون فیلم امام رضا (ع) سخن می‌گویند که نقش تصاویر ذهنی بیننده خواب و القاهای مدعیان در اصل دیدن خواب و آنچه را خواب بیننده می‌بیند، روشن می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

مدعیان فعال مهدویت در دوره معاصر با تأکید بر رؤیاباوری و ترویج خواب‌گرایی در پی اثبات ادعاهای خود و جذب موعودباوران و مصونیت و نفوذ کلام در مخاطب هستند، از این رو خواب‌های خود و ملاقات خوابی با ائمه اطهار (ع) را بازگو می‌کنند و از چیزهایی می‌گویند که در خواب به دست آورده‌اند، از این رو خواب در گرایش به این مدعیان نقش بسیاری داشته و بسیاری بر پایه این باور، به آنان پیوسته‌اند و لا اقل چنین گفته‌اند؛ لیکن در نقد این گرایش غیرقابل اثبات، باید به این نکته‌ها توجه داشت:

۱. امکان راستی‌آزمایی خواب وجود ندارد، از این رو مجال مناسبی را برای فرصت‌طلبان و سوءاستفاده‌کنان فراهم می‌آورد؛

۲. آموزه‌های دینی، کتاب، سنت و عقل را به عنوان منابع فهم دین معرفی کرده‌اند، از این رو خواب جایگاهی در این میان ندارد؛

۳. علما نیز جایگاهی برای آن قائل نبوده‌اند، چون از يك سو تعبیر، تأویل و فهم رؤیا علم دشواری است که به تخصص نیاز دارد و از سوی دیگر برخی خواب‌ها بی‌تعبیر است و از سویی بر پایه روایات امکان اثرگذاری شیطان بر خواب وجود دارد که اعتماد بر آن را بسیار دشوار می‌سازد؛

۴. مدعیان دروغین بسیاری ادعاهای خود را بر پایه خواب مطرح کرده‌اند و این‌گونه

- پیروان بسیاری به خود جذب کرده‌اند و از سویی خواب مخالفان خود را نفی کرده‌اند؛
۵. مدعیان با خواب‌گرایی اصولی همچون توقیفی بودن تعداد ائمه اطهار علیهم‌السلام را با استناد به خواب، نادیده گرفته‌اند و با تأویل آیات و تحریف روایات در پی اثبات خواب‌گرایی هستند.
۶. ادعاهای خوابکی مدعیان مهدویت، از يك سو متناقض است و از سوی دیگر بر پایه قرآن و سنت نقد شده و بطلانش ثابت شده است؛
۷. بر پایه تجربه و گزارش‌های علمی اثرگذاری حوادث بر خواب ثابت شده است؛
- براین اساس نه تنها اصول دین، بلکه در هیچ يك از امور زندگی را نمی‌توان بر پایه خوابی بنا کرد که احتمال انواع مفسده و انحراف در آن وجود دارد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. آملی، میرزا هاشم (۱۳۹۵ق)، *مجمع الافکار و مطرح الانظار*، قم: مكتبة العلمية.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: نشر کتابچی.
۵. ابوحسن (۱۴۳۴ق)، *مع العبد الصالح* (کتاب شماره ۱۸۵)، جلد دوم، بی‌جا: بی‌نا.
۶. احسائی، احمد بن زین الدین (۱۴۲۰ق)، *شرح الزيارة الجامعة الکبيرة*، بیروت: دارالمفید.
۷. احسائی، احمد بن زین الدین (۱۴۳۰ق)، *جوامع الکلم*، بصره: مطبعة الغدير.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الاثمة*، تبریز: بنی‌هاشمی.
۹. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. اشراق خاوری، عبدالحمید (۱۳۰ب)، *رحیق مختوم*، بی‌جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۱۱. اشراق خاوری، عبدالحمید (۱۳۴ب)، *مطالع الانوار* (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی)، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات مرآت.
۱۲. افندی، عباس (۱۳۴۳ق)، *تذکرة الوفاء*، حيفا: مطبعة العباسیه.
۱۳. انصار امام مهدی (بی‌تا)، *ادله جامع دعوت یمانی آل محمد، احمد اسماعیل*، بی‌جا: واحد تحقیقات انتشارات انصار امام مهدی.

۱۴. الأنصاری، زکی (۱۴۳۲ق)، *بین یدی الصبیحة قراءة فی الاحلام منهجاً وعلماً* (کتاب ۱۳۰)، بی‌جا: انتشارات انصار الامام المهدي.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۶. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، *الحداثق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق)، *الدرر النجفیة من المائتقطات الیوسفیة*، بیروت: دارالمصطفی للإحياء التراث.
۱۸. بصری، احمد اسماعیل (بی‌تا)، *خطاب قصه اللقاء للامام احمد الحسن الیمانی*، بی‌جا: بی‌نا.
۱۹. بصری، احمد اسماعیل (۱۴۲۸ق)، *إضاءات من دعوات المرسلین (الجزء الاول)*، بیروت: الهدف للأعلام و النشر.
۲۰. بصری، احمد اسماعیل (۱۴۳۱ق «ب»)، *جواب‌های روشن‌کننده* (کتاب شماره ۲۷)، بی‌جا: انتشارات الامام المهدي.
۲۱. پرهیزگار، محمدعلی (۱۳۹۵ش)، «بررسی و تحلیلی بر پیشینه‌شناسی بابیت و مهدویت علی محمد باب و رابطه آن با جریان‌های باطنی»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۵۳.
۲۲. ترابی شهرضایی، اکبر (۱۳۸۷ش)، *پژوهشی در علم رجال*، قم: انتشارات اسوه.
۲۳. تنکابنی، محمد (۱۳۸۶ش)، *قصص العلماء*، بی‌جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۱ش)، *مهدیان دروغین*، تهران: نشر علم.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش «ب»)، *نسیم اندیشه*، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش «الف»)، *ادب فنای مقریان*، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۷. حلی، محمد بن منصور بن احمد بن ادريس (۱۴۲۹ق)، *اجوبه مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفة*، قم: دلیل ما.
۲۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۱ق)، *اجوبه المسائل المهنائیة*، قم: مطبعة الخيام.
۲۹. حمیری قمی (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۳۰. سبجانی، جعفر (۱۴۲۴ق)، *ارشاد العقول الی مباحث الاصول*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۱. طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن (۱۳۹۱ش)، *تفسیر سوره یوسف*، قم: بوستان کتاب.
۳۲. طباطبایی یزدی، محمدباقر (بی‌تا)، *وسيلة الوسائل فی شرح الرسائل*، قم: بی‌نا.
۳۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافة.

۳۴. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
۳۶. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۷. کربن، هانری (۱۳۴۶ش)، *مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی*، ترجمه: فریدون بهمنیار، بی‌جا: تابان.
۳۸. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مجلسی، محمد تقی (۱۳۸۸ش)، *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دارأحیاء التراث العربی.
۴۲. محمد حسینی، نصرت الله (۱۹۹۵م)، *حضرت باب*، کانادا: مؤسسه معارف بهائی.
۴۳. المغربی، توفیق (۱۴۳۴ق)، *دلائل الصدق و نقض غبار الشک* (کتاب شماره ۱۸۰)، بی‌جا: بی‌نا.
۴۴. نجفی، محمد باقر (۱۳۸۳ش)، *بہائیان*، قم: نشر مشعر.
۴۵. نور محمدی، مهدی (۱۳۹۳ش)، *شیخیه و بابیه در ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۴۶. نوری طبرسی، حسین (۱۴۲۹ق)، *دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۴۷. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی.

## A futurological Analysis of the Fate of the Zionist Regime based on the Teachings of the Holy Quran and the Testaments

Dr. Mehdi Abdullahipour <sup>1</sup>  
Zeinab Jafari Marandi <sup>2</sup>

### Abstract

Predicting the fate of Zionist Regime has long been considered by futurists and has been analyzed from a political, martial and geographical point of view. In the meantime, some have finally explored Zionist Regime according to the Bible and the teachings of the Holy Qur'an and hadith. By putting together statements and opinions, in addition to criticizing some of the existing views based on the Qur'an, hadith and Testaments, the future can be drawn more clearly and unambiguously. Some opinions seem to be incorrect due to the existence of prejudice in the researcher along with inappropriate application of interpretations and results. While many phrases from the Holy Qur'an and the Testaments have divine traditions and laws that are still useable today. In the Testaments, God has warned the children of Zionist Regime with a general command that failure to perform divine duties and corruption will lead to their expulsion from their land. As the predecessors were punished in such a way. In several chapters, the Holy Qur'an speaks of God repeatedly extinguishing the flames of the Jewish war, as well as the repulsion of Jewish sedition and corruption by those whom God sends against them, which will continue until the Day of Judgment, and may include the Zionist regime in Zionist Regime. Although its timing and quality are unclear.

**Keywords:** Future, Zionism, Israel, the Holy Quran, Testaments

- 
1. Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Assistant Professor of Quran Department, University of Noble Quran Sciences and Education, Qom, Iran(abdollahipour@yahoo.com)
  2. Master's student of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran (Responsible Author)(zjm.ezmmm@gmail.com)

## تحلیل آینده‌پژوهانه از سرنوشت رژیم صهیونیستی اسرائیل برپایه آموزه‌های قرآن کریم و عهدین

مهدی عبداللّهی پور<sup>۱</sup>

زینب جعفری مرندی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۸

### چکیده

پیش‌بینی فرجام اسرائیل مدت‌هاست که مورد توجه آینده‌پژوهان، قرار گرفته و از جنبه‌های سیاسی، نظامی و جغرافیایی واکاوی و تحلیل شده است. در این میان برخی نیز باتوجه به کتاب مقدس و آموزه‌های قرآن کریم و احادیث سرانجام اسرائیل را کاویده‌اند. با در کنار هم قرار دادن اقوال و نظرات می‌توان علاوه بر نقد و بررسی برخی دیدگاه‌های موجود برپایه قرآن، روایات و عهدین، آینده را شفاف‌تر و بدون ابهام ترسیم نمود. به نظر می‌رسد برخی نظرات به دلیل وجود پیش‌داوری در پژوهشگر همراه با تطبیق بی‌جا، تفسیرها و نتایج نادرست باشد. درحالی‌که، فرازهای متعددی از قرآن کریم و عهدین، دارای سنت‌ها و قوانین الهی است که درحال حاضر نیز جاری و ساری است. در عهدین خداوند با حکمی کلی به بنی اسرائیل هشدار داده است که عدم انجام فرایض الهی و فساد، باعث اخراج از سرزمین‌شان می‌شود؛ همان‌طور که پیشینیان به چنین عقوبتی گرفتار شدند. قرآن کریم در چندین سوره از خاموش کردن مکرر شعله جنگ یهودیان از جانب خداوند سخن گفته و همچنین از دفع فتنه‌گری و فساد یهود توسط افرادی که خداوند بر علیه آنان می‌فرستد، صحبت شده که تا روز قیامت استمرار دارد و چه بسا شامل رژیم صهیونیستی اسرائیل هم خواهد شد؛ هرچند زمان و کیفیت آن نامشخص است.

واژگان کلیدی: آینده، صهیونیسم، اسرائیل، قرآن، عهدین.

۱. استادیار گروه قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن و دانشکده علوم قرآنی قم و هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن (abdollahipour@yahoo.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) (zjm.ezmmm@gmail.com).

## مقدمه

در فراز و نشیب‌های دنیای امروز که با جنگ و ویرانی همراه است، رژیم صهیونیستی با توسل به زور و قتل عام و آوارگی انسان‌های بی‌شمار، حکومت خود را بنا نهاده و با حمایت برخی کشورها به حیات خود ادامه می‌دهد. اسرائیل به کتاب مقدس استناد کرده و تلاش می‌کند وعده‌های تورات را در مورد بنی اسرائیل تحقق بخشد. صهیونیسم موافقان و مخالفانی دارد که هر کدام سرنوشت خاصی برای اسرائیل پیش‌بینی کردند و در همان راستا نیز پیش می‌روند و نقشه می‌کشند. برخی از آنها نظرات‌شان را به قرآن کریم، روایات معصومین و کتاب عهدین منتسب نمودند. عده‌ای فقط به بخشی از این کتب استناد کرده و از سایر جنبه‌ها غافل مانده‌اند و حتی در مواردی دچار تفسیر به‌رای و تطبیق نابه‌جا شده‌اند و آینده و ابعاد آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. آینده‌پژوهی در این موضوع چالشی و بحث‌برانگیز جهان امروز می‌تواند ابزاری برای شفاف‌سازی و ارزیابی آینده محتمل یا نزدیک به واقع و اتخاذ تدابیر آگاهانه و عالمانه باشد.

## پیشینه

پژوهش‌های متعددی در مورد آینده اسرائیل صورت گرفته است که غالباً از جنبه‌های سیاسی و جغرافیایی بوده‌اند و برخی نیز جنگ‌های احتمالی آینده را ارزیابی کرده‌اند. آینده‌پژوهی اسرائیل با توجه به قرآن و عهدین به صورت کلی و همه‌جانبه تاکنون مشاهده نشده است. از جمله مقالات و کتب که در این زمینه نوشته شده عبارت است از:

مقاله «آینده اسرائیل؛ بقاء یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیترو شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» نوشته آقای جاودانی مقدم و برجویی فرد (در این مقاله برخی از سناریوهای انجام شده توسط اسرائیل با توجه به نظریه شوارتز بررسی شده و همچنین براساس دیدگاه مقام معظم رهبری سناریوی آینده سیاسی اسرائیل و آنچه در انتظارش است، مطرح گردیده است).

مقاله «مراد عینی آیات وعید بنی اسرائیل در سوره مبارکه اسراء از رهگذر قرآن، حدیث و تاریخ» پدیدآورنده علی رضایی کهنمویی (نگارنده دو فساد مطرح در سوره اسراء را با ماجرای صهیونیسم تطبیق داده و سرانجام اشاره شده در آیه را مربوط به آینده اسرائیل کنونی می‌داند).

کتاب جنگ آینده اسرائیل علیه حزب الله و متحدانش نوشته جفری وایت (نویسنده با بررسی شرایط و موقعیت نظامی و سیاسی کشورهای اسرائیل، فلسطین، لبنان، سوریه و ایران، جنگ احتمالی آینده را تحلیل نموده اما از اظهار نظر قطعی در مورد فرجام جنگ‌ها خودداری کرده و برخی از احتمالات را بیان کرده است).

کتاب تأملی در سوره روم نوشته سید مسعود پورسیدآقایی (نویسنده آیات ابتدایی سوره روم را مربوط به شکست اسرائیل کنونی توسط ایرانیان می‌داند).

کتاب ۱۴۰۱ سال سقوط اسرائیل نوشته عبدالله حسینی (مؤلف با استفاده از محاسبات عددی قرآن، سال سقوط اسرائیل را پیش‌بینی کرده است).

کتاب عصر ظهور نوشته علی کورانی (در بخشی از کتاب به نقش یهودیان در دوران ظهور پرداخته و وعده خداوند بر نابودی یهود بررسی شده است).

## مفهوم‌شناسی

### ۱. آینده‌پژوهی

«آینده» به معنای زمان پس از حال، وقتی که نیامده، آتیّه و مستقبل است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۱، ۲۶۳). «آینده‌پژوهی» دانش ترسیم آینده متناسب با امیال و آرمان‌های فردی و سازمانی است و مشخص می‌کند که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز حقایق فردا تولد می‌یابد. کار آینده‌پژوه این است که از طریق روش‌های علمی آینده نزدیک به واقعیت را تخمین بزند (حیدری، ۱۳۹۳ش: ۷۰). همچنین آینده‌پژوهی، شفاف‌سازی دانسته‌های موجود، شناسایی حالات ممکن آینده و تفکیک مطلوب‌ترین حالات ممکن است (صفایی، ۱۳۹۶ش: ۵۹).

آینده‌پژوه اهداف متعددی را دنبال می‌کند که عبارت است از:

۱. شناخت و درک صحیح از مسائل نوظهور و مواجهه با آنها؛
۲. انجام برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت؛
۳. پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده؛
۴. تقویت ملت‌ها برای انتخاب و پذیرفتن مسئولیت در حال حاضر برای آینده بهتر؛
۵. ایجاد آینده‌ای مطلوب که احتمال وقوع آن بیشتر است (مرادی‌پور، نوروزیان، ۱۳۸۴ش: ۴۶).

البته دانش آینده‌پژوهی به یقین پائین‌تر از «علم غیب» است و تنها گمانه‌زنی و بررسی حدسیات و احتمالات از طریق شواهد و ادله مختلف است که می‌تواند موجب دسترسی به فرصت‌ها و دوری از تهدیدها و شرها در حد و توان خود شود... (کارگر، ۱۳۸۹، ش: ۱۲۹).

## ۲. صهیونیسم

«صهیونیسم» برگرفته از اسم «صهیون» است. واژه نامه فرهنگ یهود آورده است: تپه محصور در اورشلیم که در سده دهم قبل از میلاد به وسیله داود پادشاه از صیون به خصوص بمفهوم روحانی آن به لقبی برای اورشلیم مبدل شد... پس از خرابی بیت هیقداش (بیت المقدس) نام صیون... نام مترادفی برای اورشلیم و تمام سرزمین اسرائیل به کار رفته است... (اشمیدت<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۷۷م: ۱۷۸).

همچنین در تفسیر عهد قدیم نیز در مورد این نام گفته است: ...کوه واقع در ناحیه جنوب شرقی در اورشلیم «صهیون» نامیده می‌شد. بعدها، کل اورشلیم «صهیون» نام می‌گیرد (مک‌آرتور، ۲۰۲۰م: ۷۵).  
... قوم اسرائیل در آن جا یهوه را می‌پرستیدند. ولی می‌تواند در معنای سرزمین موعود هم به کار برود (همان: ۸۰۴).

در دانشنامه صهیونیسم آمده است:

صهیونیسم لفظی است که متفکر یهودی «ناشان و برنباوم» از کلمه صهیون گرفت تا بر حرکت آرام جمع‌آوری ملت یهودی در سرزمین‌های فلسطین دلالت کند. یهود اعتقاد دارد که مسیح مخلص در آخرین روزها باز می‌گردد تا مردمش را به سرزمین موعود برگرداند و از بالای کوه صهیون بر جهان حکم می‌راند... (صفاتاچ، ۱۳۸۹، ش: ج ۴، ۸۴۱).

نمود سیاسی صهیونیسم «در اعلامیه بالفور تبلور کامل یافت... که همچون عطیه‌ای به قوم یهود... داده شد، عرب‌ها را گروه‌های غیریهودی خواند. یعنی یهودیان ملت بدون سرزمین شدند و فلسطین هم سرزمین بدون ملت» (مسیری، ۱۳۸۳، ش: ج ۶، ۶) و در حال حاضر، کلمه «صهیونیسم» در جهان عرب بدین معناست:  
استعمار استيطانی و اشغالگرانه فلسطین که با حمایت غرب، استوار و ریشه‌دار شده (مسیری، ۱۳۸۳، ش: ج ۶، ۶).

1. Schmidt  
2. MacArthur

### ۳. اسرائیل

در قرآن کلمه اسرائیل ۴۳ بار آمده است و فقط در سوره‌های آل عمران: ۹۳ و مریم: ۵۸ اسرائیل به تنهایی آورده شده که منظور حضرت یعقوب علیه السلام است:

﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّىْ اِسْرَآئِیْلَ اِلَّا مَا حَرَّمَ اِسْرَآئِیْلُ عَلٰی نَفْسِهٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ...﴾ (آل عمران: ۹۳)؛

همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل (یعقوب) بر خویشان حرام ساخته بود...

و در سایر آیات از نام یعقوب برای ایشان استفاده شده و فرزندان اسرائیل را با عنوان بنی اسرائیل یاد کرده است. همچنین *دائرةالمعارف قرآن کریم* «اسرائیل» را همان «یعقوب» معرفی کرده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ش: ج ۳، ۲۲۰). همین‌طور در *مجمع‌البحرین* آمده است:

إِسْرَآئِیْلُ هُوَ یَعْقُوبُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و بنو إِسْرَآئِیْلَ: قومه و معناه بلسانهم: عبدالله أو صفوة الله (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ج ۵، ۳۱۵).

و در *علام‌القرآن* هم در مورد اسرائیل ذکر شده:

هو یعقوب بن إسحاق بن إبراهيم الخلیل علیه السلام، وکان یعرف بإسرائيل، وهی کلمة عبرية معناها عبدالله، و یعقوب اسم أعجمی (شبستری، ۱۳۷۹ ش: ۱۰۵۵).

در مورد ریشه این نام در *دانش‌نامه صهیونیسم* چنین آورده:

کلمه اسرائیل از ریشه کنعانی است و از دو جزء «اسر» و «ایل» تشکیل شده و معنی آن بنده یا سرباز خداوند «ایل» یا برگزیده خدا است (صفاتاج، ۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۵۷۰).

در تورات هم علت نام‌گذاری اسرائیل چنین است:

گفت: «نام تو چیست؟» گفت: «یعقوب» گفت: «از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل، زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی (پیدایش، ۳۲: ۲۷-۲۸).

### ۵۷

همچنین نام اسرائیل در تورات بر کشوری که در فلسطین بنا شد و حضرت سلیمان و داوود نبی بر آن حکومت کردند هم اطلاق شده است (صفاتاج، ۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۵۷۱).

## تاریخچه رژیم صهیونیستی اسرائیل

تاریخچه اسرائیل ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری انواع فرقه‌های صهیونیسم در سیر تاریخی آن دارد به همین جهت لازم است که انواع صهیونیسم و روند ایجاد آنها بیان گردد.

### ۱. صهیونیسم دینی

... اعتقاد به ظهور موعود در آخرالزمان براساس کتاب مقدس تورات و تلمود است... معتقدند موعود از نسل داود خواهد آمد و بر تپه صهیون حکومت خواهد کرد و جهان را به تسخیر خود در خواهد آورد... دولت یهودی - مسیحایی خود را در تپه صهیون (اورشلیم) برقرار می‌کند. به باور آنان، قبل از ظهور نباید به سرزمین موعود رفت، بلکه ماشیح<sup>۱</sup> پس از ظهور، نخست شهر مقدس اورشلیم و نیز معبد آن را که به سبب گناهان ما خراب شد، از نو بنا می‌کند و سپس پراکندگان اسرائیل را که به سبب گناهان، در نقاط مختلف جهان به تبعید رفتند، جمع‌آوری می‌کند. حتی علمای یهود بر این نظرنند که استقلال سیاسی نیز در دوران ماشیح است... (طاهری آکردی، ۱۳۹۷، ش: ۳۳).

صهیونیسم دینی به این بخش استناد می‌کند:

... شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد. و اومت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد... (اشعیا، ۲: ۳-۴؛ میکاه، ۴: ۲-۳).

صهیونیسم دینی که ارتدکس‌ها و یهودیان سنتی فریسی هستند معتقدند که باید برای آمدن منجی دعا کرد و منتظر ماند و تشکیل هر نوع حکومت یهودی را قبل از ظهور ماشیح ممنوع می‌دانند (طاهری آکردی، ۱۳۹۷، ش: ۳۷).

### ۲. صهیونیسم مسیحی

فرقه‌ای از مسیحیان پروتستان موعودگرا موسوم به پیوریتن‌ها که، بعد از کسب قدرت در انگلستان در قرن ۱۷ میلادی تصمیم به مقدمه‌سازی برای بازگشت مجدد مسیح گرفتند. آنها معتقدند که عیسی مسیح دوباره در آخرالزمان برمی‌گردد و بشریت را نجات خواهد داد (همان). پیروان مکتب صهیونیسم مسیحی معتقدند برای تسریع ظهور و به‌عنوان وظیفه شرعی و دینی خود باید به یهودیان سراسر جهان کمک کنند که در فلسطین ساکن شوند و کشور

۱. در فارسی به مسیحا معروف است به معنای مسح شده یا تذهین شده با روغن مقدس است.

اسرائیل از نیل تا فرات گسترش یابد(ضابط، ۱۳۸۱ش: ۹۸-۱۰۰).

### ۳. صهیونیسم سیاسی

در اواخر قرن نوزدهم گروهی به منظور توجیه تفکرات صهیونیسم با توسل به ظهور مسیح و بازگشت به سرزمین موعود، برخلاف تفکرات دودکس یهودی که مسئله ظهور را دفعاً و امری آخراًزمانی و فرابشری می‌دانند؛ معتقد است که این واقعه از جنس تحول و تطور تاریخی است. پس روند بازگشت قوم یهود به سرزمین موعود بخشی از این سیر تاریخی محسوب و در راستای ظهور مسیح صورت می‌گیرد(آهویی، ۱۳۹۳ش: ۱۳۶).

در مورد تاریخچه صهیونیسم سیاسی می‌توان گفت:

هکسر در ۱۸۹۴ کتاب بازگشت به فلسطین را نوشت و هر تزل در ۱۸۹۶ کتاب دولت یهودی را تدوین کرد. سپس هفت کنفرانس صهیونیسم سیاسی از ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۵م در بازل سوئیس برگزار کرد که همان تفکر صهیونیسم مسیحی را پیگیری می‌کرد. در حقیقت اواخر قرن ۱۹، قرن تفکیک تفکر صهیونیسم سیاسی از صهیونیسم دینی و همبستگی با صهیونیسم مسیحی انگلیس و آمریکا بود که سرانجام به تأسیس کشور یهودی در فلسطین منتهی شد(طاهری آکردی، ۱۳۹۷ش: ۴۰).

در تاریخ دوم نوامبر ۱۹۱۷م، اعلامیه بالفور با امضای لرد بالفور وزیر خارجه دولت انگلستان صادر شد و آرمان سیاسی یهودیان مبنی بر به رسمیت شناخته شدن حق یهود برای ایجاد وطن و حکومت ملی در فلسطین تحقق یافت. با صدور این اعلامیه از جانب انگلیس فلسطین به عنوان سرزمین یهودیان شناخته شد و ساکنان غیریهودی آن که اکثراً مسلمان بودند بیگانه و مهاجرانی معرفی شدند که برای سکونت به آن سرزمین رفته‌اند(اسدی، ۱۳۷۹ش: ۱۲-۱۳).

### رویکرد رهبران اسلامی نسبت به فرجام اسرائیل

برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا که سکوت اختیار کردند؛ رهبران امت اسلامی مواضع قاطعی نسبت به تشکیل این رژیم گرفته‌اند و اسرائیل را دشمن اصلی جهان اسلام در حال حاضر معرفی نمودند که هرچه زودتر باید از بین برود.

### ۱. امام خمینی رحمته الله علیه

ایشان بزرگ‌ترین حامی و مدافع فلسطینیان در جهان هستند و در سخنی ماندگار فرمودند:  
اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین

است (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۶، ۴۹۰).

همچنین فرمودند:

... ملت‌های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند... نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایت‌های اسرائیل و صهیونیسم را دگرگون ساخته است و گرگ‌های خون‌آشام صهیونیسم، از فکر تجاوز و غصب سرزمین‌های از نیل تا فرات دست برداشته‌اند... مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم... (همان: ج ۲۰، ۳۲۰-۳۲۱).

## ۲. مقام معظم رهبری

ایشان در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱ دو پیشنهاد درباره فلسطین مطرح کردند:

**الف) رفراندوم و نظرسنجی:** از این مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند، یک نظرسنجی و نظرخواهی بشود؛ رفراندومی انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفراندوم معین کند، مردم معین کنند. یک کاری است که منطق امروز دنیا آن را درک می‌کند و می‌پسندد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

**ب) مسلح کردن فلسطین و کرانه باختری:** علاجش جز از بین رفتن و نابودشدن نیست. مقاومت قاطع و مسلحانه در مقابل این رژیم است؛ چنانچه دست قدرت درمقابل صهیونیست‌ها نشان ندهیم، آنها به کسی رحم نمی‌کنند ابداً؛ این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت (لازم است) (همان).

با توجه به طرح دو سناریوی مقام معظم رهبری و این که مذاکرات صلح و همه‌پرسی به نتیجه نرسیده، مسلح ساختن کرانه باختری می‌تواند به معنای شمارش معکوس برای پایان و سقوط رژیم صهیونیستی باشد. به دلیل این که شهرک‌نشینان اسرائیلی با وعده امنیت و رونق اقتصادی از وطن خود مهاجرت کرده‌اند؛ پس با متزلزل دیدن شرایط ترجیح می‌دهند که به کشورهای خود بازگردند (جاودانی مقدم، برجوبی فرد، ۱۳۹۴ ش: ۱۳۱).

همچنین ایشان در سال ۱۳۹۴ در مورد آینده اسرائیل سخنان مهم و منحصر به فردی

فرمودند:

... شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه ایران آسوده‌ایم؛ ... اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاء الله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدّت هم روحیه اسلامی مبارز و حماسی و جهادی،

یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

### ۳. سید حسن نصرالله

دبیرکل حزب الله لبنان، در پاسخ مجری که پرسید:

«مقام معظم رهبری فرمودند که در آینده‌ای نه چندان دور این رژیم سقوط خواهد کرد. نظر و استدلال شما چیست؟» ایشان جواب دادند که، این موضوع مختص اسرائیلی‌ها نیست، سنت تاریخ و تجربه جوامع بشری نشان می‌دهد که هیچ نیروی اشغالگری نمی‌تواند تا ابد دوام بیاورد. مدت بقای آن به اراده ملت‌هایی بستگی دارد که تحت اشغال زندگی می‌کنند. قدرت اسرائیل در حال ضعیف شدن و فروکش کردن است. حتی تنبیه‌ها گفته که در میان مردم اسرائیل، ایمان به صهیونیسم اکنون در بدترین حالت است. اعتماد سربازان به ژنرال‌ها و اعتماد مردم به ارتش سست‌تر شده است. در داخل اسرائیل درگیری سختی وجود دارد. فساد در اسرائیل، سبب بی‌اعتمادی به رهبران و آینده شده است. چنین جامعه‌ای نمی‌تواند مدت زیادی به حیات خود ادامه دهد. بنابراین مقام معظم رهبری در واقع احتیاط کرده‌اند و من به عنوان اهل این منطقه و با اتکا به شواهد میدانی آینده اسرائیل را این‌گونه می‌دانم (نصرالله، ۱۳۹۵).

### دیدگاه اسرائیل و حامیان‌ش در مورد آینده

صهیونیسم با روحیه نژادپرستی و برتری‌طلبی، بدون توجه به حقوق سایر افراد بشر خط‌سیر استعماری و استبدادی خود را ادامه می‌دهد و آنچه برای توجیه افکار عمومی ادعا می‌کند با حقیقت فاصله زیادی دارد.

#### ۱. ادعای اسرائیل براساس عهدین

صهیونیسم به کتاب مقدس استناد می‌کند که سرزمین نیل تا فرات به آنها تعلق دارد و از برنامه‌های آتی و بلند مدت‌شان تحقق این وعده الهی می‌دانند. در عهد قدیم آمده است: در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده‌ام...» (پیدایش، ۱۵: ۱۸).

همچنین در سفر تثنیه نیز بیان شده:

۶۱

... به زمین کنعانیان و لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد، داخل شوید. اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم. پس داخل شده، زمینی را که خداوند برای پدران شما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به ایشان و بعد از آنها به ذریه ایشان بدهد، به تصرف آورید (تثنیه، ۱: ۶-۸).

و در پیدایش خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

... و زمین غربت تو، یعنی تمام زمین کنعان را، به تو و بعد از تو به ذریت تو به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود (پیدایش، ۱۷: ۷-۸؛ پیدایش، ۲۸: ۱۳؛ ارمیا، ۳۰: ۳).

## ۲. پیش‌بینی صهیونیسم مسیحی با توجه به عهدین

مسیحیان صهیونیسم بر مبنای عقاید خود برای ظهور مسیح و حاکمیت ایشان بر جهان آینده معتقدند که یهود باید در ارض موعود مستقر شود و دو مسجد مسلمانان در بیت المقدس باید ویران گردد و معبد سلیمان به جای آنها بنا شود. همچنین همزمان با این موضوع جنگ نهایی و مقدس آرماگدون به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز می‌شود. مسیحیان دوباره متولد شده (مسیحیان صهیونیسم) به وسیله سفینه عظیم و همراه مسیح به بهشت منتقل می‌شوند و همان‌جا شاهد نابودی جهان خواهند بود و هنگامی که ضدمسیح یا دجال جهان را تصرف می‌کند، آنها برمی‌گردند و ضدمسیح را شکست داده و حکومت جهانی مسیح را تشکیل می‌دهند (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۷۰).

مسیحیت صهیونیسم حکومت اسرائیل را تحقق وعده کتاب مقدس می‌داند:  
... بگوئید آن‌که اسرائیل را پراکنده ساخت ایشان را جمع خواهد نمود و چنان‌که شبان گله خود را (نگاه دارد) ایشان را محافظت خواهد نمود (ارمیا، ۳۱: ۱۰).

## ۳. آرمان حقیقی اسرائیل

آینده مورد نظر صهیونیسم را می‌توان در پروتکل حکمای صهیونیسم جستجو کرد. درباره پروتکل‌ها گفته شده:

این پروتکل‌ها که در واقع اصول سیاست صهیونیسم و نوع نگرش آن به جوامع انسانی را نشان می‌دهد گویای حقیقتی است که هم اکنون جهان شاهد شکل‌گیری مراحل مختلف تحقق این ایده‌های شیطانی و غیرانسانی در راستای تسلط بر جهان بشریت است (صفاتاج، ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۵۳).

در این پروتکل‌ها پرده از اهداف حقیقی و شیطانی این قوم برداشته شده است. در پروتکل شماره ۵ آمده:

پیامبران گفته‌اند، ما قومی هستیم که به وسیله خدا برگزیده شده‌ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم. خداوند به قوم ما هوش و ذکاوت سرشار اعطا کرده است. ما کفایت و لیاقت آن را داریم تا مسئولیت رهبری جهان را به انجام برسانیم (نجفی

یزدی، ۱۳۸۲، ش: ۶۰).

این تفکر و پیش فرض در کل پروتکل مشهود و محسوس است و در پروتکل شماره ۳ با صراحت ذکر شده:

... و در آینده نیز او (بشر) را راهنما خواهیم شد تا سرانجام در برابر پادشاهی که خون قوم بنی اسرائیل در رگ‌هایش جریان دارد، سرتعظیم فرود آورده و به حکومتی که ما برای جهان تدارک می‌بینیم، تسلیم شود (نجفی یزدی، ۱۳۸۲، ش: ۵۳).

آرمان نهایی اسرائیل، نه فقط فلسطین و نه فقط سرزمین محصور بین دو رود، بلکه فرمانروایی و حکومت بر تمام جهان است و توسل به کتاب مقدس تنها بهانه و دستاویزی برای توجیه اعمال و افکار عمومی است.

در قرآن نیز به روحیه سلطه طلبی قوم یهود اشاره شده است:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ (بقره: ۱۲۰)؛

و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آن‌که از کیش آنان پیروی کنی.

#### ۴. تحلیل و ارزیابی وعده سرزمین نیل تا فرات در عهدین

طبق ادعای صهیونیسم‌ها خداوند در کتاب مقدس سرزمین نیل و فرات را متعلق به قوم یهود می‌داند. در حالی که دلایلی در عهدین موجود است که خلاف این موضوع را نشان می‌دهد:

##### الف) تحقق وعده سرزمین مقدس

براساس کتاب مقدس در زمان یوشع بنی اسرائیل سرزمین مقدس را به دست آورده بود: پس یوشع تمامی زمین را برحسب آنچه خداوند به موسی گفته بود، گرفت، و یوشع آن را به بنی اسرائیل برحسب فرقه‌ها و اسباط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت (یوشع، ۱۱: ۲۳).

همچنین:

در سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد، حضرت داود عليه السلام توانست اورشلیم را تصرف کرده، حکومت بنی اسرائیل را در آن جا تأسیس نماید. بعد از داود، فرزندش سلیمان رهبری بنی اسرائیل را در دست گرفت (دوست محمدی، ۱۳۸۲، ش: ۷۲).

##### ب) ارض مقدس متعلق به تمام فرزندان ابراهیم عليه السلام

قوم یهود که خود را فرزندان اسرائیل، اسحاق و ابراهیم عليه السلام می‌دانند و به فرازهایی از کتاب

مقدس استناد می‌کنند که سرزمین مقدس را به فرزندان و نوادگان ابراهیم علیه السلام عطا نموده است. در حالی که نسل اسماعیل علیه السلام نیز از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام محسوب می‌گردند: بنابراین وعده‌هایی که به اعتقاد یهودیان، خداوند در عهد عتیق به حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد واگذاری سرزمین فلسطین به ذریه آن حضرت داده است، اعراب فلسطین را هم شامل می‌شود و هیچ حق انحصاری برای بنی‌اسرائیل ایجاد نمی‌کند (دوست محمدی، ۱۳۸۲: ۷۱).

### ج) سرزمین مقدس متعلق به تمامی امت‌ها

اسرائیل سرزمین مقدس را مخصوص و منحصر به یهود می‌داند در حالی که در عهدین گفته شده خداوند غریبان را هم به کوه مقدس می‌آورد: زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قوم‌ها مسمی (نامیده) خواهد شد. و خداوند یهوه که جمع‌کننده رانده‌شدگان اسرائیل است می‌گوید که بعد از این دیگران را با ایشان جمع خواهیم کرد علاوه بر آنانی که از ایشان جمع شده‌اند (اشعیا، ۵۶: ۶-۸).

در تفسیر عهد قدیم آمده است:

در ملکوت مسیح، مردم از هر پیش‌زمینه ملی و قومی برای پرستش خداوند به معبد اورشلیم، عبادتگاه اصلی خداوند، می‌آیند... علاوه بر گردآوری تبعیدیان اسرائیل در ملکوتش، خداوند غریبه‌یهودیان را نیز وارد ملکوت خویش می‌گرداند (مک آرتور، ۲۰۲۰م: ۱۰۴۷).

و در انجیل مرقس هم آمده است:

آیا مکتوب نیست که خانه من خانه عبادت تمامی امت‌ها نامیده خواهد شد... (مرقس، ۱۷: ۱۱).

صهیونیسم به طور گزینشی و با توجه اهداف خود به آموزه‌های کتابشان عمل می‌کند. در سوره بقره آیه ۸۵ نیز خداوند با استفهام توییخی یهود را سرزنش می‌کند که آیا به بعضی قسمت‌های کتاب ایمان می‌آورید و بخش‌هایی را کافر می‌شوید؟ نتیجه چنین عملی هم خواری و ذلت در دنیا و شدیدترین عذاب در قیامت است. این عمل ناقص نشانه نداشتن ایمان حقیقی به کتاب مقدس و خدای متعال است. بر همین اساس مشخص است اسرائیل مقدسات را ابزاری در جهت تحقق آرمان‌های خود قرار داده است.

### د) مشروط بودن وعده خدا به بنی‌اسرائیل

وعده خداوند به بنی‌اسرائیل نه تنها ابدی نبوده است بلکه صاحب حقیقی زمین خداوند

متعال است. در سفر لاویان آمده:

و زمین به فروش ابدی نرود زیرا زمین از آن من است، و شما نزد من غریب و مهمان هستید (لاویان، ۲۵: ۲۳).

همچنین این وعده مشروط نیز بوده است. موارد متعددی در کتاب مقدس موجود است که از بنی اسرائیل خواسته شده به عهد و پیمانش متعهد باشد. زیرا وعده‌های خداوند نیز مشروط به همین وفاداری است و عدم توجه به آن مستوجب عقاب و اخراج از سرزمین مقدس است (خروج، ۱۹: ۳-۸؛ لاویان، ۲۰: ۲۲). اما قوم یهود طغیان کردند. در عهدین از شرارت و زیرپا گذاشتن عهد خداوند سخنان فراوانی موجود است که، منجر به غضب خداوند شده (داوران، ۱۰: ۶-۷؛ تثنیه، ۹: ۵؛ حزقیال، ۲۲: ۱-۱۴).

همچنین خداوند در قرآن، عمل به وعده و عهد خودش را مشروط دانسته است:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره: ۴۰)؛  
ای فرزندان اسرائیل، نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمان‌تان وفا کنم.

این درحالی است که آیات فراوانی بدعه‌دی و عصیان بنی اسرائیل را به ایشان یادآور شده است.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه در آیه ۱۳ سوره مائده، خداوند بنی اسرائیل را به خاطر نقض عهد، لعنت و دل‌های‌شان را سخت می‌کند و از خیانت پیوسته و مکرر آنان سخن می‌گوید.

به همین دلیل قوم بنی اسرائیل در بین امت‌های دیگر پراکنده و سرگردان شدند (حزقیال، ۲۲: ۱۵-۱۶؛ تثنیه، ۴: ۲۷). در تفسیر عهد قدیم نیز آمده:  
کنعانیان به سبب شرارت و پلیدیشان از آن سرزمین رانده شدند (مک آرتور، ۲۰: ۲۰: ۲۹۲).

در سوره اعراف نیز به پراکندگی و آوارگی بنی اسرائیل اشاره شده ﴿وَقَطَّلْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ آمَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ ذُوْنَ ذَالِكِ﴾ (اعراف: ۱۶۸).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ادعای صهیونیسم بی‌اساس است و کتاب مقدس امتیاز ویژه‌ای برای آنان قائل نشده مگر در موارد تحریف شده. حتی بسیاری از فرازهایش توبیخ و تهدید آنان برای اعمال پلیدشان است. و سرگردانی و آوارگی آنان نیز ریشه در عصیان و

۱. بقره: ۶۰، ۶۳، ۶۴؛ اعراف: ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹؛ اسراء: ۴ و ....

سرپیچی‌شان از خداوند دارد. همچنین کتاب عهدین آینده سرزمین مقدس را متعلق به تمام امت‌های موحد جهان دانسته است.

### آینده اسرائیل در نگاه صاحب‌نظران

اندیشندان متعددی در سراسر دنیا به تحلیل و بررسی وضعیت و آینده احتمالی صهیونیسم در کتب و مقالات فراوانی از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند. همین‌طور صاحب‌نظران اسلامی نیز از دیدگاه قرآن و روایات این موضوع را مورد پژوهش قرار داده‌اند.

#### ۱. راه‌حلی برای برقراری صلح در خاورمیانه

نویسنده کتاب *اسرائیل و اعراب* با ارائه راه‌حلی برای ایجاد صلح و ثبات در منطقه و پایان درگیری اسرائیل با اعراب، درحالت کلی حقوق فلسطینیان را می‌پذیرد و این‌که ظلم بزرگی به آنان روا داشته شده. اما از کشورهای عربی و فلسطین می‌خواهد اسرائیل را بپذیرند و اسرائیل هم با دادن برخی امتیازات رضایت طرف مقابل را جلب نماید. او معتقد است همان‌طور که اشغالگری‌های گذشته تاریخ به مرور برای جهانیان جامی افتد و به مرحله‌ای از تاریخ می‌پیوندد، مسئله اسرائیل و اعراب نیز در نهایت چنین سرنوشتی خواهد داشت و خود اعراب نیز در گذشته از این قبیل تهاجم و اشغالگری‌ها داشتند و بهترین راه برای آینده آرام و صلح‌آمیز خاورمیانه پذیرش اسرائیل به عنوان یک کشور و حکومت از جانب اعراب و نرمش و امتیازدهی اسرائیل به اعراب و بازگشت بخشی از آوارگان فلسطینی است (رودنسون،<sup>۱</sup> بی‌تا: ۲۸۹-۴۰۰).

#### ۲. جنگ‌های آینده اسرائیل

در چندین کتاب تحلیل‌هایی که در مورد جنگ‌های آینده اسرائیل بیان شده است، در کتابی با همین عنوان، به‌طور قطعی نظری نداده؛ اما احتمال داده که در جنگ مذکور اسرائیل بخش‌های عمده‌ای از لبنان و تمامی غزه را تصرف کند (وایت،<sup>۲</sup> ۱۳۸۹ ش: ۲۰۰).

#### ۳. وعده قطعی و حتمی با فرمول قرآنی

در کتاب ۱۴۰۱ ش *سقوط اسرائیل* نویسنده با محاسبات ریاضی براساس سوره‌های اسراء و کهف تاریخ سقوط اسرائیل را سال ۲۰۲۲ ق و ۱۴۰۱ ش پیش‌بینی کرده است (حسینی، ۱۳۹۱).

1. Rodinson  
2. White

نگارنده کتاب اگرچه براساس دو سوره از قرآن محاسبات را انجام داده ولی در واقع مفاهیم حقیقی قرآن را مورد توجه قرار نداده و به جای قوانین و فرمول‌های الهی قرآن متوسل به محاسبات ریاضی شده است. محاسباتی که مبنا علمی دقیقی ندارد و برگرفته از ذهن مؤلف است و نوعی تطبیق نابجا محسوب می‌گردد و قابل استناد نیست. اما در مقابل بسیاری از آیات نورانی قرآن فرمول‌ها یا سنت‌های الهی را ارائه می‌کنند که در زمان و مکان متناسب، قابل استفاده است. نمونه مرتبط با موضوع پژوهش، این آیه است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم، و ایشان را وارث (زمین) کنیم.

اصل آیه مربوط به داستان بنی اسرائیل است. زمانی که گرفتار ستم فرعون بودند. در تفسیر المیزان این آیه حال از جمله قبل معنا شده:

فرعون طایفه‌ای از اهل زمین را ضعیف شمرد در حالی که ما بر همان‌ها که ضعیف شمرده شدند منت می‌نهیم (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۶، ۹۰).

با این حال آیه منحصر به قوم بنی اسرائیل در گذشته نیست و با فعل مضارع نازل شده و خداوند متعال قانونی الهی در زمین را بیان فرمودند. در آیه به جای «بنی اسرائیل» از عبارت «الذین استضعفوا» استفاده شده و در مواردی مثل این آیه شریفه اسم موصول با ابهام همراه است و دلالت بر عموم یا اراده عموم می‌کند (حسن، ۱۳۶۷ ش: ج ۱، ۴۸۸). یعنی می‌تواند شامل هر گروهی که ضعیف شمرده شده نیز بشود و به عبارت دیگر آیه ممکن است مصادیق متعددی داشته باشد.

بعضی مصادیق در روایات آمده است؛ حضرت علی علیه السلام فرمودند:

دنیا پس از سرکشی روی به ما نهد، چون ماده شتر بدخو که به بچه خود مهربان بود، سپس همین آیه را تلاوت فرمودند (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی، حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرده و فرمودند: شما مستضعفان بعد از من هستید. و در معنای این کلام فرمودند یعنی ائمه بعد از من هستید و آیه ۵ سوره قصص را تلاوت کردند و ادامه دادند که این آیه در مورد ما تا روز قیامت جریان دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۷۹).

همان طور که زمانی به بنی اسرائیل ظلم و ستم شد و خداوند این آیه را برایشان اراده فرمود هم اکنون نیز اراده خداوند با مستضعفان جهان است و همان افرادی که مورد ظلم و تجاوز اسرائیل قرار گرفته‌اند. این است فرمول قطعی و حتمی که خداوند فرموده و هرچه صهیونیسم تلاش کند تا زمین را ملک و ارث خود بداند؛ باز وعده و اراده خداوند است که زمین را به مالکان مورد استضعاف قرار گرفته خود باز می‌گرداند؛ هرچند زمانش مشخص نشده باشد.

#### ۴. تطبیق سوره روم بر سقوط اسرائیل به دست ایرانیان

در کتاب *تأملی در سوره روم*، نویسنده آیات اولیه این سوره را مربوط به شکست رژیم صهیونیستی اسرائیل توسط ایرانیان دانسته است. در معنای این سوره آمده است که رومیان از ایرانیان شکست خوردند و بعد از مدتی به زودی پیروز خواهند شد. اما نویسنده معتقد است، ضمیر «هم» در آیه «وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» نه به رومیان بلکه به قوم پیروز یعنی ایرانیان باز می‌گردد. ایرانی‌ها پس از غلبه و پیروزی‌شان یک بار دیگر باز هم بر رومیان (غرب و اسرائیل غاصب) در همین «أَدْنَى الْأَرْضِ» یعنی سرزمین فلسطین، پیروز خواهند شد و این وعده قطعی خداوند تاکنون محقق نشده است (پورسیدآقایی، ۱۳۹۵ش: ۲۶).

در مورد مکان «ادنی الارض» اقوال مختلفی بیان شده و احتمال این که سرزمین فلسطین هم باشد، وجود دارد. برخی از تفاسیر، شام (سوریه) یا اطراف آن گفته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۲۵۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۱، ۱۱ و...) و حتی برخی زمین اردن و فلسطین دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ۴۰۶؛ کاشانی، ۱۳۵۱ش: ج ۷، ۱۵۷؛ شیخ علوان، ۱۹۹۹م: ج ۲، ۱۱۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۳ و...).

در سبب نزول آیات این طور روایت شده که، اهل فارس صاحب کتاب نبودند و بر روم که اهل کتاب بودند پیروز شدند. مشرکین شاد شدند و گفتند ما هم کتاب نداریم و بر محمد غلبه می‌کنیم و خداوند برای تسلی پیامبر و مومنان این آیات را فرستاد (طوسی، بی‌تا: ج ۸، ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۲۵۸). برخی می‌گویند وعده آیه در همان زمان پیامبر ﷺ محقق شده است. در بعضی تفاسیر آمده: همزمان با پیروزی مسلمانان در جنگ بدر خبر پیروزی رومیان هم بر ایرانیان رسید و مؤمنان از این دو پیروزی شاد شدند (طوسی، بی‌تا: ج ۸، ۲۲۸-۲۲۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۱، ۱۲).

اما در روایتی نیز بشارت پیروزی را غلبه مسلمانان بر فارس بعد از زمان پیامبر ﷺ دانسته

است. امام باقر علیه السلام در معنای آیه فرمودند که، ایران بر روم در نزدیک‌ترین سرزمین شامات و اطراف آن غلبه کرد، و «هُم» ایرانیان و «مَنْ بَعْدَ غَلَبِهِمْ» رومیان و «سَيَغْلِبُونَ» مسلمانان هستند که بر ایرانیان پیروز می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۶۹). در تفسیر قمی مشابه این روایت آمده با این تفاوت که رومیان بر ایرانیان چیره می‌شوند (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۱۵۳) و در مجمع‌البیان ضمیر «هم» اول را روم دانسته و فقط گفته فارس بعد از غلبه به زودی مغلوب خواهد شد (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۲۵۸).

بعضی تفاسیر این واقعه تاریخی و تحقق وعده خداوند را از پیشگویی و اعجازهای قرآن کریم دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۶، ۳۶۱؛ مغنیه، ۱۳۷۸ش: ج ۶، ۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۵، ۸۰) و از ظاهر روایات و تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که این آیات قبلاً تحقق یافته است.

«روم» مورد نظر آیه نمی‌تواند اسرائیل باشد؛ چون رژیمی ساختگی و بدون پیشینه حقیقی است و انتساب آن به امپراتوری و سرزمین روم صحیح نیست و به علاوه خصومت یهودیان با رومیان سابقه تاریخی دارد زیرا زمان تسلط رومیان بر قوم بنی اسرائیل فرمانروایان رومی آزار و کشتار فراوانی نسبت به آنان داشتند و به همین سبب یهودیان حجاز در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از شنیدن خبر شکست روم خوشحال شدند (کورانی، ۱۳۸۵ش: ۹۶).  
با توجه به مستندات مذکور ارتباطی بین آیات سوره روم و اسرائیل کنونی نیست.

##### ۵. وعده نابودی اسرائیل در قرآن

صاحب نظران زیادی در مقالات و کتب متعددی وعده نابودی اسرائیل در قرآن را باتوجه به آیات ابتدایی سوره اسراء بحث و بررسی کرده‌اند. در این آیات به دو مرتبه فساد بزرگ بنی اسرائیل در زمین پرداخته شده است که هر دو بار توسط گروهی که از جانب خداوند برانگیخته می‌شوند؛ دفع می‌گردند. برخی از مفسران و اندیشمندان این آیات را براساس بعضی از شواهد تاریخی مربوط به گذشته بنی اسرائیل می‌دانند که محقق شده است. در مقابل بسیاری نیز آن را پیشگویی قرآن در مورد نابودی اسرائیل دانسته‌اند:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا \* فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَلِ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ (اسراء: ۴-۵)؛

و در کتاب آسمانی (شان) به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: «قطعاً دو بار در زمین فساد

خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست\* پس آن‌گاه که وعده (تحقق) نخستین آن دو فرا رسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها (ی‌تان برای قتل و غارت شما) به جستجو درآیند، و این تهدید تحقق‌یافتنی است.

در ادامه آیات، مجدد بنی‌اسرائیل غلبه می‌کند و خداوند با مال و فرزند یاری‌شان می‌کند. اما باز هم فساد تکرار شده و دوباره گروهی بر آنان چیره و مسلط می‌شوند. در تفسیر نور، تطبیق برخی مفسران را به بخت‌النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و... مناسب نمی‌داند زیرا:

با کلمه مقدس «بَعَثْنَا» که برای قیامت و بعثت انبیاء آمده، و «عِبَاداً لَنَا» که برای افرادی همچون پیامبران به کار رفته است، سازگار نیست. بنابراین شاید نظر آیه به آینده‌ای باشد که هنوز نیامده است (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۵، ۲۱).

#### الف) برخی اقوال و نظرات مطرح شده

در مقاله‌ای، مصداق خارجی و عینی فساد اول آیه را صهیونیسم دانسته، همچنین باتوجه به روایات، انتقام‌گیرندگان فساد اول را پیروان اهل بیت و مجاهدین زمینه‌ساز ظهور تعبیر کردند که اهل قم یا ایران هستند (رضایی کهنمویی، ۱۴۰۰ش: ۶۸-۷۶) و فساد دوم هم به یهود و رهبری دجال در آخرالزمان مربوط دانسته که در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و توسط ایشان به هلاکت خواهند رسید (همان: ۷۶-۸۱) و در مقالاتی تحقق فسادها را قبل از اسلام منتفی دانسته و باتوجه به روایات مدعی شدند که هنوز هر دو فساد به وقوع نپیوسته است. مصداق «أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» را یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی نموده و نابودی اسرائیل را مربوط به آخرالزمان و مربوط به دوران ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند (نقی پورفر، پروان، ۱۴۰۰ش: ۱۱۹؛ شریف، ۱۳۹۵ش: ۱۴۴).

در کتاب عصر ظهور نویسنده، فساد و مجازات اول آن را متعلق صدر اسلام و فساد دوم را مربوط به زمان کنونی می‌داند (کورانی، ۱۳۸۵ش: ۷۲-۷۳) و شکست بزرگ دوم در زمان نبرد بزرگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی با پشتیبانی یهود محقق می‌گردد (همان: ۸۰).

در تفسیر نمونه نیز به عنوان یکی از احتمالات، فساد کبیر را تشکیل اسرائیل و انتقام اولیه را آزادسازی بیت المقدس و قسمتی از شهرهای فلسطین توسط مسلمانان کشورهای اسلامی دانسته و فساد دوم حمله مجدد اسرائیل و گرفتن بیت المقدس و مسجد الاقصی است. پس

باید مسلمانان در انتظار پیروزی دوم بر بنی اسرائیل باشند تا مسجد الاقصی را از چنگال آنها بیرون آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۲، ۳۰).

مناظره‌ای هم در روزنامه الاخبار مصری به چاپ رسیده که گروهی می‌گفتند:

نخستین ضربه بر بنی اسرائیل به وسیله مسلمانان در دوران عمر بن خطاب وارد شد؛ زیرا او قدس را فتح کرد و دومین مفسده را اسرائیل کنونی می‌دانستند. اما گروه مخالف می‌گفتند: اسرائیل نه يك فرقه دینی و نه يك دولت حقیقی، بلکه در واقع، يك دشمن تازه برای اعراب و مسلمانان است. قرآن به هیچ روی به اسرائیل فعلی اشاره نکرده و آیاتی که درباره بنی اسرائیل سخن گفته، مقصودش، همان دوازده سبط از نسل یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم علیه السلام است که در دوران موسی علیه السلام و هارون بوده‌اند (مغنیه، ۱۳۷۸ش: ج ۵، ۳۸-۳۹).

#### ب) چگونگی دو فساد

ظلم و تعدی بنی اسرائیل به دو فساد منحصر نمی‌شود. از فجیع‌ترین اعمال آنها کفر به آیات الهی و قتل پیامبران الهی است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ (آل عمران: ۲۱ و ۱۱۲). در بقره: ۶۱ هم مشابه همین آیه آمده است. در عهدین هم به عصیان قوم یهود پرداخته شده مثل پرستش بت‌ها، قتل و خونریزی، زنا، بی‌عدالتی، ظلم به هم‌دیگر، خیانت و... (حزقیال، ۲۲: ۱-۱۴؛ ارمیا، ۵: ۱-۳۱).

دلیل مهمی که برخی مقالات برای عدم تحقق دو فساد در گذشته گفته‌اند این است که، دو فساد با علو و برتری و سلطه کبیر است که قوم یهود در گذشته این خصوصیت را نداشته است. اما فساد کنونی اسرائیل این ویژگی‌ها را داراست (رضایی کهنمویی، ۱۴۰۰ش: ۶۸-۷۱). در تفسیر کاشف هم نیز آمده:

مقصود از افساد در این جا، حکومت و سلطه و این که حکومت بنی اسرائیل، ذاتاً ایجاد فساد است (مغنیه، ۱۳۷۸ش: ج ۵، ۳۳).

اما به طور دقیق مشخص نیست که این دو فساد چه بوده یا خواهند بود و فقط براساس سیاق آیات مشخص است که بخشی یا تمام زمین «فِي الْأَرْضِ» را درگیر می‌کند و منجر به نبرد با گروهی خواهد شد.

#### ج) برخی روایات متناظر با سوره اسراء

روایات متعددی موجود است که، این آیات را مربوط به آینده و زمان ظهور حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام «عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» را حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحابش معرفی شدند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۲، ۲۸۱) و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام سه بار به خدا قسم خوردند و آنان را اهل قم معرفی کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۷، ۲۱۶). همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ» گروهی هستند که قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برانگیخته می‌شوند و «كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» هم وعده قطعی خروج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ۲۰۶؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش: ۶۳؛ حلی، ۱۴۲۱ ق: ۱۶۴). همان‌طور که مشخص است، نظرات اختلافی فراوانی در این آیات وجود دارد و به‌طور قطع و یقین نمی‌توان این دو فساد را بر واقعه و رویدادی حمل نمود و جنبه احتمال و گمانه‌زنی دارد. همچنین روایات ذکر شده دلیلی بر عدم تحقق آیات سوره اسراء در گذشته نیست. زیرا این احادیث از باب جری و تطبیق نیز قابل استناد هستند به عبارت ساده‌تر این آیات می‌تواند تأویل و مصداق‌های متعددی داشته باشد.

اما در بخشی از همین آیات خداوند هشدار می‌دهد: «وَإِنْ عُذْتُمْ عُذَّتْنَا» (اسراء: ۸) درالمیزان معنا شده:

تهدید می‌کند اگر باز هم به فساد برگردید ما نیز به عقوبت و نکال برمی‌گردیم (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۳، ۵۶).

این هشدار نشان‌دهنده سنتی الهی است که هر زمان این فساد تکرار شود؛ فرجامی مشابه نیز در انتظار شماست. همان‌طور که مشخص است صهیونیسم نیز در حال تکرار غیرانسانی و فجیع‌ترین فسادهاست و آینده‌اش نیز رویدادی نزدیک به همین آیات خواهد بود.

### ترسیم فرجام صهیونیسم در عهدین و قرآن کریم

#### ۱. تهدید و هشدار کتاب مقدس به صورت قانونی کلی

همان‌طور که گذشت، برتری و انحصارطلبی صهیونیسم جایگاهی در آموزه‌های کتاب مقدس ندارد مگر موارد تحریف شده و حتی در عهدین خداوند هشدار مهمی برای یهود بیان کرده: جمیع فرایض و احکام مرا نگاه داشته و به‌جا آورید، تا زمینی که در آن ساکن شده‌اید، شما را قی نکند (لاویان، ۲۰: ۲۲) در تفسیرش گفته شده:

خدا بارها به قوم اسرائیل یادآور می‌شود که شرط ماندگار شدن آنها در آن دیار اطاعت از شریعت موسی است (مک آرتور، ۲۰۲۰ م: ۲۳۴).

در قسمتی دیگر همان تهدید را به صورت قانون کلی می‌آورد که، منحصر به بنی اسرائیل در گذشته نیست و سنتی است که تکرار شده و باز هم قابل تحقق است. در فرازهایی از سفر لاویان بعد از تذکر مجدد حفظ احکام الهی و عدم انجام فجور آمده:

مردمان آن زمین که قبل از شما بودند، جمیع این فجور را کردند، و زمین نجس شده است. مبادا زمین شما را نیز قی کند، اگر آن را نجس سازید، چنان که امت‌هایی را که قبل از شما بودند، قی کرده است (لاویان، ۱۸: ۲۷-۲۸).

مشخص است که، قانون کلی و سنت عمومی خداوند در زمین برای آگاهی و تنبه قوم یهود بیان شده است. رژیم صهیونیستی می‌تواند آینده خود را در این جملات به وضوح ببیند. در قرآن این مطلب با بیانی آشکار آمده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛  
و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

## ۲. ترسیم آینده اسرائیل براساس قرآن

همان‌طور که بررسی شد، مقالات و کتب فراوانی سرنگونی و نابودی اسرائیل را به قرآن مستند کردند و برخی نیز تطبیق‌ها و تفسیرهای نادرستی گفته‌اند. از جمله آیات اولیه سوره اسراء که بسیاری اصرار دارند که به طور قطعی و دقیق آن را با اسرائیل تطبیق دهند. با وجود دلایل و مستندات متعددی که ارائه کردند؛ باز هم تطبیق محتمل محسوب می‌گردد نه قطعی. هرچند آیات مذکور براساس هشدار «إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» در مورد صهیونیسم نیز به عنوان سنتی الهی قابل تحقق است.

این قانون و وعده الهی در سوره اعراف نیز بیان شده است:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ﴾ (اعراف: ۱۶۷)؛

و هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان (یهودیان) کسانی را خواهد گماشت که به ایشان عذاب سخت بچشانند.

این آیه نسبت به سوره اسراء کلیت بیشتری دارد و از لحاظ زمانی تسلط بر قوم یهود تا روز قیامت ادامه دارد پس نه تنها گذشته، بلکه حال و آینده را نیز شامل می‌شود. واقعه دو فساد بنی اسرائیل دو مورد برجسته از مصداق‌های این آیه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر به

تصریح قرآن تا روز قیامت چنین شرایطی به دفعات با خصوصیات و حالات متفاوت برای قوم یهود به خصوص اگر فساد کنند؛ رخ خواهد داد.

در سوره مائده نیز آمده: «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (مائده: ۶۴) «كلما» نقش ظرفی دارد و تکرار را می‌رساند (یعقوب، ۱۳۶۷ ش: ۵۵۲؛ دقر، بی‌تا: ۲۸۶). یعنی هر زمانی که آتش جنگی بیافروزند خداوند آن را خاموش می‌کند. پیام آیه این است که «یهودیان، همواره فتنه می‌کنند؛ ولی شکست می‌خورند» (قرائتی، ۱۳۸۸ ش: ج ۲، ۳۳۲).

با در کنار هم قرار دادن آیات مورد بحث مشخص می‌گردد که خداوند به طور مکرر، دفع فساد یهود را وعده داده که، شامل فتنه کنونی صهیونیسم نیز می‌شود. اگر هم اسرائیلیان تاکنون پیروزی و کامیابی مختصری داشتند دلیلی بر عدم تحقق آیات نیست زیرا، همان طور که بارها در گذشته سنت و وعده پروردگار محقق شده باز هم در بستر زمان و در مجرا و قانون طبیعی خلقت به وقوع خواهد پیوست.

مقام معظم رهبری نیز با توجه به آیات سوره اسراء، آن را قضیه همیشه زنده تاریخ دانستند و این که هر امتی که با سلاح حق و عدالت طلبی حاضر شود راه طبیعی سنت‌های تاریخ را بیپیماید، خدا به او کمک خواهد کرد؛ در مقابل هر ملتی که فساد کند، بر مستضعفین طغیان کند، آن ملت محکوم به فنا و نابودی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱ ش: ۴۱).

### نتیجه‌گیری

با توجه به اقوال و تحلیل‌های بیان شده می‌توان به نتایجی در زمینه آینده‌پژوهی صهیونیسم رسید که عبارتند از:

- ادعای اسرائیل با توجه به کتاب مقدس مردود است زیرا، وعده نیل تا فرات از جانب خداوند برای ذریه ابراهیم علیه السلام بوده که شامل نسل اسماعیل علیه السلام نیز می‌شود. همچنین علاوه بر تحقق وعده الهی سکونت و حکمرانی در سرزمین مقدس در حق بنی اسرائیل، عهد خدا ابدی نبوده و مشروط به وفای به عهد و عمل به شریعت موسی علیه السلام بوده است که این پیمان به طور مکرر نقض گردیده و باعث پراکندگی و آوارگی قوم یهود شده است. همچنین عهدین آینده سرزمین مقدس را متعلق به تمامی امت‌های موحد جهان معرفی نموده است.

- در عهدین تهدید سختی نسبت به یهود به صورت قانون و حکمی الهی مطرح شده و نقض عهد و عدم رعایت احکام الهی را باعث اخراج از سرزمین‌شان دانسته و گفته شده

همان‌طور که این سنت برای گذشتگان بارها محقق شده باز هم برای عاصیان و طغیانگران تمامی اعصار اجرا خواهد شد. این هشدار الهی بدون تردید شامل حال صهیونیسم نیز می‌شود و به‌طور قطع محقق خواهد شد.

- برخی آیات قرآن با توجه به فسادهای مکرر و روحیه فتنه‌گری یهودیان قوانین و سنت‌های کلی و فرازمانی مطرح نموده است. آیه‌ای از قرآن به فتنه‌انگیزی و برافروختن مکرر جنگ توسط یهود و خاموش کردن همیشگی آن از جانب خداوند پرداخته و در سوره دیگر از برانگیختن کسانی بر علیه یهود تا روز قیامت سخن گفته شده و آیاتی از سوره اسراء از دو واقعه غلبه و تسلط افرادی از جانب خدا بر بنی اسرائیل بعد از فساد آنان سخن گفته شده و این واقعه به تصریح قرآن قابل تکرار است و اگر باز هم به فساد برگردند خداوند هم به عقوبت سابق برمی‌گردد. اعمال و رفتار غیرانسانی صهیونیسم کنونی نیز باز هم مصداق فساد کبیر است که بدون شک هشدارهای قرآن در کمین آنان است.

- از مجموعه آیات می‌توان نتیجه گرفت که صهیونیسم همچنان خط سیر گذشتگان خود را در پیش گرفته و شامل تمامی وعده و وعیدهای مربوط به بنی اسرائیل می‌شود. پس هرچند نمی‌توان به‌طور قطعی ماجرای دوفساد بنی اسرائیل را متعلق به اسرائیل دانست اما به‌طور حتم فرجامی مشابه و حتی شدیدتر در انتظار آنان است که از وعده‌های قطعی در چندین سوره قرآن محسوب می‌گردد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

کتاب مقدس

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، نجف اشرف: دارالمرتضویه.

۳. اسدی، بیژن (۱۳۷۹ش)، «صهیونیسم سیاسی: تبدیل آرمان مذهبی به آرمان سیاسی»،

*مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۴.

۴. اشمیدت، شلمو و دیگران (۱۹۷۷م)، *واژه‌های فرهنگ یهود*، اورشلیم: انجمن جوامع یهودی -

تل اوئو - اسرائیل.

۵. آهوئی، مهدی (۱۳۹۳ش)، «صهیونیسم مذهبی و نقش راهبردی آن در سیاست خارجی اسرائیل»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۶۶.
۶. پورسیدآقایی، سیدمسعود (۱۳۹۵ش)، *تأملی در سوره روم*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۷. جاودانی مقدم، مهدی؛ برجویی فرد، عباس (۱۳۹۴ش)، «آینده اسرائیل؛ بقاء یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیترو شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، شماره ۸.
۸. حسن، عباس (۱۳۶۷ش)، *النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة والحیة اللغویة المتجددة*، تهران: ناصر خسرو، دوم.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، *فلسطین از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، به کوشش: سعید صلح میرزایی، تهران: انقلاب اسلامی، سوم.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰ش)، *بیانات و سخنرانی‌ها*، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: WWW.KHMENEI.IR.
۱۱. حسینی، سید عبدالله (۱۴۰۱ش)، *سال سقوط اسرائیل*، تهران: علوم و فنون رازی.
۱۲. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. حیدری، امیر هوشنگ (۱۳۹۳ش)، «آینده‌پژوهی»، *نشریه کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۹۶.
۱۴. دقر، عبدالغنی (بی‌تا)، *معجم النحو*، دمشق: مطبعة محمد هاشم الکتبی.
۱۵. دوست محمدی، احمد (۱۳۸۲ش)، «ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۱.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دوم.
۱۷. رضایی کهنمویی، علی (۱۳۹۷ش)، «مفاد آیات وعید بنی اسرائیل در سوره اسراء»، *نشریه مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوازدهم، شماره ۲۳.
۱۸. رضایی کهنمویی، علی (۱۴۰۰ش)، «مراد عینی آیات وعید بنی اسرائیل در سوره مبارکه اسراء از رهگذر قرآن، حدیث و تاریخ»، *دوفصل‌نامه کتاب قیم*، سال یازدهم، شماره ۲۵.
۱۹. رودنسون، ماکسیم (بی‌تا)، *اسرائیل و اعراب*، ترجمه: ابراهیم دانایی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲۰. سلیمان، مقاتل بن (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۱. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
۲۲. شبستری، عبدالحسین (۱۳۷۹ش)، *اعلام القرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. شریف، علیرضا (۱۳۹۵ش)، «وعده قرآنی نابودی صهیونیسم در آخرالزمان»، *نشریه مسجد و مهدویت*، شماره ۲.
۲۴. شیخ علوان، نعمة الله بن محمود (۱۹۹۹م)، *الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية: الموضحة للكلم القرآنية والحکم الفرقانية*، قاهره: دار رکابی للنشر.
۲۵. صفاتاج، مجید (۱۳۸۹ش)، *دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل*، تهران: انتشارات آرون.
۲۶. صفایی، منیژه (۱۳۹۶ش)، «آینده‌پژوهی»، *نشریه کار و جامعه*، شماره ۲۱۱.
۲۷. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۱ش)، «نگاهی به جریان نوظهور صهیونیسم مسیحی در پروتستانیسم»، *مشکوة*، شماره ۷۴ و ۷۵.
۲۸. طاهری آکردی، محمدحسین (۱۳۹۷ش)، «تحلیل و بازشناسی انواع صهیونیسم براساس اندیشه موعود آخرالزمان»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴۸.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: حوزه علمیه قم.
۳۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی، سوم.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
۳۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۸. کورانی، علی (۱۳۸۵ش)، *عصر ظهور*، تهران: امیرکبیر.
۳۹. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۵۱ش)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.

۴۲. مرادی پور، حجت‌الله؛ نوروزیان، مهدی (۱۳۸۴ش)، «آینده پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، نشریه رهیافت، شماره ۳۶.
۴۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش)، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، سوم.
۴۴. مسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۳ش)، دائرةالمعارف یهود، یهودیت، صهیونیسم، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
۴۵. مظفری، آیت (۱۳۸۷ش)، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان»، نشریه مریان، شماره ۲۹.
۴۶. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸ش)، الکاشف، قم: بوستان کتاب.
۴۷. مک آرتور، جان (۲۰۲۰م)، تفسیر عهد عتیق، ترجمه: مؤسسه Grace to You، بی‌جا: بی‌نا.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، دهم.
۴۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ش)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، پنجم.
۵۰. نجفی یزدی، سیدحسین (۱۳۸۲ش)، پروتکل دانشوران یهود، ترجمه: بهرام محسن پور، قم: ناظرین.
۵۱. نصرالله، سیدحسن (۱۳۹۵ش)، سخنرانی سیدحسن نصرالله، سایت مقاومت اسلامی لبنان: [www.moqawama.ir](http://www.moqawama.ir).
۵۲. نقی پورفر، ولی‌الله؛ پروان، صدیقه (۱۴۰۰ش)، «بررسی تفسیری زمینه‌سازان ظهور در آیات آغازین سوره اسراء»، نشریه علمی مطالعات تفسیری، دوره دوازدهم، شماره ۴۵.
۵۳. وایت، جفری (۱۳۸۹ش)، «جنگ آینده اسرائیل علیه حزب‌الله و متحدانش»، ترجمه و تلخیص: حمید نیکو، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۳.
۵۴. یعقوب، امیل (۱۳۶۷ش)، موسوعة النحو والصرف والإعراب، بیروت: دارالعلم للملایین.



## **Analysis of the requirements of the foundation of the waiting society based on the stories of the Qur'an**

**Dr. Mohammad Javad Tavakoli Khaniki**<sup>1</sup>

**Atefe Qodousi**<sup>2</sup>

### **Abstract**

realizing the emergence of political, cultural, economic, religious factors, etc., it is effective that individuals and society should try to bring themselves to these characteristics in order to be ready for the emergence of the Imam of Asr 7 In the stories of the Qur'an, societies have been introduced in which, by examining the characteristics of the government in them, the requirements of the government can be achieved, which forms the basis of the society that awaits. This research was organized with the aim of achieving these requirements by analyzing the stories of the Qur'an in an analytical-descriptive method, and the result is that: the most important factor that provides the basis for the ideal society is the sovereignty of the divine religion, which is accepted by the people. It can take steps towards the all-round development of the society and create a desire for a bright future by empowering and removing the obstacles that arise, and also by implementing the principle of anti-arrogance with societies that have arrogant goals and tolerance with non-opposing societies, it will cause the spread of Islam and preparation To accept the ultimate victory of Islam when it appears. Therefore, the people's belief in divine sovereignty with the leadership of a jurist and trustworthy agents with a worthy performance makes the people obedient. Such a society, empowered with insight, patience and perseverance, as a result, starts to spread Islam with political piety.

**Keywords:** Waiting Society, Quran Stories, Sovereignty of Divine Religion, Patience and Endurance, Political Piety

- 
1. Member of the Faculty of Quranic Sciences in Mashhad, Iran(Responsible Author)  
(Tavakoli@quran.ac.ir)
  2. Master's student of Majid Qur'an Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Mashhad, Iran  
(a.ghodousi23@gmail.com)

## تحلیل الزامات حکومت بسترسازِ ظهور ولی عصر علیه السلام در جامعه منتظر

محمدجواد توکلی خانیکی<sup>۱</sup>

عاطفه قدوسی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

### چکیده

قرار گرفتن زیر لوای ولی عصر علیه السلام آرمان هر مسلمانی است، و در تحقق ظهور عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اعتقادی و... مؤثر است که باید فرد و جامعه تلاش نمایند خود را به این ویژگی‌ها بیارایند تا آماده ظهور امام عصر علیه السلام شوند. در قصص قرآن جوامعی معرفی شده‌اند که با بررسی ویژگی‌های حکومت در آنها می‌توان به الزامات حکومت بسترساز جامعه منتظر دست یافت. این پژوهش با هدف دستیابی به این الزامات با واکاوی قصص قرآن به روش تحلیلی - توصیفی سامان یافته و نتیجه این‌که: مهم‌ترین عاملی که بستر جامعه منتظر مطلوب را فراهم می‌نماید حاکمیت دین الهی است که با پذیرش مردم می‌تواند در جهت رشد همه‌جانبه جامعه گام برداشته و با توانمندسازی و برطرف نمودن موانع ظهور اشتیاق به آینده روشن را ایجاد نماید و همچنین با عملی کردن اصل استکبارستیزی با جوامعی که اهداف استکباری دارند و مدارا با جوامع غیرمعاند سبب گسترش اسلام و آمادگی برای پذیرش غلبه نهایی اسلام در هنگام ظهور است. لذا باور مردم به حاکمیت الهی با رهبری ولی فقیه و کارگزارانی امین با عملکردی شایسته موجب اطاعت‌پذیری مردم می‌شود. چنین جامعه‌ای با بصیرت و صبر و استقامت توانمند شده در نتیجه با تقوای سیاسی به گسترش اسلام مبادرت می‌ورزد.

### واژگان کلیدی

جامعه منتظر، قصص قرآن، حاکمیت دین الهی، صبر و استقامت، تقوای سیاسی.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (tavakoli@quran.ac.ir).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن دانشکده علوم قرآنی مشهد، ایران (a.ghosousi23@gmail.com).

## مقدمه

انتظار، فرهنگی است که ساختار ذهنی، شیوه زندگی و چگونگی نگرش انسان به آینده را تحت الشعاع قرار می‌دهد و باعث امید به آینده و حرکت به سوی ساختن جامعه منتظر مطلوب می‌گردد، یعنی جامعه‌ای که آمادگی پذیرش منجی را دارد. در ساختن این جامعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی و... نقش دارند و تا زمانی که بستر برای این عوامل مهیا نشود ظهور منجی محقق نمی‌گردد. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که مطابق با قصص قرآن، چه الزاماتی برای حکومت در ایجاد جامعه منتظر وجود دارد؟ به نظر می‌رسد این الزامات را می‌توان در عناوین حاکمیت دین الهی، اطاعت‌پذیری از ولایت، توانمندسازی مردم و حکومت، صبر و استقامت، بصیرت، تقوای سیاسی و گسترش اسلام جای داد. با توجه به ضرورت شناخت و ایجاد الزامات بستر ساز جامعه منتظر و تأثیر آنها در ظهور بررسی و پیگیری این موارد ضروری به نظر می‌رسد، در رابطه با جامعه منتظر در عصر غیبت کبری قلم‌فرسائی‌های متنوعی شده است اما با توجه به جستجوی صورت گرفته برای این پژوهش پیشینه‌ای یافت نشد.

## مفهوم شناسی

## جامعه

جامعه در لغت به معنای گردآورنده و برهم افزاینده و دربرگیرنده هست (ابن منظور، - ۱۴۱۴ق: ج ۸، ۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۱) و در اصطلاح گروه بزرگ و پردوام و متحرکی از افراد است که برای هدف‌های مشترک و با توجه به نیاز مشترک باهم دارای مناسبات و ارتباطات و روابطی برای رفع مجموعه نیازهای مادی و معنوی شان هستند (گلابی، ۱۳۸۲ش: ۵۲-۵۱).

## منتظر

انتظار از ریشه نظر به معنای نگاه عادی یا نگاه با تدبر و تأمل است (راغب اصفهانی، - ۱۴۱۲ق: ۸۱۲؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۷، ۸۱) و دارای معنایی دو وجهی است: در وجهی از معنای خود به توقف، تلوم و تلبث می‌رسد و با مهمل گذاردن، مترادف می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۷ و ۵۵۷) و در وجه دیگر به تهیاً، توقع، تجهیز و آماده‌باش دلالت می‌کند (همان: ج ۸،

۴۰۶). معنای اول برداشتی انحرافی است که مقام معظم رهبری آن را نکوهش نموده‌اند، در اندیشه ایشان انتظار فرج فقط نشستن و اشک ریختن و دل خوش به ظهور بودن نیست، این نیست که انسان هیچ اصلاحی را وجهه همت خود نکند، بلکه بدین معناست که باید خود را برای سربازی امام زمان (عجله) که کار آسانی نیست، آماده نماید. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. لازمه انتظار این است که انسان خود را به آن شکل، صورت، هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار متوقع است. این فرج محقق خواهد شد مشروط بر این که انتظار واقعی باشد، عمل، تلاش، انگیزه و حرکت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ ش: ۱۶۱-۱۷۰).

واژه منتظر یعنی آدمی نظر و دیدن را اختیار کرده چشم به راه حادثه‌ای است (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۱۲، ۱۶۸) در اصطلاح مهدویت منتظر به انسانی گفته می‌شود که با تمام وجود در انتظار آمدن آخرین حجت الهی به سر می‌برد (سلیمیان، ۱۳۸۸ ش: ۴۱۷). و جامعه منتظر جامعه‌ای است که در سیر تاریخی خود، چشم‌اندازی روشن می‌بیند که در آن، به تمام خواسته‌های انسانی و ایده‌های دینی خود خواهد رسید و هویت واقعی انسانی و مکتبی خود را در دوران طولانی ظهور بزرگ مردی از تبار پیامبر بزرگ اسلام می‌بیند که تحقق بخش آرزوی همه پیامبران الهی خواهد بود (میرتبار، ۱۳۹۰ ش: ۳۵).

### حاکمیت دین الهی

جامعه منتظر متشکل از مردم و حکومتی الهی است که این مردم را سازمان دهی می‌کند، تا تعالیم الهی را برپا دارند. بنابراین تشکیل حکومت الهی رکن اساسی در ایجاد جامعه منتظر است اگر مردم تحت حاکمیت جور باشند، تعالیم و دستورات تبیین شده در قرآن و روایات به منصفه ظهور نمی‌رسد و بستر ظهور هیچ‌گاه محقق نخواهد شد همان‌گونه که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

برای ظهور مهدی موعود (عجله) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (عجله) به وسیله ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

پس تشکیل حکومت و حاکمیت دین الهی در دوران غیبت گامی ضروری است و تا هنگامی

که این حکومت نباشد مانع جدی سرراه ظهور وجود دارد و موفقیت در برقراری الزامات آن حاصل نمی‌شود. این حکومت با برقراری تعالیم الهی ضمن برطرف نمودن موانع، موجب تربیت یاران حضرت و جذب قلوب مردم به دین الهی و هموار شدن مسیر ظهور می‌شود. از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» و در بیشتر روایات آمده: «أَفْضَلُ مِنَ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۷۸). فخرالمحققین در بیان این حدیث گفته: پیامبران بنی اسرائیل در درجات مختلف بودند و برخی فقط بر خود و برخی بر خانواده-اش و برخی بر اهل قبیله مبعوث بوده است و... (خواجوئی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۸-۱۵۷). یعنی این-گونه نبوده است که همه آنها در یک درجه و مانند حضرت موسی ﷺ بوده‌اند تا مساوات یا فضیلت عالمان اسلام بر آنها بعید باشد. بعضی گفته‌اند منظور از علماء امت در این حدیث فقط امامان هستند زیرا در روایت از امامان داریم که فرمودند: «نَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ» (همان: ۱۵۸). با توجه به آنچه گفته شد در حال حاضر که امام عصر ﷺ در غیبت به سر می‌برند مصداق علماء ولی فقیه است که جانشین آن حضرت است و حکومت را در دست دارد و برای حاکمیت امام عصر ﷺ زمینه‌سازی می‌کند.

مردم و حکومت مصر پیش از به قدرت رسیدن حضرت یوسف ﷺ اوضاع نابه‌سامانی داشتند؛ جامعه در ظلم و ستم ناشی از مسائل اقتصادی به سر می‌برد و طبق خواب فرمانروای مصر این کشور با بحران اقتصادی شدیدی روبرو بود و پادشاه در تنگنای شدیدی قرار داشت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ش: ج ۱۰، ۵). به همین سبب جامعه مصر منتظر فردی عالم و آگاه با استعداد مدیریتی بالا بود تا آنها را از این مشکلات برهاند، و حضرت یوسف ﷺ با رفتارهای مبتنی بر تعالیم الهی نشان داد که برای حکومت فردی مناسب است. امام صادق ﷺ در این باره می‌فرمایند:

كَانَ يَقُومُ عَلَى الْمَرِيضِ وَيَلْتَمِسُ الْمُحْتَاجَ وَيُوسِّعُ عَلَى الْمُخْبُوسِ (قی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۴۴):

از مریض پرستاری می‌کرد، نیازمندان را رفع نیاز می‌کرد، اگر جای کسی تنگ بود توسعه در جامی داد.

یوسف ﷺ همچنین در برخورد با عزیز مصر در جریان مراوده قدرشناسانه رفتار کرده و در ابتدا سخنی نگفت اما وقتی در برابر تهمت زلیخا قرار گرفت به دفاع از خود و اثبات بی‌گناهی-اش پرداخت (طوسی، بی‌تا: ج ۶، ۱۲۶) و اگر زلیخا آن تهمت را نزنده بود یوسف نیز پرده از روی

کار برنمی داشت و حقیقت را بر زبان نمی آورد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱۲، ۲۰۱). در اقدامی مشابه هنگامی که فرستاده شاه برای بردن یوسف (علیه السلام) آمد، در کمال ادب بدون این که نامی از زلیخا بیاورد درخواست نمود؛ درباره اتفاق رخ داده تحقیق شود تا برائت و پاکی اش ثابت گردد (همان: ۲۳۵-۲۳۴) و این مکارم اخلاقی و اجتناب از خیانت و فحشاء و ظلم و صبر سبب شد که نزد پادشاه مصر دارای مقام و منزلت شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ج ۱۱، ۲۷۳).

یکی از این تعالیم که حکومت به موجب الهی بودنش ملزم به برقراری آن است عدالت - گستری است که غایت حرکت یک جامعه اسلامی است و انبیاء و رسولان الهی برای ایجاد آن برگزیده شده اند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵).

در این آیه قسط به معنای عدل آمده است، عدل در لغت مفهوم برابری و مساوات را دربردارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۵۱؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش: ج ۴، ۳۰۱)؛ قسط نیز همان نصیب عادلانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۷۰؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش: ج ۶، ۵). مفهوم این دو کلمه مخصوصاً هنگامی که جدا از یکدیگر استعمال می شوند تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و هرچیز را به جای خویش قرار دادن هست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ ش: ج ۶، ۱۴۳).

این آیه بیان می کند غرض از تشریع دین از راه ارسال رسل و انزال کتاب و میزان این است که مردم به قسط و عدالت عادت کرده و خوی بگیرند و نیز به این وسیله و با انزال حدید امتحان شوند تا مشخص گردد چه کسی خدا را یاری می کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۹، ۳۰۱). همچنین اشاره دارد که باید جامعه قائم به قسط باشد یعنی قانون، اجرا، نظارت، قضاوت و تقسیم عادلانه باشد و همه باید بتوانند از فرصت های حرکت و پیشرفت بهره مند شوند (خامنه - ای، ۱۳۹۲ ش: ۲۶).

جامعه منتظر باید با الگوگیری از سیره انبیاء عدالت گستر باشد، چنان چه در قصه حضرت یوسف (علیه السلام) دیده می شود، ایشان زمانی که فرصت را مهیا دید از فرمانروای مصر درخواست منصب خزانه داری را نمود چون خود را فردی دانا در زمینه چگونگی صرف اموال و رساندن آن به دست مستحقان می دانست (طوسی، بی تا: ج ۶، ۱۵۷) و در برخورد با برادران پیمانۀ آنها را به طور کامل ادا نمود (یوسف: ۵۹) و نه به خاطر دشمنی با برادران از حق آنان نه چیزی کاست

و نه به سبب نسبت فامیلی به حقشان چیزی افزود و خانواده خود را از رانت خانوادگی بهره‌مند نکرد و مانند بقیه مردم به آنها به‌ازای هر نفر یک بار شتر فروخت. و با نظارت شخصی بر فروش گندم و با اندازه‌گیری دقیق و استیفای کامل حق افراد، هر گونه کم‌وزیاد شدن در اموال عمومی را زیر نظر داشت (موسوی، ۱۳۹۸ ش: ۱۶۲-۱۶۱).

در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره برنامه حضرت یوسف علیه السلام برای رسیدن به عدالت اجتماعی آمده است:

یوسف علیه السلام در هفت سال فراوانی با جمع‌آوری آذوقه و خوراک انبارها را پرکرد و چون سال‌های قحطی رسید شروع به فروش آنها کرد و در سال اول درازای درهم و دینار، سال دوم در مقابل جواهرات و زیورات، سال سوم در برابر چهارپایان و مواشی، سال چهارم به جای غلام و کنیزها، سال پنجم خانه و املاک خود را به یوسف دادند، سال ششم مزرعه‌ها و نه‌رهای خود را با آذوقه مبادله کردند، سال هفتم خود را به یوسف فروختند و آذوقه خریدند و بدین ترتیب هر انسان آزاد و برده و هر چه داشتند همه ملک یوسف شده بود، یوسف بعد از این همه این دارایی‌ها را [به صورت عادلانه] به مردم بازگردانید (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱۲: ۲۴۶-۲۴۵).

در روایات نیز به برقراری عدل تأکید شده است، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْعَدْلُ أَخْلَى مِنَ الْمَاءِ يَصْبِيهُ الظُّلْمَانُ مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ إِذَا عُذِلَ فِيهِ وَإِنْ قَلَّ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۱۴۶):

عدالت شیرین‌تر از آبی است که به لب‌تشنه رسد، عدالت چه گشایشی دارد زمانی که در امری عدالت شود، اگرچه کم باشد.

و به اعتقاد مقام معظم رهبری عدالت حقیقی مطلق و منطبق قوی و استدلال مستحکم در کنار شمشیر ابزارهایی برای پیشرفت اسلام و چیرگی آن بر تمام ادیان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ش: ۱۳۱).

طبق بیان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برقراری عدل گسترده و فراگیر به فلسفه وجودی امام عصر علیه السلام پیوند خورده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۳۱۸: طوسی، - ۱۴۱۱ ق: ۴۲۵):

اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نماند خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از

فرزندان من بیرون شود و دنیا را پراز عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و جور پرشده باشد.

بنابراین ایجاد عدالت و تعدیل فاصله طبقاتی یکی از مهم ترین وظایف حکومت در جامعه منتظر است که به موجب آن مبارزه با فساد و تبعیض و توجه به مصالح عمومی و محرومیت زدایی و خدمت رسانی به مردم گسترش یافته و شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت از بین می رود. در نتیجه جامعه به سمت آبادانی و پیشرفت حرکت کرده و امنیت حاصل از برقراری عدالت در سیطره حکومت اسلامی برقرار می شود و مردم با گوشه ای از زیبایی های حکومت مهدوی آشنا شده و این باعث امید و ترغیب آنان جهت تلاش برای برپایی حکومت مهدوی می گردد.

### اطاعت پذیری از ولایت

اطاعت پذیری مردم از حاکم الهی موجب می شود تعالیم الهی به درستی اجرا شود، اما چنان - چه مردم با ولی الهی همراه نشوند حکومت راه به جایی نخواهد برد زیرا کسی که ولایت حق را نپذیرد به ناچار در ولایت باطل قرار می گیرد و دست آویزی برای رسیدن به اهداف شیاطین می - گردد در نتیجه مانعی برای حکومت الهی می شود.

نمود بارز عدم ولایت پذیری و در نتیجه انحراف از دین الهی در سرگذشت قوم بنی اسرائیل نمایان است. حضرت موسی (ع) هنگام حرکت به میقات و جدایی از قوم، برادرش هارون (ع) را به عنوان جانشین خود انتخاب و به او تأکید نمود، در راه صلاح گام برداشته و راه معصیت - کاران را نپیماید و کمک ظالمان نباشد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱، ۴۲). بنابراین وظیفه بنی - اسرائیل در این زمان اطاعت از هارون (ع) است. اما بنی اسرائیل در مواجهه با طولانی تر شدن غیبت موسی (ع) شایعه دروغگو بودن ایشان را مطرح نموده و آن گونه که خواستند رفتار نمودند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۶۸) یعنی جمع زیادی از آنها به جای اطاعت از هارون به گوساله پرستی روی آوردند در حالی که هارون طی سخنانی به آگاهی آنها پرداخته و این واقعه را امتحان الهی نامید و راه سربلندی در این امتحان را تبعیت و اطاعت امر خود می داند:

﴿فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾ (طه: ۹۰).

از حکمت های این امتحان الهی می توان به ضعف ایمان بنی اسرائیل و بی اعتمادی آنان به حضرت موسی (ع) اشاره نمود که مانع بزرگی در راه تربیت دینی افراد است و باید زمینه ای مهیا

می‌شد تا همه به صورت عملی متوجه شوند که سخنان حضرت موسی علیه السلام قابل اعتماد است و بی‌اعتمادی به پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگی مثل موسی علیه السلام چیزی جز گمراهی نخواهد بود (نادری، ۱۳۹۶ش: ۱۷۳). همچنین ضعف و برکنار کردن حضرت هارون علیه السلام نقش مستقیمی در وقوع این انحراف داشت به نحوی که بنی اسرائیل با تمام سوابق و خصوصیات که داشتند اگر به توصیه‌های وی گوش می‌دادند گرفتار این انحراف نمی‌شدند زیرا ایشان در مواجهه با این واقعه تکلیف پیامبری خود را به بهترین شکل و بدون هیچ گونه کاستی انجام داد و ماهیت این واقعه و برون رفت از آن را برای همه تبیین کرد اما بنی اسرائیل نه تنها از وی حمایتی نکردند بلکه ایشان را به موضع ضعف کشاندند به نحوی که اگر عقب‌نشینی نمی‌کرد حتماً وی را به قتل می‌رساندند (همان: ۱۷۷).

طبق آنچه بیان شد مشخص می‌شود اگر بنی اسرائیل به ولی خود - حضرت موسی علیه السلام و در غیاب ایشان حضرت هارون علیه السلام - اعتماد داشتند و از ایشان اطاعت می‌کردند در این مرحله تاریخی دچار انحراف نمی‌شدند، بنابراین در شرایط کنونی که منتظران شریطی مشابه بنی - اسرائیل را سپری می‌کنند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلایلی، از جمله امتحان شیعیان در غیبت به سر می‌برند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۷). باید تلاش نمایند مشابه بنی اسرائیل عمل نکرده تا سربلند از این امتحان بیرون آیند و طبق آیات قرآن باید تابع ولایت الله و رسول او و اولوالأمر بوده و از آنها اطاعت کنند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ...﴾ (نساء: ۵۹).

در این که اولی الامر چه کسانی هستند اقوال مختلفی نقل شده است، اهل سنت معتقدند منظور زمامداران یا علما هستند و شیعیان بنابر روایتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام معتقدند اولی الامر ائمه اهل بیت علیهم السلام هستند چرا که خداوند اطاعت را به صورت مطلق بیان کرده است و اطاعت مطلق از شخص در صورتی واجب است که معصوم باشد و خطای سهوی و عمدی نداشته باشد حال آن که زمامداران و علما این گونه نیستند (طوسی، بی تا: ج ۳، ۲۳۶) و خداوند برتر از این است که مردم را به اطاعت بدون قید و شرط افرادی امر کند که مرتکب معصیت می‌شوند یا میان گفتار و کردارشان اختلاف است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ۲۰۲) با توجه به این که در زمان غیبت دسترسی به معصوم امکان پذیر نیست، امام زمان علیه السلام در پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب در توقیعی معین نموده اند که در این زمان مردم به چه کسانی رجوع

کنند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةٍ حَدِيثَنَا فَأَتَتْهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱)؛

حجة الله کسی است که خداوند او را برای انجام اموری قرار داده است و تمام افعال و اقوال او حجت بر مسلمین است و اگر کسی تخلف کرد، براو احتجاج خواهد شد.

امروز فقهای اسلام از طرف امام حجت بر مردم هستند. همه امور مانند امر حکومت، تمشیت امور مسلمین، اخذ و مصرف عواید عمومی، به آنها واگذار شده و هرکس تخلف کند، خداوند بر آنها احتجاج خواهد کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ش: ۸۱-۸۲).

برای امر حکومت نیز باید توجه نمود که در عصر غیبت شخص معینی از طرف خداوند تعیین نشده است، در نتیجه از بین فقهای اسلام چنان چه فقیه عالم و عادل به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم ﷺ در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند (همان: ۵۰). بنابراین چنین فقیهی در مقام نیابت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرد؛ و برای این که بتوان از ابتلائات عصر غیبت سربلند خارج شد باید به ایشان تمسک جست و با پیروی از دستورات وی تلاش نمود تفرقه ها را از میان برده و جامعه ای متحد ایجاد نمود که با هدایت ولی فقیه به اجرای دستورات و اهداف اسلام پرداخته و با برنامه های روشنگرانه و دادن اطلاعات صحیح و مناسب زمینه برای رشد فکری و اعتقادی مردم مهیا شده و به آمادگی لازم جهت ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دست یابد، همچنین عصر غیبت فرصتی است برای آزمون نیروها تا تحت سرپرستی ولی فقیه پرورش یافته و نقاط ضعف خود را شناسایی نموده و رفع نمایند تا در نبرد نهایی آمادگی لازم را داشته باشند.

### بصیرت

علاوه بر استقامت یکی دیگر از عواملی که می تواند در مواجهه با مشکلات کمک کننده باشد، بصیرت و آگاهی است که در امور اجتماعی و سیاسی و نظامی تأثیرگذار است. بصیرت در لغت یعنی آگاهی، علم، حجت، عقیده قلبی، هوشیاری، یقین (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۶۵-۶۴). در آیات قرآن واژه بصائر به کار رفته است که مفسران آن را به معنای دلیل ها و براهین آشکار می دانند (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰، ۱۴۹). همچنین گفته اند:

کلمه بصائر جمع بصیرت است و مراد از آن، حجت‌ها و ادله روشنی است که به وسیله آنها حق دیده می‌شود، و میان حق و باطل تمیز داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ۶۹).

حضرت علی (علیه السلام) درباره اهمیت بصیرت با تأکید بر ویژگی‌های رزمندگان راستین می‌فرمایند:

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۹):

بصیرت‌های خویش را بر شمشیرهای‌شان سوار کردند.

مراد از این عبارت این است که بصیرت‌شان موجب می‌شود در برابر مسائل درست تصمیم گرفته و عمل کنند و در میدان نبرد به دفاع از دین بپردازند.

با توجه به این‌که عصر غیبت، عصر بروز فتنه‌ها است و مسائل روز از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و دشمنان برای ضربه زدن، عمدتاً بر روی حملات غیرنظامی تکیه نموده‌اند نیاز به آگاهی و شناخت صحیح بیشتر احساس می‌شود؛ و این جاست که می‌توان با استفاده از بصیرت سره را از ناسره شناخت و در برابر مسائل با فهم صحیح روبرو شد، چرا که بصیرت مانند قطب‌نمایی است که باعث می‌شود انسان در شناخت راه درست اشتباه نکند و در غبار آلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست (سخنرانی مقام معظم رهبری به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

آنچه که موجب بصیرت می‌شود شامل دو خواستگاه دورنی و بیرونی است؛ خواستگاه درونی یعنی نیروی باطنی قادر بر تشخیص حق و باطل و خیر و شر؛ و خواستگاه بیرونی شامل رهنمودها و برنامه‌هایی که ریشه در قرآن و تعالیم انبیاء دارند و موجب شکوفایی فطرت بصیرت می‌شوند و همچنین امدادهای غیبی الهی که در نتیجه اجرای تعالیم انبیاء در زندگی موجب تقویت بصیرت می‌گردند. از جمله این عوامل در بعد علمی می‌توان به تفکر و تعقل و تعلم و اشاره نمود و در بعد عملی نیز پرهیزگاری، یاد خدا، اخلاص، زهد و... را می‌توان اشاره کرد (محمدی ری‌شهری و دیگران، ۱۳۹۱ش: ج ۱۳، ۳۷۹) و قرآن کریم موانع زیادی را برای کسب بصیرت بیان نموده است مانند: کفر، نفاق، ظلم، تبعیت از اکثریت جاهل، غفلت، دنیادوستی، هوای نفس، تقلید از نیاکان و تبعیت از سران (کلباسی و وحیدی، ۱۳۸۹ش: ۴۳). قرآن کریم و خصوصاً آیات قصص به مسئله بصیرت و بینش در ابعاد مختلف تأکید نمود است و معجزات پیامبران به عنوان بصائری از جانب خداوند بیان شده‌اند (اسراء: ۱۰۲-۱۰۱) که با پذیرش آنها و پیروی از دستورات پیامبران موجبات بینش عمیق و آگاهی برای اقوام

مختلف فراهم می‌شود. اما عدم بصیرت و زمان‌شناسی بعضی از پیروان انبیاء سبب بروز انحرافات گسترده‌ای شده است. به عنوان نمونه اگر قوم بنی اسرائیل از بصیرت لازم برخوردار بودند، راه صحیح را در پیروی از دستورات ولی الهی می‌دانستند و به انحراف کشیده نمی‌شدند. بنابراین در جامعه منتظر می‌توان با داشتن بصیرت و شناسایی تعهدات و تکالیف لازم پا در میدان عمل گذاشت و در مواجهه با فتنه‌ها به خوبی عمل نمود تا بستر لازم برای ظهور حضرت مهیا شود.

### صبر و استقامت

جامعه منتظر در برقراری تعالیم الهی با موانع و دشواری‌هایی از جانب افراد سودجو روبرو می‌شود که می‌تواند آنها را با تلاش و استقامت پشت سر گذارد و به علاوه در آستانه ظهور شرایط دشواری در جامعه حاکم است که لازمه برون‌رفت از دشواری‌ها استقامت است. روایاتی که این زمان را توصیف می‌کنند به افزایش فقر و فساد، ظلم و ستم، تبعیض و بی‌عدالتی، زیاد شدن فتنه‌ها و سختی نگاه‌داشتن ایمان و... اشاره دارند. در روایتی امام باقر (ع) نقل می‌فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ لَقِنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلُهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرَوْني لَقَدْ عَرَفْنَاهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَخْذِهِمْ أَشَدَّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَصَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ (صافر، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۸۴)؛

پیامبر اکرم ﷺ روزی در جمعی از اصحاب دوبار فرمود: خداوند! برادران من را به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من هستید، برادران من مردمی از آخر الزمان هستند که به من ایمان می‌آورند، با این‌که من را ندیده‌اند. خداوند آنها را با نام و نام پدران‌شان، پیش از آن‌که از صلب پدران و رحم مادران‌شان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است و یا مانند کسی است که پاره‌ای از آتش چوب درخت غضا را در دست نگاه‌دارد. آنها چراغ‌های شب تاری می‌باشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره‌وتاری نجات می‌دهد.

در تفسیر آیه «هَذَا لِكِ الثُّبُلِ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا» (احزاب: ۱۱) در روایات به شدت

فتنه‌ها و امتحانات قبل از ظهور اشاره شده است:

... به‌زودی زمانی برای مردم فرامی‌رسد که حق در آن زمان پوشیده می‌شود و باطل آشکار و ظاهر می‌گردد و آن زمانی است که سزاوارترین به مردم دشمنان مردم‌اند و وعده حق نزدیک گردد و الحاد بزرگ و فساد ظاهر گردد... در آن‌جا مؤمنان در معرض امتحان قرار گرفته و دچار لرزه سخت گردند و نیکان نام‌های بدان را هدیه می‌دهند و تلاش مؤمن آن خواهد بود که خود را از نزدیک‌ترین کسانی حفظ کند سپس خدای تعالی درب فرج را برای دوستانش می‌گشاید و حضرت صاحب‌الأمر را ظاهر و بر دشمنانش پیروز می‌گرداند... (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۲۵۱).

در روایات مشخص است که مردم در آستانه ظهور دچار فتنه‌ها و رنج‌های طاقت‌فرسایی هستند که ایمان آنان را نشانه رفته است. چنین شرایطی در قصه بنی‌اسرائیل در چند مرحله مشاهده می‌شود. در مواجهه فرعون با ساحران مؤمن هنگامی که ساحران در برابر تهدیدهای وحشت‌آفرین فرعون قرار گرفتند برای حفظ ایمانی که تازه متولد شده از گزند فرعون، صبری بزرگ و نهایت استقامت را از خدا درخواست کردند. همچنین وقتی فرعون جهت پیشگیری از ایمان گسترده مردم، قتل عام گسترده جوانان و اسارت زنان را مطرح کرد حضرت موسی (علیه السلام) ضمن دلداری و دادن وعده نابودی فرعونیان و جانشینی قدرت برای بنی‌اسرائیل آنان را به استعانت از خدا و صبر و استقامت دعوت کرد: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸) به فرموده حضرت موسی (علیه السلام) با این دو برنامه می‌توان فشارها را تحمل نموده و به‌خواست خدا دشمنان نابود شده و وعده الهی درباره وراثت زمین تحقق می‌یابد (احمدی پرتو، ۱۳۹۹ش: ۱۴۹-۱۵۱).

بنابراین در شرایط پیش‌ازظهور که عواملی همچون افزایش تبلیغات سوء علیه جامعه دینی، فضای مجازی بدون نظارت و در دسترس همگان، فتنه‌ها و انحرافات مذهبی و دینی، تهدیدهای دشمنان و برنامه‌ریزی برای ضربه‌زدن به مسلمانان و... شرایط دشواری را برای منتظران ایجاد می‌کند و باعث مشکلات متعدد می‌شود، جامعه منتظر می‌تواند با صبر و استقامت و تکیه بر خداوند این مشکلات را پشت سر گذارد.

### توانمندسازی مردم و حکومت

حکومت الهی که با پذیرش مردم مواجه شد باید توجه نماید که بخشی از مأموریت‌هایش توانمندسازی جامعه در ابعاد مختلف اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است،

چنانچه جامعه‌ای توانمند نباشد در مقابل مشکلات و هجمه‌های دشمنان بسیار شکننده است و تحمل رویارویی با مشکلات را ندارد و در نتیجه خوار و ذلیل می‌شود. یکی از محورهای مهمی که باید جهت توانمندسازی به آن نگاه ویژه داشت، بعد نظامی و قدرت مسلحانه است که در آموزه‌های اهل بیت به آن تأکید شده است:

امام هادی (ع) در توصیه به یکی از اصحاب‌شان درباره خرید مرکبی مناسب برای جنگ فرمودند: اگر کسی مرکبی را نگه‌داری کند، انتظار داشته باشد که مهدی ما ظهور کند تا او بتواند با آن مرکب در رکابش باشد تا به وسیله این کار دشمن ما را به خشم بیاورد درحالی که از شیعیان ما باشد، خداوند روزی را برای او فراوان می‌کند، به او روح وسیع و شرح صدر می‌دهد و او را به خواسته‌هایش می‌رساند و در نیازها و حوائجش یاری خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۵۳۵).

همچنین خداوند پیامبر و مسلمانان را به توانمندسازی نظامی جهت ایجاد ترس در دل دشمنان و جلوگیری از تجاوز آنان توصیه می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِقُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰) دستور به تقویت نیروی نظامی برای این است که دین از موضع عزت و قدرت عمل کند و مسلمانان با عزت و مقتدر باشند و دین خدا را با نیرومندی پاسداری کنند و بگسترانند (حکیمی، ۱۳۸۱ش: ۲۴۲).

سیره عملی پیامبر (ص) و پیشوایان بزرگ اسلام نشان می‌دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی‌داشتند. معروف است که در ایام جنگ حنین به پیامبر (ص) خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در یمن اختراع شده است، پیامبر (ص) فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ش: ج ۷، ۲۲۴-۲۲۳). یا در جنگ احد پیامبر (ص) در مقابل شعار "اعل هبل" بت پرستان، به مسلمانان تعلیم داد تا بگویند: "الله اعلى و اجل" و در برابر شعار "ان لنا العزى و لا عزى لكم" بگویند: "الله مولانا و لا مولا لكم" (طبری، ۱۳۶۸ش: ج ۳، ۱۰۳۲). این نشان می‌دهد که پیامبر (ص) و مسلمانان حتی با استفاده از شعارهای کوبنده و قوی خود را در برابر دشمنان نیرومند می‌ساختند. در قصه جنگ احزاب آمده است که پیامبر (ص) بنی نضیر را تبعید فرمودند

و آنها به ناحیه خیبر رفتند و همین تبعید سبب شد یهودیان، مشرکان را برای جنگ علیه مسلمانان تحریک نمایند و مجموع افرادی که از قبایل قریش و سلیم و غطفان و اسد در جنگ خندق شرکت کردند ده هزار نفر بودند که در کنار هم پیمانان یهودی خود قرار گرفتند. وقتی پیامبر ﷺ از حرکت سپاه دشمن آگاه شدند با مسلمانان مشورت نموده و با پیشنهاد سلمان فارسی مبنی بر حفر خندق، دستور حفر خندق را صادر نمودند (مغازی، ۱۳۶۹ ش: ج ۲، ۳۳۰-۳۳۳) و بدین نحو به توانمندسازی نیروهای خود پرداختند، هنگامی که دشمنان با خندق مواجه شدند توان پیشروی نداشته و مجبور به توقف شدند و مدتی مدینه را در محاصره کردند که با یاری خداوند و امداد غیبی محاصره پایان یافت و مسلمانان به پیروزی رسیدند.

سایر انبیاء نیز به شیوه‌های مختلف درصدد توانمندسازی قوم خود بودند به عنوان نمونه حضرت داوود علی‌ه السلام با تعلیم خداوند و آگاهی از صنعت زره‌سازی اولین کسی بود که به ساخت زره پرداخت تا مردم با پوشیدن آن از آسیب ضربات سخت دشمن در جنگ‌ها در امان باشند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۱۶، ۱۵۰).

بنابراین جامعه منتظر باید در راستای توانمندسازی نیروهای خود همت نماید و برای رسیدن به فلاح خود را به چهار شاخصه بیاراید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰).

این آیه جمیع آنچه را که برای مکلف لازم است در بردارد زیرا "اصبروا" شامل انجام عبادات و ترك معاصی است و "صابروا" شامل چیزهایی است که در برابر دیگری باید انجام دهد مثل جهاد با دشمن و مهم‌تر از آن جهاد با نفس و "رابطوا" شامل دفاع از مسلمین و دین می‌شود و جمله "واتقوا الله" شامل پرهیز از همه معاصی و محرمات و عمل به همه اوامر و واجبات است و سپس پشت سر این اعمال و امور فلاح و نجات و رستگاری است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۴، ۴۰۰).

لفظ رابطوا در این آیه علاوه بر این که معنای مراقبت و نگهبانی از مرزهای مسلمین می‌دهد به معنای محافظت از ارزش‌هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۳۸)، در روایات نیز نگهبانی و پاسداری منحصر به مرزهای جغرافیایی نیست و ابعاد گسترده‌ای مانند دفاع از ائمه و اهل بیت و حفظ مقام امامت و ولایت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۸۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۴۲۶-۴۲۸). به عنوان نمونه امام باقر علی‌ه السلام می‌فرماید:

اضْبُرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا أَمَامَكُمْ الْمُتَنَتِّظِينَ ابْنَ أَبِي زَيْنَبٍ،  
۱۳۹۷ق: ۱۹۹؛

صبر کنید بر ادای واجبات و پایداری کنید با دشمنان و از امام مورد انتظار خود دفاع کنید.

ضرورت عمل به این روایات و دفاع از ارزش‌ها وقتی مشخص می‌شود که دیده شده در طول تاریخ آموزه‌های مهدویت همچون تمام عقاید سازنده مورد مخالفت و هجوم دشمنان قرار گرفته و آنها با به‌کارگیری همه ابزارها و امکانات‌شان در صدد از بین بردن این آموزه‌ها هستند. مقام معظم رهبری در بیانات‌شان شگردهای مهدی‌ستیزان را برای ضربه زدن به عقیده مهدویت این‌گونه بیان می‌کنند:

تخریب اسلام و انقلاب اسلامی، تلاش برای نابودی، کتمان، تخریب و تحریف مهدویت، شبهه‌افکنی، مبارزه با روحیه انقلابی‌گری، رواج روزمرگی و غفلت، تزریق ناامیدی، تلقین ناتوانی، تقدس‌زدایی تدریجی (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۳۲۴-۳۳۲).

مطابق با آنچه بیان شد حاکم الهی که به نیابت از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) در دوران غیبت وظیفه هدایت جامعه منتظر را برعهده دارد باید تدابیری بیندیشد تا جامعه آن قدر نیرومند شود که دشمنان جرئت تهاجم نظامی و غیرنظامی را نداشته باشند.

### تقوای سیاسی

جامعه منتظر برای برطرف نمودن موانع ظهور به تقوای سیاسی نیازمند است. تقوا یعنی انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک از آن است نگهدارد، گاهی خود خوف و ترس تقوا نامیده شده، اما در شریعت و دین تقوا یعنی خودنگهداری از آنچه که به گناه می‌انجامد و این تقوا به ترك مانع تعبیر می‌شود که با ترك نمودن حتی بعضی از مباحات که گناه هم ندارند کامل و تمام می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱). یکی از ابعاد تقوا، تقوای سیاسی است و اهمیتش از آن جا به دست می‌آید که امیرالمؤمنین (ع) در نامه به کارگزاران‌شان پیوسته آنها را به این امر دعوت نموده‌اند (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۸۰ و ۴۲۷).

در قرآن پیامبر (ص) و به تبع ایشان مسلمانان به تقوای سیاسی امر شده‌اند. هنگامی که سران مشرکان بعد از جنگ احد با امان نامه‌ای که از پیامبر (ص) دریافت نموده بودند برای مذاکره نزد ایشان آمده و پیشنهاد کردند در عوض سکوت پیامبر (ص) در برابر بت‌پرستی‌شان، آنها هم به مسلمانان و خدای آنان کاری نداشته باشند (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۷) خداوند به

پیامبر ﷺ فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ...» (احزاب: ۱) امر به تقوا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان برای این است که اطاعت خدا با اطاعت کفار و منافقین تنافی دارد، چون قبول ولایت خدا و ولایت آنان متنافی است، مثل توحید و شرک، که در يك قلب جمع نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ۴۱۰).

در نتیجه پیامبر ﷺ از امری که مورد رضایت خداوند نبود اجتناب نمودند و با افراد مخالف و مانع پیشرفت اسلام مدارا نکردند. بنابراین در امور داخلی مملکت و همچنین امور بین‌الملل داشتن تقوای سیاسی برای حکومت و جامعه منتظر یک اصل اساسی است و جامعه منتظر باید در مواجهه با جوامعی که خوی استکباری دارند، ستیز و مبارزه را سرلوحه کار خود قرار دهد.

مهم‌ترین اصل در دعوت پیامبران، توحید به معنای نفی طاغوت و اطاعت و پرستش خداوند متعال است به همین منظور عمده تلاش‌های انبیاء را استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان تشکیل می‌دهد. هیچ پیامبری را نمی‌توان یافت که در راه نجات مظلومان و مستضعفان از تحت سلطه ظالمان و مستکبران با آنان درنیفتاده باشد، چنان که دریافتن با شرک و بت‌پرستی، جهالت، خرافه و ظلم و ستم را یکی از نشانه‌های صداقت پیامبران دانسته‌اند (مطهری، بی‌تا: ۲۱).

فرعون، هامان و قارون سه شخصیتی هستند که در زمین تکبر و سرکشی نموده و به عذاب الهی گرفتار شدند (عنکبوت: ۳۹) فرعون با همکاری هامان برای تثبیت قدرت خویش چند حربه داشت، یک: نگه داشتن مردم در استضعاف فکری و فرهنگی با دوقطبی کردن جامعه و نگه داشتن آنها در جهل و اسارت و استفاده از ساده‌لوحی آنها؛ دو: حکومت بر مردم با تکیه بر ارباب و تهدید و مجازات مخالفان با شدیدترین شکنجه‌ها و قتل و آزار (شریفانی، ۱۳۸۲ش: ۳۸۲-۳۸۱).

در این شرایط خداوند موسی ﷺ و هارون ﷺ را برای مبارزه با فرعون به سوی او می‌فرستد (طه: ۴۳) موسی ﷺ در ملاقات با فرعون نخست با استدلال و منطق او را به سوی خدای یکتا دعوت کرد و به همه حاضران نشان داد که دعوتش براساس استدلال محکم و منطق نیرومند است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹ش: ۲۵۵). ولی فرعون موسی را تهدید به زندان کرد و او را مجنون خواند (شعراء: ۲۹-۲۸) این‌جا بود که موسی ﷺ صحنه مبارزه با فرعون را عوض کرد و با تکیه بر قدرت الهی از طریق معجزه وارد شد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹ش: ۲۵۵) و این نوعی مبارزه عملی با فرعونیان بود که برای طرد افکار و عقاید آنان

صورت گرفت و در قالب رویارویی با ساحران انجام شد که به شکست فرعون و ایمان ساحران منجر شد (شریفانی، ۱۳۸۲ ش: ۲۵۶-۲۵۸).

جامعه منتظر باید با بهره‌گیری از این شیوه‌های مبارزه، خود را از سیطره مستکبران رها نماید زیرا طبق آیات قرآن خداوند راه تسلطی برای کافران نسبت به مؤمنان قرار نداده است: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱) همچنین روایات به یاری مستضعفین تأکید دارند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۱۶۴)؛

هرکه صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد. از آنها نیست و هرکه بشنود مردی فریاد می‌زند، مسلمان‌ها به دادم برسید و جوابش نگوید مسلمان نیست.

در شرایط کنونی که جامعه منتظر تحت ولایت ولی فقیه است و مستکبران با حربه‌های مختلف درصدد ضربه زدن به اسلام و جلوگیری از گسترش آن در جهان هستند، حکومت الهی باید تقوای سیاسی را مدنظر قرار دهد و بر مبنای آن علاوه بر منحرف نشدن از مسیر حق، اجازه سوءاستفاده و دغل‌کاری به دشمنان را ندهد و با به‌کارگیری روش‌های متعدد تلاش کند ماهیت استکبار را تضعیف نموده تا زمینه برای رشد و تکامل مردم فراهم شود و مردم نیز باید همراه حکومت با تحمل فشارهای مستکبران جلوی باج‌خواهی‌ها و زورگویی‌های آنان بایستند.

### گسترش اسلام

حکومت باید برای بسترسازی جامعه منتظر تدابیری مبنی بر تعامل سازنده با کشورهای که خوی استکباری ندارند، اتخاذ کند. و بدین نحو با رفتارهای اسلامی به تبلیغ و معرفی اسلام به جهانیان بپردازند.

در قصه حضرت سلیمان (علیه السلام) چگونگی برخورد با کسانی که مستکبر نیستند آمده است، آن - جا که حضرت سلیمان (علیه السلام) با گزارش هدهد از غیرالهی بودن حکومت سرزمین سبأ آگاه می - شود (نمل: ۲۴). با آنها به صورت مسالمت‌آمیز رفتار نموده و از قدرت حکومت برای برخورد با شرک و دعوت به توحید استفاده می‌کند و برای ملکه سبأ نامه‌ای نوشته و از حکومت سبأ انتظار دارد تا برای گفت‌وگو درباره توحید و مواردی از این قبیل پیش او روند (بهجت‌پور،

۱۳۹۰ش: ج ۴، ۱۸۲-۱۸۱). در مقابل ملکه سبأ هدایایی می‌فرستد (نمل: ۳۵) و حضرت سلیمان علیه السلام در برابر هدایا، در پاسخی غیررسمی قدرت نظامی و مالی خود را به حاملان هدیه نشان می‌دهد تا آنها به بی‌ارزشی هدایای خود پی‌برند همچنین در پاسخ رسمی به آنها فرمود: آیا می‌خواهید به مال مرا یاری کنید؟ آنچه خدا به من داده از آنچه به شما داده بهتر است (بستانی، ۱۳۸۶ش: ج ۲، ۱۱۹-۱۱۸).

نتیجه این اقدامات پذیرش دعوت سلیمان و تسلیم شدن در برابر او بود (نمل: ۳۸) و سلیمان با حاضر نمودن تخت ملکه، پیش از حضور آنها می‌خواست قدرتی را که خدا به او داده و معجزه‌اش را به آنها نشان داده تا به نبوتش پی‌برند و تسلیم خدا گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۵، ۵۱۶).

قرآن در قصه حضرت سلیمان علیه السلام این نکته را یادآوری می‌کند که جامعه منتظر باید با جوامعی که دشمنی ندارند و نسبت به دین اسلام و آموزه‌های مهدوی آگاهی ندارند با دوستی و مسالمت‌آمیز برخورد نماید و با برنامه‌ریزی مناسب سعی در معرفی و جذب آنها داشته باشد. این امر در آیات قرآن به وضوح مشاهده می‌شود:

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (متحنه: ۸)؛

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

مسلمانان وظیفه دارند با غیرمسلمانانی که با آنها عداوت ندارند و با آنان نمی‌جنگند و مانعی برای اهداف‌شان نیستند اظهار محبت نمایند و با عدالت رفتار کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ش: ج ۲۴، ۳۲). در روایات نیز امام صادق علیه السلام به دشمنی با غیرمسلمانان به -خاطر خدا و دین تأکید کرده‌اند:

مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تُعْطَى فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۲۵)؛

از محکم‌ترین دست‌آویزهای ایمان یکی این است که به خاطر خدا و در راه او دوستی کنی و در راه او دشمنی کنی، در راه او بدهی و در راه او از عطاء دریغ نمایی.

همچنین:

كُلُّ مَنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يَنْغُصْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ (همان: ۱۲۷)؛

هرکسی را دیدید که دوستی‌اش به خاطر دین نبود و دشمنی‌اش به خاطر دین نبود، بدانید که او دین ندارد.

همان‌گونه که مشخص است برخورد دوستانه و قدرتمندانه حضرت سلیمان (عجله) با ملکه سبأ عاملی برای پذیرش دعوت توحیدی ایشان شد پس جامعه منتظر هم می‌تواند با به - کارگیری اصل دوستی مسیر آشنایی سایر ملت‌ها را با دین اسلام و عقاید صحیح اسلامی هموار نماید تا بستر ظهور مهیا شود.

### نتیجه‌گیری

ظهور حضرت مهدی (عجله) در وقت مقتضی انکارناپذیر است لذا در عصر غیبت باید حکومتی تشکیل شود که مقید به الزاماتی در راستای بسترسازی ظهور باشد. از مهم‌ترین این الزامات عبارتند از: حاکمیت دین الهی، اطاعت‌پذیری از ولایت، توانمندسازی مردم و حکومت، صبر و استقامت، تقوای سیاسی و گسترش اسلام، لذا:

حکومت غیر الهی با وضع قوانینی مانع بزرگی بر سر راه بسترسازی جامعه منتظر است. بنابراین تشکیل حکومت الهی و حاکمیت دین و قرآن مهم‌ترین عامل برای اجرای تعالیم الهی است با این وصف زدودن موانع، موجب رشد جامعه و تحقق ظهور است. که البته با همراهی کردن مردم با ولی الهی مانع انحراف از مسیر حق شده، و موجب رشد فکری و اعتقادی می‌شود. و جامعه توانمند و مقاوم ایجاد می‌شود که می‌تواند با مشکلات متعدد مقابله نموده و پیشرفت نماید و این موجب امید به آینده روشن و تلاش برای رسیدن به آن می‌شود. تقوای سیاسی به پیروی کامل از دستورات الهی و هوشیاری در برابر دشمنان منجر می‌شود و همراه با رویکرد گسترش اسلام، موجب استقلال و اقتدار جامعه منتظر در جهان و الگوگیری و آمادگی جهانی برای پذیرش ظهور است. بنابراین باور مردم به حاکمیت الهی با رهبری ولی فقیه و کارگزاری امین با عملکردی شایسته موجب اطاعت‌پذیری مردم می‌شود. چنین جامعه‌ای با بصیرت و صبر و استقامت توانمند شده در نتیجه با تقوای سیاسی به گسترش اسلام مبادرت می‌ورزد.

### منابع

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیة، دوم.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا)، سنن، محقق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالجليل، اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، سوم.
۵. احمدی پرتو، محمدتقی (۱۳۹۹ش)، «بررسی الگوی مقاومت بنی اسرائیل در فرایند نهاده‌سازي گفتمان صبر در جامعه اسلامی»، *فصل‌نامه علوم قرآن و حدیث*، شماره ۴.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)*، محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی‌هاشمی، اول.
۷. بستانی، محمود (۱۳۸۶ش)، *پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن*، ترجمه: موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۰ش)، *همگام با وحی*، قم: تمهید، اول.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش)، *عرصه‌های عدالت در کلام امام خامنه‌ای*، محقق: مجید صداقت، قم: تسنیم اندیشه، اول.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ش)، *ما منتظریم*، محقق: حسن ملایی، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۱۱. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۱ش)، *خورشید مغرب*، قم: دلیل ما، بیست و سوم.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۱۳. خواجه‌نوی، ملا محمد اسماعیل (۱۴۱۸ق)، *جامع‌الشتات*، تحقیق: سیدمهدی رجائی، بی‌جا: بی‌نا، اول.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیة، اول.
۱۵. سروش، محمد (بی‌تا)، *استکبار و استضعاف در قرآن*، قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوم.

۱۷. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت، اول.
۱۸. شریفانی، محمد (۱۳۸۲ش)، تحلیل قصص (رویکردی تحلیلی بر قصص قرآن کریم)، قم: مهر امیرالمؤمنین.
۱۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: فضل الله یزدی طباطبایی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸ش)، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، بی جا: اساطیر، چهارم.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیة، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية، اول.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: نشر هجرت، دوم.
۲۸. فعال عراقی نژاد، حسین (۱۳۷۶ش)، قصص قرآن و تاریخ انبیاء، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۲۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية، ششم.
۳۰. قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۱. کلباسی، مجتبی؛ وحیدی، علی اکبر (۱۳۸۹ش)، «بصیرت در قرآن»، فصل نامه تخصصی قرآن و عترت، شماره ۴.

۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط-الإسلامية)*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۳۳. گلابی، سیاوش (۱۳۸۲ش)، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر میترا، یازدهم.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۳۵. محمدی اشتیاردی، محمد (۱۳۷۹ش)، *قصه‌های قرآن به قلم روان*، تهران: انتشارات نبوی.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد و دیگران (۱۳۹۱ش)، *دانشنامه قرآن و حدیث*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، دوم.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۳۸. مطهری، مرتضی (بی تا)، *وحی و نبوت*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۹. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات*، بیروت: دارالمفید، دوم.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دهم.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹ش)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، دهم.
۴۲. موسوی شلحه، سید محمدرضا و دیگران (۱۳۹۸ش)، «مدیریت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی با تکیه بر سیره حضرت یوسف علیه السلام»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، شماره ۹.
۴۳. میرتبار، محمد (۱۳۹۰ش)، *آسیب‌شناسی جامعه منتظر*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سوم.
۴۴. نادری، حمید (۱۳۹۶ش)، «تحلیل ابعاد امتحان بنی اسرائیل در زمان غیبت حضرت موسی علیه السلام»، *فصل‌نامه مطالعات تفسیری*، شماره ۳۰.
۴۵. نوروزی، داریوش (۱۳۷۰ش)، *راه و روش داستان‌نویسی*، تهران: مؤسسه نشر فرهنگی و تحقیقاتی پیام نینوا.
۴۶. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹ش)، *المغازی*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، دوم.
۴۷. سایت: <https://farsi.khamenei.ir>



## Effects and results of the culture of waiting in the words of Imam Ali (AS) and Nahj al-Balagheh

Dr. Ali Akhtar Shahr<sup>1</sup>

### Abstract

The aim of the present research is to investigate the characteristics and results of the culture of expectation from the perspective of Islam based on the book Nahj-ul-Balagha of Imam Ali (AS). The question of the present research is based on the components of the culture of expectation in terms of works and results from the point of view of Nahj al-Balagha. In this research, the method of data collection is based on the documentary method, the method of data analysis is content analysis and inspired by the theoretical literature related to the culture of expectation. The statistical population of this research includes the Nahj al-Balagha book, and its sample population includes all sermons, letters, and wisdoms, of which 241 sermons, 79 letters, and 480 wisdoms were examined. The findings of the research indicate that in Nahj al-Balagheh, the components are so that it is a bit difficult to give priority to each of them and it has a special intertwining and interconnection. However, among the six works and the results of the culture of expectation mentioned, the most code related to the feeling of the presence and supervision of the Imam of the Asr. Jihad by reaching moral values. Creating the spirit of resistance and progress (movement and dynamism) with a frequency of 2882 (21.05 percent); Obedience to God's orders and self-improvement of oneself and others. (Jihad Banfs) with Faravani 2013 (14.70 percent); Giving hope against oppression and corruption. Proximity to the Most High and spiritual and spiritual perfection.

**Keywords:** Imam Ali (pbuh), the culture of waiting, Mahdi (pbuh), Nahj al-Balagha

---

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Lahijan, Iran(akhtarshahr@liau.ac.ir)

## آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام علی علیه السلام و نهج البلاغه

علی اخترشهر<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های آثار و نتایج فرهنگ انتظار از دیدگاه اسلام در کلام امام علی علیه السلام و بر مبنای کتاب نهج البلاغه است. سؤال پژوهش حاضر بر مؤلفه‌های فرهنگ انتظار از منظر آثار و نتایج از دیدگاه نهج البلاغه استوار است و در مقام پاسخ، این فرضیه را به محک آزمون می‌گذارد که مؤلفه‌های آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام علی علیه السلام و از دیدگاه نهج البلاغه بر چهار عنصر معرفتی، ارزشی، رفتاری و احساسی، عاطفی متکی است. در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل محتوا و ملهم از ادبیات نظری مربوط به فرهنگ انتظار است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلام امام علی علیه السلام و کتاب نهج البلاغه است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در کلام امام علی علیه السلام و در نهج البلاغه، مؤلفه‌ها دارای درهم تنیدگی و به هم پیوستگی خاصی است. با این حال در بین شش آثار و نتایج فرهنگ انتظار ذکر شده، بیشترین آثار فرهنگ انتظار مربوط به احساس حضور و نظارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه له (تقوای الهی) است، و جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی (وفاق و همبستگی)؛ ایجاد روحیه مقاومت و پیشرفت (حرکت و پویایی)؛ اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران (جهاد با نفس)؛ امیدبخشی در برابر ظلم و فساد (ظلم ستیزی)؛ قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی (مقام بندگی)؛ به ترتیب در ردیف بعدی هستند. این امر نشان می‌دهد که آثار و نتایج فرهنگ انتظار از منظر امام علی علیه السلام نهج البلاغه، بیشتر بر امر اجتماعی است تا فردی.

واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، فرهنگ انتظار، مهدی عجل الله تعالی فرجه له، نهج البلاغه.

### مقدمه

بازآفرینی و اصلاح معرفت دینی در زمینه انتظار فرج همواره کانون توجه منتظران واقعی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (akhtarshahr@liau.ac.ir).

بوده است که ایجاد کارکردی متفاوت از خوانش‌های رقیب خود دارد؛ تا در آن صورت برداشت نشود که انتظار فرج ابزاری برای تخدیر جامعه شیعه و ابزاری کنترلی در جهت عدم تقابل و جهاد با حکام ستمگر و مستکبر عصری و توجیه بی‌مسئولیتی امت است؛ بلکه برای گسترش عدل، مبارزه با ظلم و ستم و نفی وضعیت نامطلوب با جایگزینی با شرایط بهتر و آماده‌سازی برای دوران فرج و ظهور است. اولین درس عملی از موضوع مهدویت این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. عصر غیبت، دوران تربیت شیعه و تجهیز و آماده‌سازی فکری، روحی و عملی بشریت برای انقلاب اسلامی است. از این رو، صرف صبوری بر وضعیت موجود و بی‌عملی در آن نفی گردیده و بر اقدام عملی مناسب و کنشی به هنگام و کوششی برای ساخت حیات طیبیه تأکید شده است.

انتظار فرج به معنای نفی عقلانیت نیست؛ بلکه ذات عقل فطری بشر به دنبال تحول‌خواهی دائمی در راستای جلب منافع درازمدت و ابدی برای بشریت مطابق با نقشه الهی است. لذا مفهوم انتظار در تقابل با توقف، بازگشت به عقب، تحجر، ایستایی، شورشگری، آتارشیستی و نپذیرفتن هیچ نظم و قاعده‌ای، تخریب، هنجارشکنی و نفی قانون قرار دارد. به عبارتی، در این نگاه، انتظار فرج هیچ‌گاه به وضع موجود رضایت نداده و برای آن، یک فرایند بی‌انتهای به مثابه ارزش‌های الهی برای بهره‌مندی از تمام استعداد و سرمایه انسانی و ظرفیت‌های ملی و جهانی قائل است.

عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به این‌که یک روزی دست قدرتمند الهی این دنیای فرو رفته در منجلاب ظلم و فساد را به اوج اعتلاء انسانی خواهد رساند و بشر را از ظلم و استضعاف نجات خواهد داد و بساط استکبار و ظلم را در دنیا برخواهد چید و حاکمیت بر بشر به ملاک روز و زر نخواهد بود، اعتقاد به این مسئله در زندگی انسان معتقد دارای آثار و نتایج ارزنده‌ای است. مخصوصاً این‌که این آثار و نتایج از دل کتاب گرانسنگ نهج‌البلاغه و کلام امام علی علیه السلام بیرون آورده شود.

### بیان مسئله

نهج‌البلاغه یکی از تراث و میراث ارزشمند امیرالمؤمنین علیه السلام است که موضوعات مهم و متعددی مانند، خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، عدالت، سیاست‌ورزی، کشورداری مباحث تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مباحثی که در گفتارهای مختلف به آن

پرداخته شده، بحث مهدویت و فرهنگ انتظار است. بی تردید آشنایی با شخصیت و سبک زندگی امام علی علیه السلام می تواند سهم بزرگی در فهم ابعاد مختلف دین داشته باشد. سوال اساسی این است که ازدیدگاه نهج البلاغه آثار و نتایج فرهنگ انتظار را در چه ابعاد و مولفه های است؟. مسئله انتظار جزء لاینفک مسئله مهدویت است. از آن کلید واژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. انتظار، یکی از پربرکت ترین حالات انسان است. آنهم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یملا الله به الارض قسط و علال» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۶)

خداوند متعال به دست او، سرزمین بشری و همه ی روی زمین را از عدالت و داد گستری پر خواهد کرد. بنابراین نباید گذاشت که شیطان ها و ظلمان و دشمنان طواغیت عالم در این امر تصرف کنند و امید را در دل مومنان خاموش کنند. اگرچه کار قدرتمندان دنیا از قدیم بر این امر بود که قضایا را طوری تصویر کنند، که دیگر هیچ چاره ای نیست.

غیر تسلیم و رضا کو چاره ای \* در کف شیرین خون خواره ای. (مولوی، دفتر ششم، بخش ۱۶) در حالی که نفس انتظار و امید به انسان جرئت اقدام و حرکت و نیرو می بخشد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۲/۱۱/۸) لذا باید انتظار کشید و این انتظار دارای آثار و نتایج وسیعی است. مخصوصاً آن که فرهنگ انتظار را در کلام و کتاب نهج البلاغه مولی موحدین علی بن ابی طالب علیه السلام جستجو کرد. در این پژوهش به دنبال یافتن و تحلیل مهم ترین مؤلفه های فرهنگ انتظار در کلام امام و خطبه ها و نامه های نهج البلاغه هستیم. از مهم ترین دلایلی که ما را بر آن داشت تا آثار و نتایج فرهنگ انتظار را در کلام حضرت علی علیه السلام پیگیری کنیم، این بوده که بهتر است فرهنگ انتظار را از آموزه ها و رهنمودهای کسی استخراج کنیم که خود اولین کسی است که به پیامبر اسلام ﷺ ایمان آورده و مدت ها در کنار او بوده و اولین امام شیعیان و حدود پنج سال خلیفه مسلمین بوده است. پس می توان گفت که با کامل شدن نزول قرآن و اكمال دین در واقعه غدیر، مهم ترین مؤلفه های انتظار و فرهنگ انتظار شکل گرفته و می توان آنها را در کلام حضرت علی علیه السلام مشاهده کرد می توان با استفاده از کلام و کتاب نهج البلاغه به تعالیم حقیقی اسلام دست پیدا کرد و در واقع این کتاب در زمینه شناخت حقیقی از یک اسلام واقعی در جنبه های مختلف عبادی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی رهگشاست.

## پیشینه پژوهش

در باب فرهنگ انتظار مقالات متعددی نوشته شده است از جمله آن‌که؛ حسین سوزنچی (۱۳۸۳) در مقاله، مهدویت و انتظار در اندیشه استاد مطهری؛ به این جمع‌بندی می‌رسد؛ تحقق سعادتمندی فرد ب‌ماهو فرد، لزوماً به معنای تحقق سعادتمندی جامعه ب‌ماهو جامعه نیست؛ چرا که هر دو اصالت دارند و زمانی می‌توان واقعاً سعادتمندی انسانی را محقق شده دانست که افزون بر سعادتمندی فرد، سعادتمندی جامعه نیز محقق شود.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله موانع و آفات انتظار، به این نتیجه می‌رسد که؛ موانع و آفات، حاکی از آن است که عوامل بروز موانع و آفات در برخی موارد مربوط به منشاء و گاه در نگرش و عملکرد متولیان امور دینی و فرهنگی و گاه در سوء برداشت نظری و سوء عملکرد پیروان این اعتقاد عظیم و تحول‌آفرین است.

سحرخوان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با نام؛ راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم، به این جمع‌بندی می‌رسد که در دوره انتظار، برجستگی فرهنگ مهدویت در جهان و نقش مهم مقاومت اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور را نمایان می‌کند. این راهبردها را می‌توان در سه حیطه بینشی، گرایشی و رفتاری توجه نمود.

فهیمی (۱۳۹۷) در مقاله؛ نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش فرهنگ انتظار، به این جمع‌بندی می‌رسد که، انقلاب اسلامی جوامع بشری را به سمت این امید در آینده سوق داده که با بهره‌گیری از کارکردهای مثبت انتظار، زمینه برای پذیرش مصلح جهانی تحقق خواهد یافت.

حسین‌الادری (۱۳۸۹) در مقاله؛ فرهنگ انتظار؛ به این نتیجه می‌رسد که؛ موضوع انتظار و امید به قیام یک مصلح جهانی که به وضع نابه‌سامان جوامع بشری سامان بخشد و تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها، جنگ و خونریزی و مفاصد را از محیط زندگی انسان‌ها برچیند، یکی از مسائلی است که ادیان و مذاهب مختلف روی آن تکیه می‌کنند. و آن را عامل مؤثری برای حرکت‌های فردی و اجتماعی دانسته که غالباً به جنبش‌های ضد استعماری می‌انجامد.

با بررسی به عمل آمده معلوم می‌شود که بیشترین مقالات در باب فرهنگ انتظار بوده است و مقالات کمی در باب آثار و نتایج فرهنگ انتظار به چشم می‌خورد. و از همه مهم‌تر در باب آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام و در کتاب نهج‌البلاغه امام علی (ع) کار علمی و پژوهشی مکتوب انجام نگرفته است و این یکی از محسنات این پژوهش است.

## ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت شناخت وضع موجود فرهنگ انتظار در جامعه ناشی از ضرورت و اهمیت کارکردهای آن در جامعه اسلامی است. اگر پدیده‌ای در حیات اجتماعی نقش حیاتی داشته باشد، آگاهی از بود و نبود، ضعف و قوت و جستجو برای بهبود وضعیت آن نیز مسئولیتی حیاتی است.

## روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل اسنادی مفاد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی علیه السلام درباره فرهنگ انتظار، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. برای این پژوهش فیش‌برداری به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده گردید که طی آن مجموعه جملات، عبارات و مضامین موجود در کلام، خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه که در این زمینه آمده است مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به جمع‌آوری و مطالعه مقالات و کتب مرتبط با موضوع پرداختیم و آنچه قابل استفاده بود را به صورت مستند در لیست‌هایی جمع‌آوری نموده و در تحلیل و تفسیر فرمایشات حضرت علی علیه السلام از این منابع بهره بردیم.

## بحث

### ۱. مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

#### الف) فرهنگ انتظار

آموزه مهدویت، مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به عبارت بهتر؛ اعتقاد به وجود تمامی که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند. برخی از عناصر و مؤلفه‌های آموزه مهدویت عبارتند از: انتظار و ویژگی‌های جامعه منتظر قبل از ظهور، جایگاه امامان در عالم هستی، جامعه موعود و آرمان شهر مهدوی... هریک از این مؤلفه‌ها یا ترکیب آنها می‌توان اصولی راهبردی به دست آورد؛ اصولی که راهنمای عمل ما در عرصه‌های مختلف حیات جمعی و جهانی باشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۶: ۶). فرهنگ انتظاریکی از این اصول‌های آموزه‌های مهدوی می‌باشد. انتظار حالتی نفسانی است مبتنی بر توجه کردن به یک چیز و آرزو کردن و طلب تحقق آن است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۹۷) و در معنای اصطلاحی دینی؛ انتظار مثبت، یعنی نشستن در مسجد، در

حسینیه، منزل، و دعا کردن و فرج امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) را از خدا خواستن و کاری به کار جهان نداشته باشی که در آنچه می‌گذرد، بلکه انتظار یعنی اندیشیدن در کاستی‌ها و کمبودها و تلاش برای رفع معایب و نواقص (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۱ ش: ۱۶-۱۷) یعنی فرهنگی که نمی‌گذارد مردم تسلیم ظلم شوند. بنابراین انتظار با چهار ویژگی به همراه است:

نخست: عدم اکتفا به واقعیت‌های موجود و به تعبیری اعتراض به وضع موجود؛

دوم: اقدام برای رسیدن به مطلوب؛

سوم: توجه به وجود واقعیتی متعالی؛

چهارم: امکان دستیابی به واقعیت مطلوب شناخته می‌شود.

این همان چیزی است که توماس اسپریگنز در کتاب *فهم نظریه‌های سیاسی* به آن اشاره می‌کند. از منظر او هدف نظریات سیاسی فراهم آوردن «بینش همه‌جانبه» از جامعه سیاسی است. بینش همه‌جانبه‌ای که از مشاهد بی‌نظمی در زندگی سیاسی آغاز می‌شود و مراحل ذیل به ترتیب زیر است: ۱. مشاهد بی‌نظمی؛ ۲. تشخیص علل آن؛ ۳. ارائه راه‌حل؛ ۴. اقدام (اسپریگنز، توماس، ۱۳۷۰ ش: ۲۲). نتیجه این رفتار، همانا کسب آثار و نتایج فرهنگ انتظار است. به عبارت دیگر وقتی فرهنگ انتظار در جامعه اسلامی براساس چهار رکن اصلی شکل گرفت، یعنی اعتراض به وضع موجود، تشخیص، راه‌حل و در مرحله چهارم اقدام، در آن صورت است که ما به آثار و نتایج فرهنگ انتظار دست خواهیم یافت. زیرا در دوره غیبت حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) مشکلات و پیشامدهای سختی به وقوع می‌پیوندد؛ به گونه‌ای که اعتقادات بسیاری از مردم در نتیجه این امور سست می‌شود. برای جلوگیری از دچار شدن به چنین خطراتی، هشدارهای زیادی همراه با روشنگری‌های لازم در رهنمودهای امام علی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) دیده می‌شود: محمد بن مسلم از امام صادق (عجله الله تعالی فرجه الشریف) نقل می‌کند که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آنها از امام علی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) روایت کردند که ایشان فرمود: منتظر فرج (امام زمان) باشید و از عنایت و توجهات خداوند ناامید نشوید. همانا محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند عزوجل انتظار فرج (امام زمان) است. آن‌گاه در ادامه بیان فضیلت انتظار فرمود: کسی که منتظر امر ما (فرج امام زمان) باشد، مانند رزمنده‌ای است که در راه خداوند به خون خود آغشته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۴). همچنین زید بن صوحان عیدی گفت:

یا امیرمؤمنان (عجله الله تعالی فرجه الشریف) کدام یک از اعمال در نزد پروردگار عالم محبوب‌تر است؟ حضرت فرمود: انتظار فرج (همان: ۱۲۲).

در کلام امام علی علیه السلام واژه انتظار مفهومی بس ژرف و پرجا دارد، توگویی انتظار زیباترین و کامل‌ترین جلوه بندگی حق تعالی و نماد همه ابعاد دینداری در دوران پس از حضور است؛ تا آن‌جا که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «انتظار فرج، برترین عبادت‌هاست» و نیز از حضرتش نقل است: منتظر فرج باشید و از رحمت الهی ناامید نشوید که محبوب‌ترین کارها نزد خدای عزوجل، انتظار فرج است. به همین دلیل منتظران در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردارند و تعابیر فخیمی در تجلیل از مقام و مرتبت ایشان وارد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

آن‌کس که به ریسمان ما چنگ زند، فردا در فردوس برین با ما خواهد بود و کسی که منتظرش ماند، مانند شخصی است که در راه خدا در خون خود غوطه‌ور باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۶۱۶).

عبدالعظیم حسنی رحمه الله علیه از امام جواد علیه السلام، از امیرالمؤمنین این‌گونه روایت می‌کند: قائم ما غیبتی طولانی در پیش دارد؛ بشارت باد آن‌کس را که در دوران غیبت بر دین خود پابرجا ماند و در پی به درازا انجامیدن غیبت امامش به سنگدلی دچار نگردد. او در روز رستخیز با من و در درجه من خواهد بود (همان).

لذا انتظار از گرانبارترین تکالیف شرعی و مسئولیت‌های دینی است. کشف این ویژگی انتظار، فهم راز عظمت پاداش منتظران را ساده‌تر می‌کند.

#### ب) مهدویت و چارچوب نظری بحث

در اندیشه اسلامی، حجت خدا در زمین و جانشین او بر بندگان در زمان حاضر، قائم منتظر فرجه الشریف علیه السلام از خاندان پیامبر علیه السلام است. او کسی است که به نام و نسب، پیامبر خدا علیه السلام از وی خبر داده است. او زمین را پراز عدل و داد می‌کند، چنان‌که از جور و ستم پر شده است. خداوند دینش را به سبب او بر همه ادیان چیره و پیروز می‌گرداند هرچند مشرکان نپسندند. خداوند با دستان وی شرق و غرب جهان را خواهد گرفت تا آن‌که در زمین جایی نماند مگر آن‌که در آن فریاد اذان برآورند و همه دین از آن خدا گردد. عقاید یاد شده، چکیده ده‌ها روایت نقل شده از طریق شیعه و سنی است. تواتر و قطعی‌الصدر بودن این روایات را شماری از احادیث مهدی علیه السلام اجماع کرده، آن را نزد خود مسلم تلقی نموده‌اند. لذا اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار همواره مورد توجه قرآن و امامان معصوم مخصوصاً امام علی علیه السلام بوده است. در قرآن کریم روزی وعده داده شده است که حق پرستان و صالحان جهان، وارثان زمین خواهند شد.

قدرت و حکومت جهانی را به دست خواهند گرفت و اسلام بر همه ادیان چیره خواهد شد. «در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من وارث زمین خواهند شد» (انبیاء: ۲۱) و اراده کرده‌ایم که بر ناتوان‌شدگان منت بنهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم (قصص: ۵). براساس روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام مصداق کامل وعده الهی و اراده مستمر الهی است که در بسیاری از روایات بر ظهور مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف تطبیق شده است.

با مراجعه به منابع روایی و تاریخی، فهمیده می‌شود که موضوع غیبت، یکی از مهم‌ترین و دغدغه‌آمیزترین موضوعات سده‌های نخست هجری بوده است. سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام درباره مهدی و غیبت او، از حدود دویست سال پیش از غیبت کبرا، یعنی از اوایل قرن دوم هجری در صحیفه‌ها و نوشته‌های متعددی به همت یاران و شاگردان ائمه علیهم‌السلام گردآوری شده است. این امر نشان می‌دهد که مسئله مهدویت و انتظار در قاموس روایی اهل بیت علیهم‌السلام، از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است. در اندیشه امام علی علیه‌السلام بالغ بر چهل حدیث در باب امام مهدی علیه‌السلام آمده است (سیدنژاد، ۱۳۹۷ ش: ۱-۴۷) و همین‌طور در کتاب ارزشمند *نهج‌البلاغه* بالغ بر ۲۶ بار واژه مهدی، ۶۹۴ بار واژه انتظار؛ ۵۲ بار واژه آخرالزمان آمده است.

در اندیشه مهدویت در فرهنگ شیعی به علت گره خوردن با آن با اعتقاد به امام حی و غایب از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و دارای ظرفیت‌های، کارکردها و آثار متعددی است؛ و در حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیشترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث انتظار گره خورده است. ضرورت انتظار صحیح و امید به آینده، محوری‌ترین و اصلی‌ترین موضوعی است که در آموزه‌های مهدویت بر آن تأکید شده است. در حقیقت، انتظار، عملی آگاهانه همراه با آمادگی و مجاهدت در سطوح مختلف فکری، اخلاقی و عملی، برای ساختن آینده‌ای روشن براساس برنامه و نقشه الهی است.

مهم‌ترین کارکرد انتظار فرج، حفظ و ارتقای روحیه تحرک و پویایی در جهت تکامل معنوی، احیای معارف و دستورات آسمانی و نشر حقایق دینی و زمینه‌سازی برای عمل به آموزه‌های مذهبی در میان افراد جامعه است که مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت و توأم با امید به آینده و حرکت با شوق و قانع نشدن به وضع موجود سوق می‌دهد.

انتظار فرج آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاق و تربیتی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است که موجب می‌شود تا آرمان‌گرایی و نشاط و پویایی و وظیفه‌شناسی و

روح امید در افراد زنده شود. از همین رو، بعضی محققان، آثار و نتایج فرهنگ انتظار را در حوزه فردی و اجتماعی می‌دانند. و بعضی دیگر آثار آن را در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند.

به نظر گلاک و استارک (Glock, C. Y., & Stark, R1965) علیرغم این‌که همه ادیان جهانی در فروعات و جزئیات با هم تفاوت دارند ولی در حوزه‌های کلی همچون ابعاد اعتقادی، معرفتی، مناسکی و فکری با هم، همخوانی و مشابهت وجود دارد.

یک) بُعد اعتقادی یا باورهای دینی، فردی که هویت دینی دارد، براساس دین، بعضی از اصول اساسی آن را پذیرفته است و انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. دو) بُعد مناسکی یا اعمال دینی شامل اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آئین دینی خاص و روزه گرفتن است که انتظار می‌رود در هر دین به جا آورده شوند. سه) بُعد فکری یا دانش دینی مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد شناخت هر دین است که پیروان باید آنها را بدانند.

چهار) بُعد تجربی یا عواطف دینی ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن ارتباط با خدا و یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.

بعضی دیگر از محققان، مقوله دینداری و فرهنگ انتظار را بر سه وجه معرفتی، رفتاری و عاطفی می‌دانند و بُعد فکری و دانشی را در ابعاد دیگر ادغام می‌کنند. اما به نظر می‌رسد جامع‌ترین مطالعه آن است که همه ابعاد آثار و نتایج فرهنگ انتظار مورد توجه قرار گیرد.

از مهم‌ترین آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام علی علیه السلام را می‌توان موارد ذیل دانست:

- قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی (مقام بندگی)؛

- امیدبخشی در برابر ظلم و فساد (ظلم‌ستیزی)؛

- احساس حضور و نظارت امام عصر علیه السلام (تقوای الهی)؛

- اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران (جهاد با نفس)؛

- ایجاد روحیه مقاومت و پیشرفت (حرکت و پویایی)؛

- جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی (وفاق و همبستگی).

از مهم‌ترین دلایل آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام علی علیه السلام احوال مردم آخرالزمان است. شاید بتوان گفت که بیشترین مطالب مربوط به معارف حضرت مهدی علیه السلام که از زبان

حضرت علی علیه السلام نقل شده، به تبیین اوضاع آخرالزمان و وقایعی اختصاص دارد که در آن دوره رخ می‌دهد. امیرمؤمنان علیه السلام ضمن توضیح و تحلیل آن پیشامدها، چگونگی مقابله با آنها را بیان می‌کند. این حوادث، شامل مسائل فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی می‌شود. بسیاری از این ویژگی‌ها دست‌کم در دوره ما در بعضی از عرصه‌ها جود دارد که از طریق فرهنگ انتظار می‌توان، جامعه را از آثار منفی آنها در امان نگه داشت. حضرت فرمودند: روزی خواهد آمد که سخن‌چین‌ها مقرب خواهند شد و افراد بدکار زیرک خوانده می‌شوند، افراد باانصاف را ناتوان به شمار می‌آورند، صدقه و انفاق در راه خدا را غرامت می‌پندارند، صلۀ رحم و آمد و شد با خویشاوندان را با منت انجام می‌دهند و بندگی و اطاعت از خدا را وسیله فخرفروشی برای مردم قرار می‌دهند (نهج البلاغه، حکمت ۹۸). اصبح بن نباته می‌گوید:

شنیدم که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در آخرالزمان که بدترین زمان هاست وقتی روز قیامت نزدیک شود، زنانی بدون حجاب ظاهر می‌شوند؛ در حالی که زینت‌های آنها پیداست و در برابر دیدگان مردم رفت و آمد می‌کنند (صافی گپایگانی، ۴۲۲: ق: ۴۲۶).

همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

زمانی برای مردم خواهد آمد که فقط شکم‌شان همت و هدف آنها خواهد بود. شرف و اعتبارشان به کالا و اموال‌شان بستگی خواهد داشت (متقی هندی، ۴۱۹: ق: ۱۹۲).

بنابراین از منظر امام علی علیه السلام اوضاع و احوال قبل از ظهور، همراه با سختگی و مشقت‌های زیادی است. مردم در آن زمان، بزرگی را گرمی نمی‌دارند و به کوچک رحم نمی‌کنند؛ زمین از ظلم و ستم پُر خواهد شد و سال‌های پراز فریب و نیرنگ در پیش است. در این سال‌ها، راستگویان به عنوان دروغگو و دورغگویان به عنوان راستگو شناخته می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۲۴۵). حضرت بعد از بیان اوضاع و احوال آخرالزمان، چاره‌اندیشی و تدابیری را بیان می‌کنند که مهم‌ترین آنها فرهنگ انتظار می‌باشد:

پس در آن زمان، وای! وای! که مردم چه حال و روزی خواهند داشت و همواره فریاد برخواسته از دل آنها از فریادری خواهد بود و انتظارگشایش و توقع فرج در حال و کار خود خواهند داشت و آن‌گاه است که لحظه پیش‌بینی شده، یعنی ظهور حضرت نزدیک خواهد بود (همان: ۱۹۲).

## ۲. یافته‌های پژوهش

همان‌طوری که اشاره شد، اندیشه مهدویت در فرهنگ شیعی دارای اهمیت و جایگاه

ممتازی است و علاوه بر آثار نتایج آن، کارکردهای متعددی دارد که بیشترین آنها در حوزه انتظار فرج گره خورده است. انتظار صحیح و امید به آینده به همراه آگاهی و آمادگی در همه عرصه می تواند، آینده ای روشن را برای جامعه اسلامی فراهم آورد. تبیین اندیشه صحیح و آگاهی و آمادگی زمانی می تواند رهگشا باشد که این اندیشه برگرفته از امام معصوم مخصوصاً امام علی (علیه السلام) باشد.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بعد از بیان ویژگی های عصر آخرالزمان، به ارائه راهکار می پردازد که ما از آن تحت عنوان آثار و نتایج فرهنگ انتظار برمی شماریم. حضرت معتقدند، فرهنگ انتظار، آثاری دارد که این آثار ما را از خطرات آخرالزمان حفظ خواهد نمود. از جمله آثار و نتایج فرهنگ انتظار عبارتند از:

#### الف) قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی (مقام بندگی)

یکی از آثار و نتایج فرهنگ انتظار قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی و به عبارت دیگر مقام بندگی است. در واقع کسی که اعتقاد به وجود امام مهدی (علیه السلام) دارد، از آن جا که آن حضرت مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون رحمت حق است، با ایشان رابطه ای معنوی برقرار می کند و توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب به سوی خدا دارد. به همین دلیل فرد منتظر، در توسلات معنوی خود، امام عصر (علیه السلام) را مورد توجه و نظر دائمی قرار داده و به آن حضرت توسل می جوید. نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت، قدرت و عدل حق تعالی، انسان را رشد داده و تعالی می بخشد و وسیله پیشرفت او را از نظر معنوی و روحی فراهم می کند (شفیعی، ۱۳۹۸: ش: ۶۶۱). در اندیشه امام علی (علیه السلام) این پیوند معنوی و روحی به خوبی قابل مشاهده است. زیرا امام علی (علیه السلام) راه عبادت درست، راهی می داند که همه وجود آدمی را متوجه خود می کند و فطریات آدمی را در بستر فطرتش به سوی کمال رهنمون سازد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: ای مردم! آن که راه آشکارا بییماید، به آب می رسد و آن که بی راهه را پیش گیرد، در بیابان سرگردان می ماند و از تشنگی می میرد «أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَّ الْمَاءَ وَ مَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي التَّيِّهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱). امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) هدف عبادت را فرمانبرداری خداوند می داند و روش های مختلف عبادات را مفردی برای کنار گذاشتن خود نفسانی و رسیدن به مقام بندگی برشمرده می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَشْهِيماً لِلرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخُلُقِ، وَالْحَجَّ [تَقْوِيَةً] تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلشُّفَهَاءِ، وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنَّمَةً لِلْعَدَدِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴)؛

خداوند ایمان را واجب کرد، برای پاکی دل‌ها از شرک، نماز را برای منزه ساختن مردم از خودخواهی، زکات را برای رسیدن روزی، روزه را برای آزمودن اخلاص مردم، حج را برای نیرو گرفتن دین، جهاد را برای عزت و ارجمندی اسلام، امر به معروف را برای اصلاح مردمان، نهی از منکر را برای بازداشتن سفیهان از زشتی‌ها و صله رحم را برای افزون شدن شمار خویشاوندان.

لذا در نهج البلاغه بر قرب حق تعالی و تکامل روحی و معنوی انسان‌ها تأکید بسیاری شده است. آدمی در سایه عبودیت به کمال آفرینش که همان بندگی خداست دست می‌یابد و براساس استعداد خود، مسیر کمال را می‌پیماید. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فَإِنَّمَا أَنَا وَ أَنْتُمْ عِبِيدٌ تَمْلُكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرُهُ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷)؛

ما و شما بندگان هستیم در قبضه قدرت پروردگاری که پرورش دهنده‌ای جز او نیست.

طبعاً در چنین موقعیتی، پای فشردن بر شاخص‌های قرب الهی و اجرای حدود الهی و حق‌مدار ماندن و پروای الهی داشتن و دست به دنیا نیالودن و از پرتگاه فتنه‌ها جستن و به دام بدعت‌ها و التقاط‌ها گرفتار نیامدن، شگرف امری است که جز با برخورداری از اراده پولادین و دین‌شناسی بنیادین و توفیق الهی راست نیاید. از این رو، مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام از ثبات در دینداری و اهمیت آن در دوره غیبت، این‌گونه یاد می‌کند. حبیبم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سوگند به آن‌که مرا به حق برانگیخت، فرزند به پاخاسته من غایب خواهد شد. پس هر که زمانه غیبت وی را درک کرد، بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آئین من، دور و از دین من برون سازد (حر عاملی، بی‌تا: ۴۵۹).

همچنین فرمودند:

اینان پیروان راهبران دین و امامان راستینند؛ هم آنانی که به آداب ایشان مودبند و رهرو طریقت‌شان. دانش همراه گوهر ایمان، بر ایشان روی آورده است. آنان چشم به راه دولت حقند (کلینی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۵).

بنابراین عبودیت، آغاز حرکت جامعه بشری در مسیر صراط مستقیم و به سوی مقصد آفرینش؛ شروع زندگی سعادت‌مندانه همه انسان‌ها و فراهم شدن صلح و امنیت در جامعه است. از همین رو امام علی علیه السلام می‌فرماید:

حضرت مهدی هواهای نفسانی را به هدایت و رستگاری باز می‌گرداند. در آن روزگار که مردم هدایت الهی را به پیروی هواهای نفسانی در آورده‌اند. همچنین نظرات و اندیشه‌های مردم را پیرو قرآن می‌کند، در آن روزگاری که آنها قرآن را پیرو اندیشه‌های خود کرده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

### ب) امیدبخشی در برابر ظلم و فساد (ظلم‌ستیزی)

یکی دیگر از آثار و نتایج فرهنگ انتظار امیدبخشی در برابر ظلم و فساد است. برخلاف برخی مکاتب فلسفی و ادیان مذاهب ساختگی که معتقدند جهان و جهانیان سرانجام در اوج تاریکی، گمراهی، ستم و نابرابری در اثر رویدادها و بلایایی طبیعی یا سلاح‌ها و تجهیزات ویرانگر ساخته دست بشر، نابود می‌شوند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۵۰-۲۰). مکتب اسلام، آینده جهان را بسیار روشن، امیدبخش، سرشار از نور و سرور می‌داند و معتقد است که دنیا فرجامی نیک خواهد داشت و برخلاف میل ستمگران و سرکشان تاریخ، جهانیان در پایان تاریخ، طعم خوش عدالت، آزادی و رستگاری را خواهند چیشد (امام خمینی، ۱۳۷۲ش: ۴۷۲-۴۷۳). در روایات اصلاحگری در عرصه‌های فردی و پیاده کردن محاسن اخلاق، تلاش، پویایی و پیشرفت در تمام عرصه‌ها و شکوفاسازی اندیشه‌ها را از آثار و نتایج اعتقاد به مهدویت شمرده شده است.

امیدبخشی یکی از مؤلفه‌های مورد تأکید نهج البلاغه است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در باب امیدواری می‌فرماید:

راجع به امیدواری او این‌طور تصور می‌کند که به خداوند امیدوار می‌باشد ولی به عظمت خداوند سوگند که دروغ می‌گوید برای این‌که اگر دروغ نمی‌گفت امیدواری او از عملش معلوم بود. هرکس که يك امیدواری دارد امیدش از اعمال او نمایان می‌باشد و هر امیدواری غیر از امیدوار به خدا بودن ناقص است و او کسی است که در قلب خود از خداوند بیم ندارد. زیر نمی‌توان آثار بیم از خداوند را در کردار او یافت و به همین جهت می‌بینید که او در قبال بندگان خدا طوری رفتار می‌نماید که در قبال خداوند آن‌گونه رفتار نمی‌کند. او این قدر معرفت ندارد که بفهمد که مقام و مرتبه الهی بسی بزرگ‌تر از آن است که رفتار نسبت به وی کمتر از رفتاری باشد که با بندگان خدا می‌کند. آیا تصور می‌کند که اگر به خداوند امیدوار باشد، او امیدواری‌اش را اجابت نخواهد کرد؟ یا این‌که چون از

خدا بیم ندارد و بندگی خدا را به جا نمی‌آورد علت و جهتی را نمی‌بیند تا این‌که به خداوند امیدوار باشد. وقتی از یکی از بندگان خدا می‌ترسد طوری با وی رفتار می‌نماید که در آینده از او بیم نداشته باشد ولی حاضر نیست که همین‌گونه رفتار را با خداوند بکند (خطبه ۱۵۹) لذا باید این امیدواری با اصلاحگری در فرد و جامعه هموار باشد. همچنین حضرت امام علی علیه السلام فرمود: آستانه او در پناه‌دهی به بی‌پناهان از همه آستانه‌ها گسترده‌تر و علم و دانش آن حضرت از همه زیادتر است و از همه مردم بیشتر به صله ارحام و پیوند با خویشاوندان توجه می‌کند. پرودگار! بیعت او را پایان بخش همه اندوه‌ها و پراکندگی امت اسلامی را به دست باکفایت آن حضرت به یگانگی تبدیل کن (نعمانی، ۱۳۷۶ق: ۲۱۲-۲۱۴).

از این رو یکی از مهم‌ترین آثار فرهنگ انتظار و اندیشه مهدوی امیدبخشی و دوری از یأس و ناامیدی است. امید موجب تلاش، حرکت، مبارزه و در نتیجه زنده ماندن انسان می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: خدایا همواره باید حجتی روی زمین برای بندگان داشته باشی تا خلق را به دینت راهنمایی کند، علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو تباه نشود و پیروان اولیای تو پس از آن‌که آنها را هدایت کرده‌ای، دوباره گمراه نشوند. حجت تو یا آشکار خواهد بود که از او پیروی نمی‌کنند و یا از دیده‌ها نهان خواهد بود که مردم در انتظار او به سر می‌برند (شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۰۲) پس منتظر فرج باشید و از عنایت و توجهات خداوند ناامید نشوید (مجلس، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۰۴).

از مهم‌ترین عنصر امیدواری، دوری از ظلم و ستم است. امام علی علیه السلام ظلم را بر اقسامی می‌شمارد:

- ظلمی که نابخشودنی است، شرک به خدای سبحان است.

- ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، ستمگری بعضی از بندگان بر بعضی دیگر است. لذا از منظر امام علی علیه السلام ظلم به انسان‌های ناتوان از بدترین ظلم‌ها محسوب می‌شود همان‌طور که بدترین غذا را غذایی می‌داند که از راه حرام و از طریق ظلم و ستم کردن به دست آید: بدترین غذاها لقمه حرام و بدترین ستم‌ها، ستم‌کاری به ناتوان است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

- ظلمی که بخشودنی و قابل جبران است، ستمی که بنده با گناهان برخویش روا داشته است (دشتی، ۱۳۸۸ش: ۳۳۶-۲۳۸).

از همین رو امام علی علیه السلام یکی از آثار و پیامد فرهنگ انتظار را دوری از ظلم و ستم می‌شمارد و می‌فرماید:

ای مردم! بدانید که زمین هرگز از حجت خدا (امام معصوم) خالی نخواهد ماند؛ اما خدای متعال به زودی مردم را برای ظلم و ستم و همچنین اسراف و اسراف که در حق خودشان انجام می‌دهند، از دیدن حجت الهی محروم خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱: ۱۱۲-۱۱۳).

همچنین عاصم بن ضمره از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: زمین از ظلم و ستم پُر خواهد شد؛ آن چنان که هیچ کس لفظ «الله» را بر زبان جاری نخواهد کرد، مگر در نهان. پس از این دوره است که خداوند مردم صالحی را خواهد آورد که زمین را از عدل و داد پُر کنند؛ همان گونه که پیش از آن از ظلم و ستم پُر شده بود (همان).

از مهم ترین نکات این روایت عبارت «ثم یاتی الله بقوم صالحین» است که خداوند مردم صالحی را خواهد آورد که زمین را از عدل و داد پُر کنند. این قوم صالح همانا کسانی اند که باور به فرهنگ انتظار دارند و امیدوار در مقابل ظلم و ستم و در یک کدام، ظلم ستیز هستند.

#### ج) احساس حضور و نظارت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (تقوای الهی)

یکی دیگر از آثار و نتایج فرهنگ انتظار؛ احساس حضور و نظارت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عرصه های مختلف حیات فردی و اجتماعی است. این نظارت می تواند به دو صورت واقع گردد:

یک) نظارت مستقیم و نظارتی که خود حضرت نقش اصلی را دارد؛ مطابق برخی از روایات، اعمال افراد هر هفته بر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرصه می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ۳۴۰). این عقیده که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست، موجب می شود که افراد مواظب اعمال خود باشند و کاری نکنند که موجب رنجش آن حضرت شود (امام خمینی، ۱۳۷۷ش: ج ۸، ۳۷۱) و در میدان های مختلف چه در میدان معنویت و عبادت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست و چه در میدان جهاد، از خودشان اخلاص و شادابی نشان دهند؛ زیرا با کار و تلاش خود، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خرسند و خوشحال می کنند؛

دو) نظارت غیرمستقیم و نظارتی که به سبب جانشینی نواب عام آن حضرت یعنی فقهای عادل و اداره جامعه و حکومت به دست ایشان است.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در وصف پرهیزکاری می فرماید:

ای مردم خیرخواه ترین افراد برای خویش کسی است که بیش از همه دستورات پروردگار را اجرا کند و خیانتکارترین مردم به خود کسی است که در نافرمانی خدا از همه پیش باشد. ضرر کرده آن است که به خود ضرر بزند، رشک برده کسی است که دینش سالم بماند.

سعادتمند آن است که از دیگران پند پذیرد و بدبخت کسی است که فریب هوای نفس خویش خورد (نهج البلاغه، خطبه ۸۵).

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

بسیار دشوار است که این نفس را که پیوسته خواهان نافرمانی و بوالهوسی است از شهوت دور نمائیم. بدانید ای بندگان خدا، مومن هر صبح و شام نفس خود را متهم می‌شمرد. پیوسته گناهکارش می‌داند و آن را سرزنش می‌کند. پس در دنیا مثل کسانی باشید که قبل شما بودند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

لذا در اندیشه امام علی (ع) منتظران به ظهور آن حضرت را مانند کسانی دانسته است که در خیمه آن حضرت بوده و در کنار ایشان شمشیر بزنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۶). اعتقاد به مهدویت و فرهنگ انتظار به معنای حقیقی خود یعنی اعتقاد به امام حی و زنده و امامی که بر رفتار و اعمال شیعیان خود نظارت دارد. زیرا بدون شک اجرای احکام اسلامی مانند حدود و قصاص تعطیل‌بردار نیست و اجرای این امور بر عهده افراد واجد شرایطی است که مورد تأیید امام زمان (عج) هستند.

#### د، اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران (جهاد با نفس)

یکی از آثار و نتایج فرهنگ انتظار دوری از گناهان از طریق جهاد با نفس می‌باشد. در فرهنگ انتظار انسان‌ها نیازمند خودسازی و پالایش معنوی و ورعی خود هستند. زیرا جهاد با نفس درجه وجودی حیات معنوی و اختیاری مؤمنان را اشتداد می‌بخشد و این امر باعث آمادگی فرد در جامعه جهت خودسازی و دیگرسازی می‌شود. اگر خودسازی در جامعه منتظران نهادینه شود، این امر باعث اطاعت از ولی و زمینه‌سازی جهت ظهور خواهد بود. زیرا خودسازی باعث تشکیل مدینه فاضله مورد نظر امام معصوم (ع) خواهد بود. در جامعه‌ای که مؤمنان خود را اصلاح کنند، حتماً جامعه جهت اصلاح آماده خواهد شد. به عبارت دیگر اصلاح جامعه در گروه اصلاح فرد و مؤمنان می‌باشد.

مهم‌ترین آثار و نتایج فرهنگ انتظار اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران همانا جهاد با نفس است. زیرا آنچه که فرهنگ انتظار را با خطر مواجه می‌کند، مسئله نفاق است. اساساً راه‌یابی عناصر نامطمئن و نفاق پیشه در هر نهضت، به خلوص آن انقلاب شدیداً آسیب وارد ساخته، دست‌یابی به اهداف نظم انقلابی در جامعه را عمیقاً دشوار می‌سازد. از این رو است که علی (ع) می‌فرماید:

قطعاً خداوند مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برانگیزد که خونخواه ما اهل بیت باشد و از مردمان زمان خویش پنهان شود تا آنان که هدایت پذیر نیستند، از مؤمنان راستین تمایز یابند (نعمانی، بی تا: ۱۴۱).

امام علی علیه السلام این مطلب را در جای دیگر در قالبی تمثیلی، چنین بیان می دارد. برای جدا شدن صفوف و مواضع شما در آینده، مثالی می زنم. مردی را در نظر آرید که مقداری غله دارد، آن را تمیز و پاکیزه می کند و سپس آن را در خانه ای برای مدتی طولانی رها می کند. آن گاه که باز می گردد، غله را آفت زده می یابد. پس بار دیگر به تمیز کردن آن همت می گمارد و چون بار نخست، آن را در همان خانه برای مدتی ترک می کند و بار دیگر باز می گردد و همین اتفاق آن قدر رخ می دهد تا اندکی از مقاوم ترین انواع آن غله بر جای می ماند که دیگر آفت بدان کارگر نباشد. مثل شما نیز چنین است؛ آن قدرت تصفیه خواهید شد تا این که گروهی بر جای ماند که فتنه ها برایشان کارگر نباشد (همان: ۲۱۰).

#### هـ، ایجاد روحیه مقاومت و پیشرفت (حرکت و پویایی)

یکی دیگر از آثار و نتایج فرهنگ انتظار، ایجاد جامعه مبتنی بر مقاومت و پایداری در مقابل ظلم و ستم است. در جامعه ای که ظلم و ستم نباشد، آن جامعه به سمت عدالت حرکت خواهد کرد. چون در باور اندیشه مهدویت، یکی از اهداف مهم قیام آن حضرت، ایجاد عدالت در جامعه است. این اندیشه، جامعه منتظران را به این سمت حرکت می دهد که در مقابل حاکمان و نظام ظالمانه بایستند و در مقابل بی عدالتی های مقاومت نمایند. در فرهنگ انتظار، هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و ستم مورد قبول نیست و یک امر غیرمنطقی خواهد بود. از طرفی در فرهنگ انتظار، یکی دیگر از آثار آن، حرکت جامعه مؤمنان به سمت ترقی و پیشرفت است. جامعه ای که از ظلم و ستم مبرا است، این جامعه به سمت پیشرفت و آبادانی حرکت خواهد کرد. توسعه به معنای، افزایش توانمندی اجتماعی، افزایش تولید و رسیدن به سطحی از رفاه است. قانون مرگ و حیات علاوه بر انسان ها، جوامع و دولت های را نیز دربر می گیرد و هیچ جامعه ای نیست که از شمول این سنت تخلف ناپذیر بیرون باشد. در این میان عواملی باعث ضعف و انحطاط جوامع می شود و در نقطه مقابل، برخی عوامل و زمینه ها هستند که در حیات اجتماعی یک جامعه نقش آفرین بوده و در رشد و شکوفایی آن تمدن، تأثیری به سزا دارند (حسین زاده، ۱۳۹۷ش: ۶۰-۷۶).

از منظر امام علی علیه السلام مهم ترین عوامل توسعه ملت های در بُعد درون دینی؛ قرآن محوری

پایبندی به اصول و ارزش‌ها، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، اتحاد و انسجام، اطاعت از رهبر صالح و انصاف و مهربانی با مردم را می‌داند. ایشان در بُعد برون‌دینی؛ اجرای عدالت اجتماعی، تعاون و همکاری در جامعه، برقراری امنیت، تأمین رفاه عمومی، عبرت از انقراض حکومت‌های پیشین و توجه به خواست و اراده مردم است. از منظر امام علی (علیه السلام) آنچه که باعث پیشرفت جوامع می‌گردد، اطاعت از رهبر است که این خود محصول اتحاد و همدلی است و عدم اطاعت از رهبر را سبب پشیمانی و حسرت می‌داند؛ و در مورد نافرمانی و سرپیچی مردم روزگار خود بارها شکوه می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۵).

عدالت ناموس الهی حاکم بر حیات عالم و آدم است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: چگونه در برابر دیگران دادگری پیشه خواهد کرد، آن‌کس که بر خود ستم روا می‌دارد (خوانساری، ۱۳۷۳: ۵۶۴).

ایشان یادآور می‌شود که: سداد ملت و صلاح امت، رهاورد غرس نهال عدالت در دل جامعه بشری است (همان: ۴۹۵). مهدی به شما شیوه و سیره دادگری را خواهد نمود (خطبه ۱۳۸) مهدی کره خالی را چنان از قسط و عدل خواهد انباشت که کینه از دل مردمان رخت بربندد و حتی وحوش نیز با یکدیگر از در صلح در آیند (طبرسی، ۱۴۱۳: ۷۰).

#### و، جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی (وفاق و همبستگی)

یکی دیگر از آثار و نتایج فرهنگ انتظار، رسیدن به ارزش‌های اخلاقی و همبستگی اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن همبستگی و اتحاد نباشد، زوال آن جامعه موجب فرو ریزی ساخت جامعه و ازهم پاشیدگی حیات اجتماعی خواهد بود. فرهنگ انتظار می‌تواند در ایجاد ارزش‌های جدید و ناب زمینه را جهت پیوند و اعتماد عمومی و احساس هویت جمعی رهگشا باشد. زمانی که بین فرهنگ‌های مختلف پیوند برقرار شد، این فرهنگ‌ها می‌توانند، در ساخت فرهنگ مشترک همکاری و همیاری داشته باشند.

روش امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت و زندگی سیاسی وی بر محور صلح بوده و صلح‌گرایی در تعالیم و سیره امام علی (علیه السلام) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. ابن میثم در شرح نهج‌البلاغه می‌گوید:

هدف مورد نظر و خواست واقعی امام علی (علیه السلام) نیز از جنگ و صلح هدایتگری است. بر این اساس حضرت در تمامی جنگ‌ها به دنبال این بود که جنگ را به تأخیر اندازد و هدایت‌یابی منحرفان را از طریق مسالمت‌آمیز انتظار داشته باشد. بدین امید که شاید

افرادی را جاذبه عنایت خداوندی دریابد و لطف حق سبب پیوسته شدنشان به راه خدا گشته هدایت یافته و به نورانیت روشنائی، کمال و سعادت راه یابند و دیدگان شان به نور رفتار و کمال امام روشن شود (بحرانی، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۳۱۲).

هدایت یابی منحرفان بدین طریق نزد امام دوست داشتنی تر بود از این که آنها را در عین گمراهی و ضلالت بکشد (نهج البلاغه، خطبه ۵۵). لذا در نگاه لطیف و انسانی علی علیه السلام و در جهان بینی الهی آن موحد راستین صلح موهبتی الهی و بستر مناسب روابط انسانی و مایه آرامش لازم برای رشد همگانی است. امام علی علیه السلام جنگ و خونریزی را شر و بدی و صلح را خیر و نیکی دانسته است (نهج البلاغه، خطبه ۴۳).

گفتار و کردار علی علیه السلام در زندگی، در تقبیح دشمنی و جنگجویی و کشتار و تحسین صفا و دوستی و برادری، و همچنین تعاون و همکاری با همدیگر است. او به خاطر صلح، به تعاون و همکاری دستور می دهد و خود در این راه صمیمانه می کوشد. زیرا وی معتقد است که صلح باعث آرامش و امنیت کشورهاست (کوثری و دیگران، ۱۳۹۷ ش: ۱۰۷-۱۲۸).

لذا مهرورزی، دادگستری و وفاق و همبستگی از دیگر آثاری است که در نهج البلاغه بر آن تأکید شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مهدی عجل الله تعالی فرجه از یاران خود، پیمان می ستاند که دزدی نکنند، به زنا آلوده نشوند، بی جهت کسی را نکشند حریم محترمی را هتک نکنند و مسلمانی را دشنام ندهند، بر استراحتگاهی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند (سید ابن طاوس، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۲).

### ۳. تجزیه و تحلیل داده ها

بین مقولاتی که در باب آثار و نتایج فرهنگ انتظار که مورد اشاره قرار گرفت و حضرت علی علیه السلام به انحای گوناگون آنان را به کارگزاران دولتی، به جامعه و مردم خود سفارش کرده است، نسبت معناداری با یکدیگر دارند به طوری که اولویت قائل شدن برای هریک از آنان کمی سخت بوده و دارای درهم تنیدگی و بهم پیوستگی خاصی است. با این حال در بین شش آثار و نتایج فرهنگ انتظار ذکر شده، بیشترین آن مربوط به احساس حضور و نظارت امام عصر (تقوای الهی) است و جهاد با نفس و رسیدن به ارزش های اخلاقی (وفاق و همبستگی)؛ ایجاد روحیه مقاومت و پیشرفت (حرکت و پویایی)؛ اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران (جهاد با نفس)؛ امیدبخشی در برابر ظلم و فساد (ظلم ستیزی)؛ قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی (مقام بندگی)؛ به ترتیب در ردیف بعدی هستند.

از تحلیل محتوایی این مقولات چنین برمی‌آید که فرد منتظر در فرهنگ انتظار بیشترین کار را باید در این امر صرف کند که همیشه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظر بر رفتار خود بداند و احساس حضور حضرت را در زندگی خود درک کند. لذا عنصر اجتماعی بر عنصر فردی غلبه خواهد داشت. به عبارت دیگر، آنچه که در دیدگاه اندیشه امام علی علیه السلام مورد توجه است، عنصر اجتماعی است تا فردی.

احساس حضور حضرت در فرهنگ انتظار داری نتایجی است که از جمله آنها، رسیدن به ارزش‌های اخلاقی و وفاق و همبستگی و دوری از تفرقه است. این امر میسر نمی‌شود مگر با جهاد با نفس. رعایت حقوق دیگران و احترام به دیگران، باعث ایجاد روحیه مقاومت در مقابل استکبار جهانی و مدعیان ظلم و فساد می‌باشد.

بنابراین اگر جامعه دچار نوعی گسست و چنددستگی شود، این امر مانع از شکل‌گیری آثار و نتایج فرهنگ انتظار است. امام علی علیه السلام در کلام و در نهج البلاغه بر این امر هم سفارش می‌کند و هم تأکید. وقتی که اجماع حاصل شد و نظام سیاسی مستقر شد، می‌بایست حکومت اثربخشی خود را در ایجاد هویت دینی به نمایش بگذارد که همین امر باعث می‌شود تا دولت، تمام ابزارهای خود را برای آن به کار ببرد تا اعتماد مردم را کسب نماید. بدین ترتیب، فرهنگ انتظار معنا پیدا می‌کند. یکی از راه‌های جلوگیری از برهم خوردگی جامعه و عدم هماهنگی بین باورها، پذیرش، رفتار و احساس تعلق است که باعث بحران هویت دینی در جامعه می‌شود.

| رتبه شاخص‌ها | درصد شاخص به هدف | فراوانی | مؤلفه                                                    |
|--------------|------------------|---------|----------------------------------------------------------|
| ۶            | ۲/۷۷             | ۳۸۰     | قرب به حق تعالی و تکامل روحی و معنوی (مقام بندگی)        |
| ۵            | ۹/۸۹             | ۱۳۵۴    | امیدبخشی در برابر ظلم و فساد (ظلم‌ستیزی)                 |
| ۱            | ۲۸/۵۱            | ۳۹۰۳    | احساس حضور و نظارت امام عصر (تقوای الهی)                 |
| ۴            | ۱۴/۷۰            | ۲۰۱۳    | اطاعت از اوامر الهی و خودسازی خود و دیگران (جهاد با نفس) |
| ۳            | ۲۱/۰۵            | ۲۸۸۲    | ایجاد روحیه مقاومت و پیشرفت (حرکت و پویایی)              |
| ۲            | ۲۳/۰۵            | ۳۱۵۶    | جهاد با نفس و رسیدن به ارزش‌های اخلاقی (وفاق و همبستگی)  |
| ۶            | ٪۱۰۰             | ۱۳۶۸۸   | جمع                                                      |

جدول شماره ۱ - تجزیه و تحلیل داده‌ها

## نتیجه‌گیری

با بررسی کلام امام علی (علیه السلام) و نهج البلاغه، معلوم می‌شود که فرهنگ انتظار آثار و نتایجی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مقام بندگی؛ ظلم‌ستیزی؛ تقوای الهی؛ جهاد با نفس؛ حرکت و پویایی و پیشرفت و وفاق و همبستگی می‌باشد.

از نکات قابل توجه: اولاً؛ یافته‌هایی که از آثار و نتایج فرهنگ انتظار در کلام امام و نهج البلاغه به دست آمده، ارتباط معنادار و پیوسته میان مؤلفه‌ها و مقولاتی بود که در بالا بیان شده است. مؤلفه‌ها در کنار هم قرار گرفته و فرهنگ انتظار را که امروزه به آن توجه می‌شود، قابل مشاهده است. از محتوای کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین برمی‌آید که فرهنگ انتظار و آثار و نتایج آن از دیدگاه ایشان، هماهنگی بین باور، رفتار، پذیرش و مبتنی بر کسب رضایت الهی، برای همگان است. بنابراین مؤلفه‌های شش‌گانه آثار و نتایج در نهج البلاغه نسبت معناداری بین آنها وجود دارد و عدم هماهنگی بین آنها، باعث عدم شکل‌گیری آثار فرهنگ انتظار در جامعه خواهد شد. ثانیاً؛ گرچه آثار و نتایج فرهنگ انتظار نیازمند دقت نظر بیشتری است و شاید در آینده مقولات و مؤلفه‌های دیگری نیز به آن افزوده شود و یا مفاهیم مرتبط به آن تغییر یابد. ثالثاً؛ اگرچه در این پژوهش بر آن نبودیم که شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آثار و نتایجی که دیگران گفته‌اند را بر نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) مورد سنجش قرار دهیم، بلکه درک درست از فرهنگ انتظار در اندیشه امام علی (علیه السلام) مدنظر بوده است.

از یافته‌های این پژوهش چنین برآمد که آثار فرهنگ انتظار از دیدگاه اسلام بر اصولی مشخص استوار است که در صورت تخطی از آن پایه‌های جامعه نیز متزلزل خواهد شد و جامعه دچار ورطه سقوط قرار می‌گیرد. در این میان، کارگزاران حکومتی، رهبران و نخبگان جامعه نقش آنها در این عرصه پررنگ‌تر است. بنابراین تربیت نیروهای جوان جامعه با هویت دینی باعث می‌شود که کارآمدی حکومت افزایش پیدا کند. آنچه که حضرت علی (علیه السلام) در باب فرهنگ انتظار و آثار آن به کارگزاران خود سفارش می‌کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای جوامع اسلامی و غیراسلامی باشد تا مناسبات خود با مردم را منظم سازند و شاهد هرچه زودتر ظهور آن منجی منتظر باشیم.

## منابع

قرآن کریم

## نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن حسین (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۳. الادری، حسین (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ انتظار*، سایت آیت‌الله مکارم شیرازی: <https://makarem.ir/main.aspx?lid>
۴. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰ش)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران: آگاه، دوم.
۵. بحرانی، ابن میثم (۱۳۶۲ش)، *شرح نهج البلاغه*، بی‌جا: دفتر نشر الکتاب، دوم.
۶. بلخی مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۷ش)، *مثنوی معنوی*، تهران: انتشارات آتشیان.
۷. پورسیدآقای، سیدمسعود (۱۳۸۶ش)، «مهدویت و رویکردها»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴.
۸. حر عاملی، محمدحسن (بی‌تا)، *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، به اهتمام: ابوطالب تجلیل تبریزی، بی‌جا: بی‌نا.
۹. حسین زاده، علی و دیگران (۱۳۹۷ش)، «شناسایی و سنخ‌بندی زمینه فرهنگی اجتماعی توسعه ملت‌ها با تأکید بر دیدگاه نهج البلاغه»، *فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه*، شماره ۲۳.
۱۰. خوانساری، جمال الدین (۱۳۷۳ش)، *شرح غرر الحکم*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۴ش)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، قم: انتشارات ذوی القربی.
۱۲. سحرخوان، محمد (۱۳۹۹ش)، «راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم»، *فصل‌نامه مطالعات علوم قرآنی*، شماره ۲.
۱۳. سوزنچی، حسین (۱۳۸۳ش)، «مهدویت و انتظار در اندیشه استاد مطهری»، *فصل‌نامه قبصات*، شماره ۳۳.
۱۴. سید ابن طاوس، ابوالقاسم علی بن موسی (۱۴۰۸ق)، *الملاحم والفتن*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۱۵. سیدنژاد، سیدصادق (۱۳۷۹ش)، *چهل حدیث امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)* در کلام امیرالمؤمنین، قم:

انتشارات مسجد جمکران.

۱۶. شفیع سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۸ش)، *مهدویت، اندیشه نامه انقلاب اسلامی*، تهران: نهضت نرم افزاری.

۱۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۱ش)، *گفتمان مهدویت: سخنرانی ها گفتمان سوم*، قم: بوستان کتاب.

۱۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه الله صافی، اول.

۱۹. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۱۳ق)، *الاحتجاج*، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی، قم: انتشارات اسوه.

۲۰. فهیمی، علی مدد (۱۳۹۷ش)، *نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش فرهنگ انتظار*، تهران: همایش بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱ق)، *الکافی*، تهران: مکتبه الصدوق.

۲۲. کوثری، محمد علی و دیگران (۱۳۹۷ش)، «صلح طلبی امام علی و ارائه الگوهای عملی تحقق صلح و جلوگیری از جنگ در سیره ایشان»، *فصل نامه علمی پژوهشی پژوهش های نهج البلاغه*، شماره ۵۹.

۲۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۲۶. نعمانی، ابن ابی زینب (بی تا)، *کتاب الغیبه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

۲۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق.

۲۸. نوروزی و همکاران (۱۳۹۰ش)، «موانع و آفات انتظار»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۷.

29. Glock, C. Y., & Stark, R. (1965); *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally.

## The appearance of Mahdaviat in education with the approach of the educational philosophy of expectation in schools

Dr. Mohammad Hossein Sadeghi Darvishi<sup>1</sup>

Amina Afshar<sup>2</sup>

Reza Ahmadi<sup>3</sup>

### Abstract

Education, which is one of the characteristics of the human world, believes that in order to achieve ideal goals, people should be placed in the light of education. and it is outstanding. The effort of this article is to be able to respond to the educational and educational needs of the emerging age by describing the views of education experts and teachers and the systematicity of educational programs. From the methods of processing and describing the data, it shows that, despite the efforts of caring and hardworking teachers, not only purposeful effort is not observed, but in books such as the lesson of heavenly gifts and Islamic teachings in all three stages, a purposeful program There is no way to spread the idea of Mahdaviat and educate those who are waiting. Therefore, the effort and effort to achieve this goal is necessary and necessary in education.

**Keywords:** Education, training, Mahdaviat, waiting, schools

- 
1. Ph.D. in Qur'an and Hadith Sciences, assistant professor of educational officer at Farhangian University of Lorestan, Iran(msd13126@gmail.com)
  2. Doctoral student of Quran and Hadith Sciences, Karaj branch, Iran(Responsible Author) (afshar.a4410@gmail.com)
  3. Master of Management(R.ahmadi20209@gmail.com)



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره چهل و چهارم / سال یازدهم / بهار ۱۴۰۲

## مهدویت در تعلیم و تربیت با رویکرد فلسفه تربیتی انتظار در بستر مدارس

محمدحسین صادقی درویشی<sup>۱</sup>

آمنه افشار<sup>۲</sup>

رضا احمدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۶

### چکیده

تعلیم و تربیت که از شاخصه‌های جهان انسانی است، بر این باور است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف آرمانی، باید در پرتو آموزش و پرورش قرار بگیرند. در این بین، نقش این نهاد، با تأکید بر محوریت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار حائز اهمیت و برجسته است. سعی این مقاله، بر آن است که با شرح دیدگاه صاحب نظران تعلیم و تربیت و نظام مند بودن برنامه‌های آموزشی، بتواند پاسخگوی نیازهای آموزشی و تربیتی مطابق با عصر انتظار و ظهور باشد. یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش‌های پردازش و توصیف داده‌ها می‌باشد و به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است، نشانگر این است که، در عین تلاش معلمان دلسوز و زحمتکش، در محتوای کتاب‌هایی نظیر درس هدیه‌های آسمانی، قرآن و معارف اسلامی در هر سه مقطع، برنامه‌ای هدفمند در جهت گسترش تعلیم اندیشه مهدویت و تربیت منتظران وجود ندارد. بنابراین شایسته است که از بدو آموزش تا پایان مراحل آموزش، علما و عملاً دانش‌آموزان را با فرهنگ واقعی قرآن و نهج البلاغه (با محوریت امامت و مهدویت) و با اختصاص ساعات بیشتر این دو منبع نورانی، در تمام مقاطع و همچنین تربیت معلمینی متخصص در این حوزه به معنای واقعی مهدویت آشنا کنیم. بنابراین تلاش و همت مضاعف برای نیل به این هدف، در آموزش و پرورش لازم و ضروری است.

### واژگان کلیدی

تعلیم، تربیت، مهدویت، انتظار، بستر، مدارس.

۱. استادیار و مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان لرستان، ایران (msd13126@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث (واحد کرج) (نویسنده مسئول) (afshar.a4410@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی (R.ahmadi20209@gmail.com).

## مقدمه

اعتقاد، اصل اساسی شخصیت آدمی است که اعمال و رفتار انسان را تشکیل می‌دهد، از این رو نه فقط صاحب نظران تعلیم و تربیت دنیا بلکه تمام انبیای الهی برای اصلاح عقاید مردم، همواره در تلاش بودند تا باورهای مردم را بر پایه‌های الهی و به دور از هرگونه تفکرات شیطانی و خرافی آموزش دهند. در دین مبین اسلام، اعتقاد به اصول توحید، نبوت، امامت و همچنین اعتقاد به مسئله منجی که ادامه طریق امامت و اولوالامراست، در کتاب‌های آسمانی و دیگر متون دینی بسیار مهم و مورد تأکید است. چرا که شناخت امام، جایگاه مهمی است و پایه سعادت دنیا و آخرت انسان را رقم می‌زند. ضمن این که وعده‌های الهی قرآن کریم و روایات دلالت بر این دارد که سرانجام زمین، از آن وارثان و مومنان واقعی است. همان گونه که در آیات متعدد به آن اشاره شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (نور: ۵۵) و... اینها همه تأکید است بر اعتقاد به امام و ضرورت شناختن او که پس از پیامبر ﷺ، پیروی از امام، مسیر مستقیم الهی است و هر کس که بخواهد به خداوند ایمان داشته باشد و از او اطاعت کند باید از رسولش «وَمَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰) و همچنین به تبعیت از رسول خدا ﷺ در سفارش ویژه آن حضرت به اشاره مستقیم در آیه مبارکه لَا «أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳) امام زمان خود فرمان برد و لازمه فرمانبرداری، شناختن امام و پذیرش امامت اوست. جایگاه امامت در سراسر متون دینی مسلمانان دیده می‌شود. به طوری که در روایات فراوانی ذکر می‌شود که زمین هرگز از حضور امام خالی نخواهد شد. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷): زمین هیچ‌گاه از حجت قائم الهی خالی نمی‌ماند. خواه آشکار و مشهور باشد یا ترسان و پنهان از دیده‌ها. تا حجت‌ها و نشانه‌های روشن دین خدا از میان نرود. اگر حجت خدا (امام معصوم) نباشد، زمین با اهلش نابود می‌گردد. «لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: باب ۸، ۱۵۵). قطعاً فلسفه وجودی حجت خدا در زمین، اتمام حجت بر مردم است تا در آن دنیا کسی دلیلی بر انجام بدی‌های خود نداشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾ (نساء: ۱۶۵)؛  
رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند تا آن که پس از فرستادن  
رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد.

اگر حجت نباشد، قیامت فرا می‌رسد و راه توبه بر بندگان بسته می‌شود. چراکه هرامتی  
شاهد و گواهی دارد و باید در بین آنها باشد و این دلیل قرآنی دارد آن جا که می‌فرماید:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۴۱)؛  
پس چگونه خواهد بود آن گاه که از هر امتی گواهی (از خودشان) بیاوریم و تو را نیز بر آنان  
گواه آوریم؟!

بنابراین این نوع تربیت بسیار حائز اهمیت است. زیرا که نگاه امیدوارانه به آینده بشریت  
است. جامعه‌ای که آرمانش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه‌ای امیدوار است و در  
ذیل دیانت به حرکت و نشاط و پویایی امید دارد و از یاس و ناامیدی در امان است. به آینده  
زیبا امید دارد و به اصلاح خود و جامعه می‌پردازد و با ارزش‌ها و عقاید اسلامی در جهت مقابله با  
تهاجمات فرهنگی دشمن و بسترسازی جهت ترویج فضایل اخلاقی در بین مردم و جامعه گام  
برمی‌دارد. به‌ویژه که شناخت عمیق افراد نسبت به امام زمان‌شان با افزایش عشق و محبت به  
او، زمینه اطاعت از امام را در عرصه عملی فراهم نماید. همچنین جامعه‌ای که به عدالت  
علوی و مهدوی دل بسته است و مقصدش تحقق عدالت در همه جهان و برچیره شدن ظلم و  
ستم از همه جای زمین است، حرکتی عدالت‌جویانه را در پیش می‌گیرد و برای آن بسترسازی  
می‌کند. همین جاست که حرکت‌های عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی شکل می‌گیرد و گسترش تفکر  
و فلسفه مهدوی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد شده و مردم با همین  
انگیزه تمام امکانات مادی و غیرمادی را در این مسیر به کار می‌بندند.

حال سؤال اصلی این است که چگونه می‌توانیم جامعه‌ای با سیمای مهدوی در راستای  
تعلیم و تربیت با رویکرد فلسفه تربیتی انتظار در بستر مدارس بسازیم. در این پژوهش سعی بر  
این است که راه‌ها و روش‌هایی در پرورش معلمان و مربیان، متربی‌ان، متونی آموزشی و  
همچنین مدارس با ویژگی‌های عصر انتظار و ظهور را مورد بررسی قرار دهیم. شاید که در این  
جهت گامی اساسی برداشته شود. در این پژوهش، روش گردآوری، به صورت کتابخانه‌ای و به  
شیوه توصیفی - تحلیلی است. البته همواره دانشمندان عرصه تعلیم و تربیت، از منظرهای  
متفاوت در این عرصه گام برداشته‌اند. هر چند در ارتباط با این موضوع، پژوهش‌هایی نیز

تاکنون انجام گرفته است، ولی تا به حال پژوهشی کارکردی و مستقل در این زمینه صورت نگرفته است. در زیر به گونه مختصر و نمونه، کارها و پیشینه‌ای که در این رابطه انجام شده است را از نظر می‌گذرانیم:

آقایان کریمی عقدا و اشکذری (۱۴۰۰) در مقاله تحلیل‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، با تأکید بر مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور معتقدند: «با وجود حاکم بودن مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های تربیتی سند مذکور، توجه بیشتر به مؤلفه‌های تربیت در ساحت‌های زمینه‌ساز تربیت زیستی و بدنی و زیباشناختی و هنری ضروری به نظر می‌رسد».

آقای کارگر شورکی و پاک‌نژاد (۱۴۰۰) در مقاله آینده‌پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی، با رویکرد همگرایی فناوریانه می‌نویسند: «یافته‌های این مطالعه می‌تواند مسئولان نظام تعلیم و تربیت دینی و مهدوی را در مواجهه آینده‌نگرانه با جریان توسعه علم و فناوری، به ویژه فناوری‌های همگرا راهنمایی کند».

آقای مرزوقی (۱۳۸۷) در مقاله سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس رویکردی: به فلسفه تربیتی انتظار می‌نویسد: «یافته‌های مزبور، این پرسش اساسی را مطرح می‌سازد که چرا از پتانسیل ظرفیت‌های آموزش و پرورش «در مسیر تربیت مهدوی کشور» به‌طور مناسب استفاده نمی‌شود؟ آیا باور و اعتقاد به مهدویت و منجی اساس تفکر و باورهای شیعی را تشکیل نمی‌دهد؟». ایشان در این مقاله چند پیشنهاد را مطرح نموده‌اند. متأسفانه با وجود این که این پیشنهادات و همچنین برنامه‌های دیگری از دیگر صاحبان نظر در زمان‌های متفاوت، مورد آزمایش هم قرار گرفتند، اما پاسخی مثبت و عملکردی از نظام تعلیم و تربیت، هنوز در گسترش تفکر مهدویت، دریافت نشده است. حال جهت وارد شدن به اصل پژوهش و روشن شدن موضوع به مفاهیم تربیت مهدوی و تعلیم و تربیت در این راستا می‌پردازیم:

### مفهوم تربیت مهدوی

با پرورش معلمان و مدیران متخصص و معتقد به فرهنگ امامت، مهدویت و جامعه عصر ظهور به نتایج بهتری خواهیم رسید. دین مبین اسلام که آخرین دین الهی است، مجموعه‌ای از آموزه‌های تربیتی است که با فطرت کل بشر عجین و هماهنگ و به تعبیری زبان مشترک بشریت است. در جای جای قران کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای تمام مراحل زندگی انسان،

تعلیمات و معارفی والا توصیه شده است. خالق که خود، این بشر را خلق کرده است، برای هدایت و سعادت او در این مسیر تربیتی به ارسال رسل پرداخته است. برپایی حکومت عادلانه همواره در طول تاریخ از اهداف پیامبران صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. برای تحقق چنین محیط و چنین تربیتی، حضور و برکت امام عادل در جامعه ضروری است. براساس اعتقادات شیعیان، با ظهور آخرین امام معصوم علیه السلام، جهان مملو از عدالت خواهد شد. از آن جایی که این امام همام در غیبت به سر می برد، شایسته است که زمینه های ظهور فراهم گردد و برای رسیدن به جامعه متعادل و منطقی تمام همت ها به کار گرفته شود. چراکه تا زمانی که انسان ها پذیرای حضور امام در جامعه نباشند، امر ظهور میسر نمی شود. این جاست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: چهار دلیل باعث شکست «دولت ها و حکومت ها» می شود: اول: ضایع کردن اصول (مسائل مهم)؛ دوم: سرگرم شدن به فروع (امور کم اهمیت)؛ سوم: به کار گماردن آدم های پست و چهارم: کنارگذاشتن انسان های فاضل «يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ» (آمدی، ۱۴۱۰: ق: ۳۴۲).

بنابراین از دو دیدگاه و در دو سطح، می توان تربیت را در پرتو کلام نورانی قرآن کریم و نهج البلاغه و... مورد بررسی قرار داد تا به تربیت مهدوی رسید: «نخست: آموختن علم و مهارت و توانمند کردن دانش آموزان امروز برای برآوردن نیازهای فردا؛ دوم: پرداختن به ارزش های والای انسانی و اخلاقی در جهت رسیدن به تکامل آدمی» (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

از نگاه اول: «آموزش و پرورش در تمام جهان از جمله در کشور ایران به پیشرفت های فراوانی دست یافته است. و نمونه های آن را می توان در تمدن اروپای نوین و اختراعات و اکتشافات علمی در کشورها مشاهده نمود. در این نوع تفکر، روش های نوینی ابداع شده و با ابزارهای کمک آموزشی و روش های فنی و آماری می توان موفقیت های حاصله را ارزیابی کرد» (همان).

ولی در دیدگاه دوم آنچه که مطرح می شود این است که:

آموزش ها به خودی خود نمی تواند هدف واقعی باشد و اینها تنها وسیله هایی است که اگر بد استفاده شود زیان آور است و اگر درست به کار گرفته شود ما را به مقصود عالی می رساند. در این تفکر، رفاه و آسایش اگرچه خوب است ولی هدف محسوب نمی شود. چراکه اگر هدف، آسایش و رفاه بود این همه مکاتب نیهیلیسم و طرفداران آن به وجود نمی آمد (همان: ۱۹۴).

در تفکر دوم آموزش و پرورش زمانی ارزشمند است که به تربیت ارزش‌های والای انسانی (تربیت مهدوی) توجه کند و رضایت‌مندی و آرامش درونی را برای هر فرد فراهم کند و در هر کشور و در هر مقطع زمانی یکی را بر دیگری ترجیح داده و برنامه‌های درسی را با آن هدف هماهنگ کند.

### تعلیم و تربیت در اسلام

صاحب‌نظران دین مبین اسلام اعتقاد دارند که آنچه که از آموزه‌های دینی (آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام) درک می‌شود این است که خدای مهربان انسان را به حال خود رها نفرموده است: «خداوند متعال انسان را صاحب کرامت و عظمت دانسته و برای سعادت و هدایت او برنامه‌ای مدون کرده است. این برنامه متناسب با خلقت آفرینش اوست. چرا که خالق از احوال مخلوق آگاه تر است» (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۷).

در واقع اسلام یک مکتب تربیتی انسان‌ساز است و تنها هدف، پرورش انسان به سوی کمال است. مکتبی که کمک می‌کند تا استعدادهای فطری و انسانی خود را بشناسد و سپس آنها را در جهت رسیدن به کمال روح سوق دهد.

با مطالعه در آنچه که تحت عنوان تربیت و مسائل تربیتی در اسلام ذکر شده است می‌توان گفت: تربیت دانش و فرایندی است برای ساختن و سوق دادن یک شی تا حد مطلوب و کمال آن شیء که حاصل آن، انسانی است متفکر، مؤمن، متعهد، و مسئول که در برابر محیط‌های ارزیاب و در جنبه رفتار، عامل به یافته‌های مکتب است: «این تربیت، هدایت و حرکت جریان‌داری است که حاصل آن تکامل بشر است. به گونه‌ای که او را به سوی الله، هدایت می‌کند. هدایتی که با فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او می‌تواند کمال بینهایت را به همراه داشته باشد» (قائم، ۱۳۷۸: ۲۷).

### تربیت و ویژگی‌های تربیتی در جامعه مهدوی (عصر ظهور)

بی‌شک تحقق هر نوع آموزش و مهارتی مستلزم محیطی است که ما را در جهت رسیدن به آن هدف یاری نماید و بستر یا محیطی که می‌تواند ما را به راحتی در این مسیر قرار دهد، محیطی است که تمام شرایط این رشد را داشته باشد. محیطی که در طول تاریخ برای بسیاری از پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام محقق نشد و جامعه براساس این تفکر، برای رسیدن به آن محیط منتظر است و این باور از مبانی اعتقادی او می‌باشد. در این میان مفسران بزرگ به

آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند و معتقدند که این آیات، آیات بشارت‌دهنده در عصر ظهور است. این ویژگی‌های مطرح شده، در هیچ زمانی محقق نشده است و تحقق آن، تنها با برپایی حکومت جاودان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان‌پذیر است. همان‌گونه اراده الهی بر این است که سرانجام وعده الهی تحقق می‌یابد و مظلومان عالم، پیشوایان و وارثان حقیقی عالم خواهند شد:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكَرِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص: ۵-۶).

همچنین تأکید قرآن بر جانشینی و خلافت و تمکن گروه صالحان ستم دیده است تا این باور بر تمام عقاید غیرحق، استیلا و غالب گردد و البته بشارت این عده‌های الهی این‌گونه آمده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵).

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳).

جای تردید نیست که این طرز تفکر و باور زندگی مهدوی باید در تمام مسیر رشد و تکامل به فرد آموزش داده شود تا بتواند با این دنیای پر از کمال، ارتباط معنایی برقرار کند. این موضوع منافاتی با درک فانی بودن جهان و جاودانگی آخرت ندارد. چرا که هر عاقلی در مسیر وصول به کمال، آرزوی زندگی در محیطی پاک را دارد که بتواند بهتر و زودتر به مقصود الهی دست یابد. زندگی در پرتو آخرین ولی و خلیفه الهی با آن شرایط و اوصافی که در متن روایات اسلامی مطرح شده است، هر فرد معتقدی را مشتاق می‌کند که بتواند در محضر ایشان، آن نوع حیات را تجربه کند.

در این میان بسیاری از محققان تربیتی علوم اسلامی که بر این باورند که این نوع تفکر و باور باید از دوران کودکی برای کودکان نهادینه شود و بسیاری هم معتقدند که هر بخش از شخصیت این خلیفه الهی باید متناسب با درک و فهم کودکان و نوجوانان و بزرگسالان آموزش

داده شود. بسیار واضح است که این بسترسازی محقق نمی‌شود مگر با باور به این تفکر و با استمداد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در حالی که باید این طرز فکر در عصر ظهور نهادینه شود تا همگان بدانند بسترسازی تربیتی عصر ظهور همان یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق حکومت مهدوی است:

یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آموزه‌های دینی به دو گونه است: نخست: تمنا و آرزوی یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که عزم اراده حقیقی و اشتیاق قلبی و صدق و یقین باشد. یعنی با اشتیاق و اراده تعمیم داشته باشد که هرگاه ایشان ظهور کنند، ایشان را یاری نماید. دوم: آن که هم نصرت و یاری اسلام در قلب او باشد و هم به واسطه خرابی و نابه‌سامانی آن محزون باشد (فقیه ایمانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

این تفکر انسان را وادار می‌سازد برای رهایی از درد و رنج و به جهت یاری امام خویش دست به اقدام و عمل بزند و خود و دیگران را از این وضعیت نجات دهد. چنین باوری تنها با مطالعه در متون دینی محقق نمی‌شود، چرا که باورهای ما زمانی ما را به حرکت وادار می‌کند که با آنها رشد کرده باشیم. «به عبارت دیگر، صرف بیان معارف و توضیح مضامین و محتویات وحی به تنهایی موجب تربیت دینی نمی‌شود، از جمله الزامات تربیت دینی، یادگیری تعالیم دینی براساس تفکر و تأمل و عمل به آن در عبادات و شعائر است» (مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۴۲۸).

### بسترسازی‌های تربیتی در جامعه مهدوی

بر هیچ‌یک از صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت پوشیده نیست که شکل‌گیری اولیه شخصیت افراد در خانواده پایه‌گذاری می‌شود و می‌توان با صراحت بیان داشت که خانواده، اولین بستر تربیتی در جامعه عصر ظهور است. اما آنچه که ما در این مقاله به آن می‌پردازیم، بستر اجتماعی مدرسه است که اگر با بستر خانواده همسو و همفکر باشد، نتایج بسیار عظیمی را به همراه خواهد داشت.

همان‌طور که مفهوم آموزش و پرورش نشان می‌دهد، هدف محیط‌های آموزشی تنها سوادآموزی و کسب معلومات و آگاهی‌های درسی و علمی نیست. در فرایند تربیت، در ذهن و روح متربی توسط مربی، پیوندی معنوی بر محیط آموزشی حاکم می‌شود. این امر شرط سازندگی انسان‌ها و پرورش اندیشه در درون آنهاست و خود محتوای اصلی تربیت را تشکیل می‌دهد. امکان دارد فرد از محیط‌های دیگری غیر از آموزشگاه هم آگاهی‌هایی به دست آورد و حتی در مسیر خانه تا مدرسه نیز مطالبی را کسب کند. ولی تعارض‌های درونی را تنها از طریق

محیط آموزشی حل خواهد نمود. شخصیت معلمی که به تربیت منش و اخلاقیات او اقدام می‌کند باید به گونه‌ای باشد که او را از انحراف‌های اخلاقی و جریان‌های غیرسالم اجتماعی باز دارد و اندیشه‌ای قوی برای مقابله با آنها به وجود آورد: «نقش معلم و برنامه‌های آموزشی او در محیط آموزشی موجب تغییر رفتار و یا در واقع محقق هدف مهم تربیتی است و غیرقابل انکار است که شالوده شخصیت کودکان در مدرسه پایه‌گذاری می‌شود» (سلیمان نژاد، ۱۳۹۲: ۲۹).

### تربیت معلمان مهدوی

شکی نیست که پیامبران الهی به عنوان اولین معلمان بشریت و بعد از آنها امامان معصوم علیهم‌السلام در رشد و شکوفایی عقل بشری اقدامات فراوانی انجام دادند و انسان‌ها را از گمراهی نجات دادند، اما پیروی از دستورات آنها، هم باید با روش‌های عاقلانه باشد و هم عاشقانه. واژه عشق به ندرت در جریان آموزش و پرورش ذکر می‌گردد. این واژه به نظر نمی‌رسد در دنیای نتایج تحصیلی و آزمون‌های استاندارد، جایگاهی داشته باشد. در دنیایی که تکیه بر بی‌ارزش‌ها، به عنوان کیفیتی مطلوب پذیرفته شده است، نگرش به عشق به عنوان یک ضعف محسوب می‌شود. حداقل فرهنگ ما با این واژه مأنوس نیست. در حالی که منابع عرفانی و ادبی ما از این تعلیمات غنی و بی‌نظیر است و «غفلت از روح، اصالت فرد را در جامعه مورد تهدید قرار می‌دهد» (جان. پی، میلر، ۱۳۸۰: ۱۸).

در جامعه منتظر علاوه بر رشد عقلی و پیشرفت‌های فراوان، باید تفکر عاشقانه به امام منتظر داشته باشیم و اگر در مسیر رسیدن به کمال جهاد می‌کنیم، علاوه بر جهاد اکبر و جهاد اصغر باید عشق را در وجود خود و دانش‌آموزان پرورش دهیم. در راه معشوق، تربیت روحیه کمال طلبی تنها با تربیت عاشقانه محقق می‌شود: «نمونه تربیت عاشقانه را می‌توان در زندگی پیامبران الهی مشاهده نمود. به عنوان مثال: تربیت عاشقانه سبب شد تا حضرت ابراهیم علیه‌السلام در جهاد عاشقانه در مقابل نمرود پیروز شود. همچنین نهضت خونین سالار شهیدان نمونه والا و راستین چنین عشقی است. عشقی که سال‌هاست در تاریخ جاودانه مانده است... و ما اگر بخواهیم کودکان و نوجوانان را با عشق امام منتظر و تلاش برای قیام او تربیت کنیم، نمی‌توانیم از تفکر و تربیت عاشقانه غافل شویم (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۳-۱۹۶).

در آموزش مفاهیم و باورهای دینی نباید فراموش کنیم که آموزش اگر از سوی معلمان با انگیزه انجام نگیرد، قطعاً نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت. روشن است که در کلاس-

های درس همه شاگردان هر مطلبی را که معلم درس می‌دهد دوست ندارد، اما علاقه‌مندی و دلسوزی معلم به عنوان الگو، تأثیر بسیار مثبتی در جلب علاقه‌مندی شاگردان دارد. این علاقه‌مندی هم از طریق رفتارهای کلامی و هم رفتارهای غیرکلامی به شاگردان منتقل می‌شود: اغلب محققان، هم حسی را یکی از ویژگی‌های معلمان اثربخش و انگیزش‌آفرین می‌دانند و حتی کودکان سن ابتدایی می‌توانند تفاوت در میزان گرمی و هم حسی معلمان را تشخیص دهند (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

همچنین تحقیقات نشان داده است که:

در نظام تعلیم و تربیت، بین شور و شوق معلم و یادگیری دانش‌آموزان رابطه همبستگی وجود دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۱: ۴۵).

حال فضای کلاسی را تصور کنیم که معلم کلاس، عشق و ارادت خاصی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و با شور و شوق فراوانی در کلاس از او صحبت می‌کند. معلمی که آرزوی آمدن و دیدار او را دارد. از اقدامات و اعمال روزانه خود سخن می‌گوید و حتی هر روز خود را ملزم می‌کند که در کلاس درس امام خویش را یاد کند. و اگر این یادآوری روزانه همراه با فعالیت و آموزش‌های عملی و خلاق همراه شود، چه صحنه‌های زیبایی در کلاس به تصویر کشیده خواهد شد. اما برای تأثیر تربیتی بر روی دانش‌آموزان لازم است که مربی پیوسته به تربیت خود بیندیشد، مثال بارز گفتارهایی چون «رطب خورده منع رطب کی کند» و یا آیاتی چون «لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳) بر این اصل اشاره دارد که فرد مربی باید متعظ باشد و هر لحظه در جهت تربیت خود بکوشد. چراکه تربیت خویشتن مستلزم آموزش مادام‌العمر است. با چنین تفکری و هیچ معلم و مدیری خود را از یادگیری و علم‌آموزی بی‌نیاز نمی‌داند:

چراکه انسان از طریق استمرار تربیت خود، ناگزیر می‌شود در تمامی عمر به آموزش بپردازد و از این طریق در جریان تغییرات جهان بالاخص در عصر و زمانی که تغییرات به سرعت اتفاق می‌افتد، قرار بگیرد. یادگیری مادام‌العمر موجب می‌شود مربی و معلم پیوسته از مربی خود جلوتر باشند و همین امر نفوذ آنان را مستدام می‌سازد. کسی که در بخشی از عمر چیزهایی می‌آموزد و پس از فراغت از تحصیل، خود را مستغنی از دانستن می‌داند، بسیار زود از قافله علم و صنعت و هنر و اخلاق و دین باز می‌ماند و این در حالی است که شاگردان و فرزندان او به دلیل کنجکاوی‌ها و در معرض یادگیری قرار گرفتن‌ها، از او پیشی گرفته. وی را پشت سر می‌گذارند. چنین افرادی به سرعت جایگاه خود را در ذهن و دل مربی از دست می‌دهند و به پدیده‌ای کهنه و غیرقابل استفاده تبدیل می‌شوند (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۹).

باید اذعان داشت که:

از معلم انتظار می‌رود در نقش الگو برای دانش‌آموزان ظاهر شود. او باید معرف شخصیت مطلوبی باشد که جامعه از دانش‌آموزان انتظار دارد به آن دست یابد (جی، پی، میلر، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

ضمن آن‌که باید در نظر داشته باشیم:

اگر چه معلمان الگوهای مهم‌تری در رشد ذهنی دانش‌آموزان هستند، تأثیر و نفوذ آنها معمولاً در برخی زمینه‌ها مانند رفتارهای اجتماعی، اهداف آموزشی، پوشش و رفتار و منش، بارز است (کدیور، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

با نگاهی واقع‌بینانه به معلمان امروز آموزش و پرورش، این واقعیت را بیشتر و بیشتر لمس می‌کنیم که خود را در محضر ظهور از علم و آگاهی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شبهات موجود در پاسخ دادن به سؤالات ساده دانش‌آموزان در خصوص جامعه مهدوی ناتوان می‌بینند. معلم معتقد و عاشق آن حضرت، معلمی است که هر روز و تمام لحظه‌های تدریس و آموزش خود روح و قلب شاگردان خود را به سوی این اشتیاق حرکت می‌دهد و هر روز با روش‌های متناسب درک با گروه سنی دانش‌آموزان کلاس خود، پنجره‌ای از حضور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و باور مهدوی را در شاگردانش پرورش می‌دهد:

البته بهره‌مندی از قصه‌ها و پرورش روح کودکان در مقطع ابتدایی بسیار مورد توجه است و در مقطع متوسطه با توجه به روحیه نوجوانی و بلوغ فکری باید از احساسات و استدلال‌های آنها بیشتر استفاده کند و بستر این نوع تربیت در مدرسی محقق می‌شود که مدیران آن مجموعه نیز چنین تفکری را در آن مجموعه دنبال کنند و به یاری معلمان خود همت گمارند (هراتیان، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵).

چنین معلمانی با راهنمایی‌های مدیر خود در مدرسه می‌توانند اقدامات بسیار مفیدی را انجام دهند. ولی اگر در مدرسه به تنهایی چنین اهدافی را دنبال کنند به موفقیت‌های کمتری خواهند رسید. امروزه آنچه در مدارس و در نظام آموزش و پرورش و بسیاری از مراکز علمی مشاهده می‌شود این است که مدیران ما، بیشتر مدیرانی خدماتی و اجرایی هستند تا این‌که هم اجرایی و تربیتی باشند. مدیران تربیتی با نگاه تربیت انسان‌ها، به رفع مشکلات می‌پردازند ولی مدیران اجرایی تنها با انگیزه به پایان رساندن دوره مدیریت خود، بدون تنش و ارائه تصویری کارآمد از خود به مسئول بالاتر تلاش می‌کنند. بنابراین شایسته است برای رسیدن به عصر ظهور باید به پرورش مدیران تربیتی بپردازیم. همچنین باید اذعان کنیم که نقش و جایگاه مدیران

برای معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان الگوی تربیتی می‌باشد؛ و بدون مدیران تربیتی نمی‌توان به تفکر مهدوی در مدرسه دست پیدا کرد.

### مدرسه‌ای با ویژگی‌های عصر ظهور

در محیطی که دانش‌آموزان کودک و نوجوانان و معلمان به جامعه مهدوی می‌اندیشند و خود را زمینه‌ساز عصر ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند، آماده‌سازی‌های درونی در خود و در جامعه خود ایجاد می‌کنند، آنها به خوبی می‌دانند که انجام فرائض و دوری از محرمات، اولین وظیفه فرد منتظر است. در چنین محیطی اقامه نماز در دستور کار همه قرار دارد و آنها برای رسیدن به تقوای الهی ابتدا به اهمیت و جایگاه نماز می‌پردازند:

بعد از آن‌که آنها توانستند رابطه‌ای میان خود و معبود برقرار نمایند، سایر اعمال عبادی و ترک محرمات نیز مطرح می‌شود. این جاست که می‌توان به بیان معرفت نفس، تفکر و تدبیر در آیات الهی، حبّ و بغض، انتخاب دوستان صالح و همفکر، داشتن عزت نفس، پرهیز از گناهان فردی و اجتماعی از جمله دروغ، عیب‌جویی، سخن‌چینی، حسد، اصلاح بین مردم، خدمت به بندگان خداوند، توکل و اعتماد به خداوند، حفظ حریم دیگران، اتحاد و همبستگی، وفای به عهد، قناعت و به‌طور کلی به آموزش رعایت آداب و سنن انسانی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی پرداخت (مهدوی کنی، ۱۳۸۸).

از دیگر ویژگی‌های بارز این مدرسه محیطی شاد و باانگیزه است. محیطی امیدوار با دانش‌آموزان خوشحال و شادمان. شادی بچه‌ها را می‌توان در هنگام ورزش، در انجام کارهای هنری و در موفقیت‌های تحصیلی مشاهده کرد:

حال تصور کنیم معلمی با تفکر و باور زندگی عصر ظهور تمام شادی‌های شاگردان خود را با یاد و نام حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توأم کند. آیا در چنین لحظات شادی، خاطرات دوران کودکی و یاد و نام آن امام عزیز به جز اثرات مثبت در روح و جان آنها، نتیجه دیگری خواهد داشت؟ در چنین مدرسه‌ای، تمامی دانش‌آموزان و همکاران با روح امید و باور آن، با پویایی و حرکت به سوی پیشرفت گام برمی‌دارند. ما می‌توانیم کودکان و نوجوانان شادی را که برای بهره‌مندی از توانایی‌های شان تلاش می‌کنند تربیت نمائیم (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۰).

### متون آموزشی با ویژگی‌های عصر ظهور

ممکن است برای بسیاری از محققان تعلیم و تربیت این مسئله مطرح شود، نیازی نیست که در کتاب‌های درسی در تمام مقاطع، به تمام زوایای زندگی حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، القاب

ایشان، آیات و روایات مرتبط با ایشان، بررسی تاریخی غیبت‌های ایشان، ویژگی‌ها و... پرداخته شود چراکه هم فرصت زمانی در هر مقطع تحصیلی کوتاه است و هم به جز مسئله امامت، مسائل مهم تری چون توحید، معاد، احکام و... نیز باید در کتاب‌های درسی مطرح شود و اگر فردی بخواهد در زمینه‌های علوم اسلامی به درجات بالایی علمی برسد می‌تواند وارد مراکز علمی علوم اسلامی از جمله حوزه‌های علمیه شده و در آن جا به کسب علوم مذهبی بپردازد. ولی حقیقت این است که اگر هدف حکومت اسلامی رسیدن به جامعه آرمانی مهدوی است، پس بحث مهدویت مسئله جداناپذیر از تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است. و چگونه می‌توانیم از دانش‌آموزان، مکتب انتظار، مقاومت، مبارزه با جباران و خونخواهان را توقع داشته باشیم در حالی که آموزش‌های علمی و عملی در مقاطع مختلف درسی نداشته باشیم؟ توضیح و تکرار بحث غیبت و حضور امام در میان مردم یکی از مباحث مهمی است که به نظر می‌رسد باید به صورت مکرر در کتاب‌های درسی و در کلاس‌های درس یادآوری شود، بحث وجود امام و حضورش در جامعه با لباس غیبت همراه است که لزوم ظهور منوط به آماده‌سازی‌های درونی و اجتماعی است.

تذکار و یادآوری موضوع بسیار مهم است. از نقاط ضعف متون آموزشی این است که در کتاب‌های درسی در سه مقطع، آنچه که در متون یکی از کتاب‌ها بیان می‌شود در سال بعدی و در کتاب بعدی یادآوری و تکرار نمی‌شود و یا به صورت مقدمه‌ای کوتاه صرفاً جهت یادآوری و رسیدن به مباحث جدید مطرح می‌شود. به طور مثال: یک بحث علمی در کتاب ریاضی مطرح می‌شود و در سال آینده با فرض این که دانش‌آموزان آن را یاد گرفته و به کلاس بالاتر آمده‌اند در یک مقدمه کوتاه یادآوری می‌شود؛ اما در خصوص مباحث علوم انسانی و اعتقادی بحث یادآوری به قدری مهم است که آن مقدمات، می‌تواند پایه‌های اعتقادی دانش‌آموزان باشد. پس یادآوری و بیان جامعه عصر ظهور از الزامات درسی تمام پایه‌های تحصیلی می‌باشد. قرآن کریم یادآوری و ذکر را برای مؤمنین سودمند می‌داند: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵). در این میان نیز باید در هر گروه سنی از روایات و کتب متنوعی به ویژه نهج البلاغه بهره گرفت، تا برای آنها قابل درک و جذاب باشد. به عنوان مثال روایت ذیل در خصوص پذیرش غیبت امام در مقطع متوسطه دوم پیشنهاد می‌شود:

مخالفین عصر غیبت سؤال می‌کنند که چه فرقی است به این که امام در روی زمین باشد در حالی که احدی به او نرسد و این که در آسمان موجود باشد؟ در پاسخ می‌گوئیم:

اگر در آسمان به گونه‌ای موجود است که همه اخبار زمین بر او مخفی است، آن وقت فرقی نمی‌کند بین وجود و عدمش، و اگر در آسمان است به گونه‌ای که از همه اخبار زمین مطلع است، پس آسمان و زمین برای او یکی است. و اگر مجدداً سوال شود که اگر از همه چیز مطلع است پس چرا غایب است؟ چرا پنهان است؟ در پاسخ می‌گوئیم در زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غار، پنهان شدند از همه چیز و همه کس آگاه بود ولی از نظر دشمنان و دوستان پنهان گردید، و حال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم، حال همان پیامبر صلی الله علیه و آله است و البته ما یقین نداریم که از همه دوستان خود پنهان باشد. ولی بنابر مصلحت هم‌اکنون از دیدگان غایب است (مجلسی، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

در مقاطع مختلف تحصیلی جهت اثبات غیبت امام حتماً از استدلال‌های عقلی و منطقی بهره‌مند شویم. توجه داشته باشیم که نوجوانان ابتدا باید از نظر عقلی به امری یقین حاصل کنند، تا بعد بتوانیم از طریق مباحث درون دینی با آنها هم کلام شویم:

آموختن استدلال‌های فلسفی به نوجوانان دو کار اساسی برای آنان در مقابل مخالفین معارف الهی به همراه دارد: اول این که ضعف استدلال‌های گروه مخالف را آشکار می‌سازد. مخصوصاً اگر اندیشه‌های مخالفین، ناسازگاری و تناقض درونی داشته باشد که می‌توان آن را برملا ساخت. دوم این که با اقامه براهین دقیق و عمیق فلسفی نشان دهند که، حتی برای منکران معارف الهی، قوت استدلال‌های فلسفی ناظر به معارف الهی، تنها از قوت استدلال‌های مخالفان کمتر نیست بلکه بیشتر هم هست. با چنین کاری اگر مخالفان قانع نشوند، دست‌کم استبعاد و وحشت ذهنی آنها نسبت به معارف الهی کم، یا به کلی برطرف می‌شود (عبودیت، ۱۳۸۰: ۶۴).

### بررسی متون مقطع ابتدایی

در مقطع تحصیلی ابتدایی در کتاب‌های هدیه آسمانی، تنها به ذکر عنوان امام و مشخصات او بسنده کرده‌است و او را همچون سایر امامان و پیامبران دیگر معرفی نموده است. اگرچه در این گروه سنی به دلیل سرشت پاک دانش‌آموزان، ارتباط‌های بهتری می‌توان بین او و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برقرار نمود ولی نمونه‌های آن در کتاب‌های درسی مشاهده نمی‌شود. وجود اشعار زیبا، داستان‌های تأثیرگذار، در این پایه تحصیلی در کتاب‌های فارسی، هدیه آسمانی و مطالعات اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

### بررسی متون مقطع متوسطه اول

در این مقطع تحصیلی در کتاب پیام‌های آسمان پایه هفتم و هشتم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و

ابعاد مربوط به شخصیت ایشان، توجه نشده و هیچ مطلبی ذکر نمی‌شود. و در پایه نهم در درس پنجم، که به موضوع رهبری در دوران غیبت پرداخته است به موضوع غیبت نیز اشاره می‌کند، توضیح دیگری در خصوص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد (پیام‌های آسمان پایه نهم، ۱۴۰۰: ۶۱-۵۵).

همچنین در کتاب پیام‌های آسمان پایه هشتم از این موارد دیده نمی‌شود. البته در تمام کتب پیام‌های آسمانی و معارف اسلامی مقاطع مختلف انتظار می‌رود ضمن معرفی شخصیت‌های بارز دینی و الهی و معنوی مطرح از رابطه آنها با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مثال‌هایی بیان شود و سخنی از ارادت قلبی و عملی آن عزیزان به امام خود بیان شود. حال آن‌که به طور حتم کسب این مقامات دنیوی و عزت اخروی در گرو شناخت و رابطه آنها با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است (پیام‌های آسمان پایه هشتم، ۱۱۸-۱۱۳).

و سؤال اساسی از مؤلفین محترم کتاب‌های درسی این است که آیا معلم در کلاس درس می‌تواند مضامین ایثار و عدالت و صلح جهانی را بدون وجود منجی تعلیم دهد؟ «معلم و کتاب‌های درسی باید بتوانند روحیه فداکاری و اطاعت از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای دانش‌آموزان نهادینه کنند، کسانی که از صمیم قلب حضرت را دوست داشته باشند و برای آمدن او و رسیدن به حکومت و زندگی مهدوی آماده و تسلیم باشند...» (شجاعی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۴).

یکی از راه‌های پیشنهادی پرورش این روحیه و بهره‌مندی از روش اسوه‌سازی است: «در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد. بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او را به پیروی ترغیب کند و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. این حالت متربی، اسوه‌سازی نام دارد. و این روش تربیتی، روش قرآن کریم است» «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) (باقری، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

با بررسی زندگی دانشمندان، علما، شعرا و بزرگانی که در خاطرات زندگی آنها حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده شده است در می‌یابیم که آنها، همان نمونه‌های عینی از افرادی هستند که در دوران غیبت کبری با قلب خود با حضرت ارتباط برقرار کردند و یاد کردن حضرت را جزو اعمال روزانه و شبانه خود قرار دادند؛ فراموش نکنیم که داستان‌ها، نقش بسیاری در گسترش فکر، فرهنگ و آگاهی بخشی دانش‌آموزان دارند.

## بررسی متون مقطع متوسطه دوم

در کتاب دین و زندگی ۲ (پایه یازدهم) ابتدا مبحث هدایت الهی و نبوت را مطرح می‌کند و بعد از آن وارد بحث امامت می‌شود. سپس به مسئله عصر غیبت اشاره می‌کند و آن را با مرجعیت و ولایت فقیه پایان می‌رساند. در درس نهم که اختصاصاً به عصر غیبت اشاره دارد، ابتدا در خصوص غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گوید و چگونگی امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت را با روایات اهل بیت آموزش می‌دهد که بسیار کوتاه بحث موعود و منجی در ادیان را بیان می‌کند و مجدداً به ذکر روایات موعود در اسلام اشاره می‌کند. در پایان درس، چهار وظیفه از مسئولیت‌های منتظران را شرح می‌دهد. از جمله: تقویت معرفت و محبت به امام، پیروی از فرمان‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آماده کردن خود و جامعه برای ظهور، دعا برای ظهور امام (دین و زندگی ۲ پایه یازدهم).

ضمن احترام حضور مؤلفین محترم، در کتاب مذکور، این درس با نگاه کاملاً درون دینی به بیان شخصیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است و لازم بود که ابتدا به ویژگی‌های جهان بعد از ظهور و باورهای ادیان و اعتقاد و باور شخصیت‌های بزرگ به منجی می‌پرداخت و سپس به ذکر احوالات افرادی اشاره کند که در عصر غیبت کبری، موفق به دیدار آن حضرت شدند که ارتباط با امام و حتی دیدار او را برای نوجوانان دور از دسترس جلوه نمی‌دهد.

## نتیجه‌گیری

اگرچه باور و تفکر شیعه، انتظار و رسیدن به حکومت مهدوی است، اما در تمامی این سال‌ها ظهور و زندگی در عصر ظهور، برای کودکان و نوجوانان امری دست نیافتنی و جزو آرزوها بوده است. تعلیم و برنامه‌های درسی در مدارس کاستی‌های فراوانی را نمایان کرده است. نظام تعلیم و تربیت وظیفه دارد با روش‌های مختلف باور رسیدن به حکومت عصر ظهور را در نوجوانان و جوانان بیدار کند و هر عمل مثبتی را به رضایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت او متصف کند و این امر محقق نمی‌شود مگر در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی و برنامه‌ریزی‌های منظم در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا در خصوص آموزش و گسترش تفکر مهدویت و ویژگی‌های منتظران عصر ظهور تغییر ایجاد گردد.

پیشنهاد می‌شود رویکردهای تعلیم و تربیت دینی در آموزش و پرورش براساس سند تحول و فلسفه مهدویت اصلاح شده و مجدداً تدوین گردد. همچنین بحث انتظار و فلسفه حکومت

جهانی مهدوی در اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش قرار گرفته و تفکیک متون درسی متناسب با گروه‌های سنی تدوین گردد. برنامه‌های فوق برنامه (پرورشی) نیز با برنامه‌های درسی هماهنگ و یکسو شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در دانشگاه‌های فرهنگیان و مراکز آموزشی ویژه معلمان، به نقش و جایگاه معلمان بیش از پیش توجه شود و باور تأثیر نقش معلمان در ابتدا، بر خود آنان نهادینه شود.

سزاوار است که در این شرایط به تعلیم و تربیت خود و دیگران همت گمارند و با توجه به این که بزرگ‌ترین نهاد تعلیم و تربیت در جامعه، نهاد آموزش و پرورش می‌باشد، لذا بر همه متولیان این نهاد است که به تربیت نسل منتظر پرداخته و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. و این امر محقق نخواهد شد مگر با همت و روحیه‌ای پر تلاش از سوی جامعه فرهنگیان، مدیران و معلمان عزیزی که نه تنها باید به عشق و ارادت قلبی به ساحت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسنده نکنند، بلکه آموزش‌های خود را با روش‌ها و نیازهای جوانان عصر حاضر هماهنگ نمایند. ضمن این که تغییر در متون کتب آموزشی و تدریس و روش‌های متنوع و تغییر در محیط مدرسه در دستور کار این عزیزان قرار گیرد. امروزه خلأ متون آموزشی در محتوای تفکر مهدوی کاملاً قابل محسوس است. اگر نظام آموزشی کشور ما مبتنی بر تفکر قرآنی است و اعتقاد به تشکیل حکومت مهدوی داریم، شایسته است که از بدو آموزش تا پایان مراحل آموزش، علما و عملاً دانش‌آموزان را با فرهنگ واقعی قرآن و نهج البلاغه با اختصاص ساعات بیشتر این دو منبع اصیل در تمام مقاطع و همچنین تربیت معلمینی متخصص در این حوزه به معنای واقعی مهدویت آشنا کنیم. منابع آموزشی ما باید آن چنان غنی باشد که فارغ‌التحصیلان مدارس و مراکز علمی، پاسخگوی شبهات عصر خود باشند و بتوانند ارتباط معنوی با آن بزرگوار برقرار نمایند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. احمدی، علی اصغر (۱۳۹۱ش)، *اصول تربیت*، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۳. باقری، خسرو (۱۳۹۱ش)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: سازمان پژوهش و

- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.
۴. پی، میلر، جان (۱۳۸۰ش)، *آموزش و پرورش روح (به سوی یک برنامه درسی معنوی)*، ترجمه: نادرقلی قورچیان، تهران: فراشناختی اندیشه.
۵. پی، میلر، جی (۱۳۹۳ش)، *نظریه‌های برنامه‌های درسی*، ترجمه: محمود مهر محمدی، تهران: سمت.
۶. *پیام‌های آسمان*، پایه نهم (۱۴۰۰ش)، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، هفتم.
۷. *پیام‌های آسمان*، پایه هشتم (۱۴۰۰ش)، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، هفتم.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، قم: اسراء.
۹. *دین و زندگی ۲*، پایه یازدهم (۱۳۹۹)، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، چهارم.
۱۰. رضایی، موسی (۱۳۸۶ش)، *چگونه مدرسه‌ای شاد داشته باشیم؟*، تهران: نیکان.
۱۱. سلیمان‌نژاد، اکبر (۱۳۹۲ش)، *منابع یادگیری در تعلیم و تربیت*، قم: سمت.
۱۲. سیدجوادیان، رضا (۱۳۹۳ش)، *برنامه‌ریزی نیروی انسانی*، تهران: نگاه دانش.
۱۳. شجاعی، محمد (۱۳۹۰ش)، *آشتی با امام زمان*، قم: محیی.
۱۴. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر فلسفه اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۵. فقیه ایمانی، محمدباقر (۱۳۸۳ش)، *شیوه‌های یاری آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم*، تهران: عترت.
۱۶. قائمی، علی (۱۳۷۸ش)، *زمینه تربیت*، قم: امیری.
۱۷. کدیور، پروین (۱۳۹۴ش)، *روانشناسی یادگیری (از نظریه تا عمل)*، تهران: سمت.
۱۸. کریمی، یوسف (۱۳۸۹ش)، *روانشناسی تربیتی*، تهران: ارسباران.
۱۹. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۹۱ش)، *روانشناسی تربیتی*، تهران: سمت، هفتم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲ش)، *مهدی موعود*، ترجمه: حسن محمدولی ارومیه‌ای، قم: انتشارات مسجد جمکران.
۲۱. مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۸۷ش)، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس:

رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دو فصل نامه علمی تخصصی تربیت اسلامی.

۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.

۲۳. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۲ش)، «چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۲۵.

۲۴. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، قم: دفتر آموزش های تربیتی فرهنگ مهدویت.

۲۵. مهرمحمدی و همکاران، محمود (۱۳۹۰ش)، برنامه درسی، نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، تهران: سمت.

۲۶. نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۵ش)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: طهوری.

۲۷. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، النعیة، تهران: نشر صدوق.

۲۸. هراتیان، علی (۱۳۹۲ش)، آشتی با امام زمان عصر، تهران: عطر عترت.